

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# کاربرد مهارت‌های تدریس و روانشناسی در آموزش قرآن

دائود تک‌فلاح

سر شناسه: تک فلاح، داوود، ۱۳۴۷.

عنوان و نام پدیدآور: کاربرد مهارت‌های تدریس و روانشناسی در آموزش قرآن / داوود تک فلاح  
مشخصات نشر: تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۳ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۲۲-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: قرآن - راهنمای آموزشی

موضوع: تدریس. راهنمای آموزشی

موضوع: روان‌شناسی تربیتی - راهنمای آموزشی

شناسه افزوده: سازمان دارالقرآن الکریم. نشر تلاوت

رده بندی کنگره: ۱۲۹۰ ک۲۸/ت LB۱۰۲۵

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۹۷۹۲۷



عنوان: کاربرد مهارت‌های تدریس و روانشناسی در آموزش قرآن

مؤلف: داوود تک فلاح

ناشر: انتشارات تلاوت (وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم) با همکاری انتشارات کاتبان وحی

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

نوبت چاپ: سوم - بهار ۱۳۹۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۲۲-۴

مرکز پخش: میدان امام حسین (ع) - خیابان خواجه نصیرالدین طوسی - جنب سازمان

دارالقرآن الکریم، شماره ۷۹

تلفکس ۷۷۶۲۶۵۳۱ تلفن ۷۷۶۳۵۵۰۰ همراه: ۰۹۱۲۳۲۳۹۵۷۸

صندوق پستی: ۱۶۱۹۵-۱۵۹

## فهرست مطالب

۱۱	.....مقدمه ناشر
۱۵	.....مقدمه مؤلف
۱۷	.....بخش اول: کلیات و مبانی
۱۹	.....فصل اول: ویژگی‌های معلّم
۲۰	.....ضرورت برگزاری دوره‌های تربیت معلّم
۲۰	.....هدف دوره‌های تربیت معلّم قرآن
۲۱	.....صلاحیت‌های حرفه معلّمی
۲۲	.....الف- صلاحیت‌های شناختی (دانش)
۲۲	.....ب- صلاحیت‌های عملکردی (توانش)
۲۳	.....ج- صلاحیت‌های اخلاق حرفه‌ای (بینش)
۲۴	.....د- صلاحیت‌های عمومی (فردی)
۲۵	.....خلاصه فصل
۲۶	.....خودآزمایی فصل اول
۲۷	.....فصل دوم: مبانی تعلیم و تربیت
۲۷	.....«پرورش» و «کارآموزی»
۲۸	.....«آموزش»، «یادگیری» و «عملکرد»
۲۹	.....عوامل تأثیرگذار بر یادگیری
۳۰	.....۱. سطح رشد و آمادگی جسمی و ادراکی
۳۰	.....۲. دانسته‌ها و تجربیات پیشین
۳۱	.....۳. انگیزه
۳۱	.....۴. ادراک و توجه
۳۲	.....۵. رابطه کل و جزء
۳۳	.....۶. تمرین و تکرار
۳۳	.....۷. مقطع زمانی و شرایط محیطی
۳۳	.....۸. هوش و استعداد
۳۶	.....خلاصه فصل
۳۸	.....خودآزمایی فصل دوم
۳۹	.....بخش دوم: طراحی آموزشی و فنون تدریس
۴۱	.....فصل سوم: اهداف آموزشی
۴۲	.....غایت‌های پرورشی یا اهداف کلان آموزشی
۴۳	.....چرخه و مراحل تدوین غایت‌های پرورشی یا اهداف کلان آموزشی
۴۴	.....اهداف آموزشی



۴۴	گزینش و تدوین اهداف آموزشی.....
۴۵	مراحل نگارش اهداف آموزشی.....
۴۵	الف) تعیین هدف یا هدفهای کلی.....
۴۶	ب) تبدیل هدف کلی به هدفهای جزئی.....
۴۷	ج) تبدیل هدفهای جزئی به هدفهای رفتاری.....
۴۸	* انواع اهداف آموزشی رفتاری.....
۴۹	د) تبدیل هدفهای رفتاری به هدفهای عملیاتی.....
۵۰	خلاصه فصل.....
۵۲	خودآزمایی فصل سوم.....
۵۳	فصل چهارم: طبقه‌بندی اهداف آموزشی.....
۵۴	طبقه‌بندی آموزشی «بلوم».....
۵۵	حیطه شناختی.....
۵۸	حیطه عاطفی.....
۶۱	حیطه روانی - حرکتی.....
۶۴	ارتباط حیطه‌های سه‌گانه.....
۶۶	توضیحات تکمیلی.....
۶۷	خلاصه فصل.....
۶۹	خودآزمایی فصل چهارم.....
۷۱	فصل پنجم: ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان یا اهداف ورودی.....
۷۱	ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان.....
۷۲	رفتارهای ورودی.....
۷۳	انواع ویژگی‌های ورودی.....
۷۴	ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین.....
۷۴	تعیین گروه‌های یاددهی - یادگیری.....
۷۵	الگوهای یادگیری.....
۷۵	* انواع الگوهای یادگیری.....
۷۷	* انواع الگوهای تفکر.....
۷۹	خلاصه فصل.....
۸۰	خودآزمایی فصل پنجم.....
۸۱	فصل ششم: تعیین محتوا، روش و وسایل آموزشی و نظام ارزشیابی.....
۸۱	تحلیل، انتخاب و تنظیم محتوا.....



انتخاب روش تدریس مناسب .....	۸۲
انتخاب وسایل آموزشی مناسب.....	۸۳
تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی.....	۸۵
خلاصه فصل.....	۸۷
خودآزمایی فصل ششم.....	۸۸
فصل هفتم: الگوی تدریس و طراحی فعالیت‌های آموزشی .....	۸۹
تدریس چیست؟.....	۸۹
برنامه ریزی آموزشی چیست؟.....	۹۰
الگوی تدریس.....	۹۱
الگوی عمومی تدریس .....	۹۳
مراحل فعالیت‌های آموزشی.....	۹۴
مرحله اول: فعالیت‌های پیش از تدریس.....	۹۴
مرحله دوم: فعالیت‌های حین تدریس.....	۹۵
مرحله سوم: فعالیت‌های پس از تدریس.....	۹۶
خلاصه فصل.....	۹۸
خودآزمایی فصل هفتم .....	۱۰۰
فصل هشتم: طرح درس (سالانه یا دوره‌ای و روزانه).....	۱۰۱
طرح درس.....	۱۰۱
مراحل تهیه و تدوین جدول طرح درس سالانه یا دوره آموزشی .....	۱۰۲
الگوی شماره (۱) - نمونه جدول طرح درس سالانه یا دوره‌ای.....	۱۰۴
روش نگارش و تنظیم طرح درس روزانه .....	۱۰۵
مراحل نگارش و تنظیم اجرای طرح درس روزانه (جلسه).....	۱۰۵
الگوی شماره (۲) - نمونه جدول طرح روزانه.....	۱۱۱
خلاصه فصل.....	۱۱۲
خودآزمایی فصل هشتم.....	۱۱۳
فصل نهم: روش‌ها و فنون تدریس.....	۱۱۵
روش‌های تدریس.....	۱۱۵
تعریف فن.....	۱۱۶
تقسیم‌بندی روش‌های تدریس.....	۱۱۶
الف) روش‌های تاریخی یا سنتی .....	۱۱۶
۱- روش «سقراطی».....	۱۱۷



۱۱۷.....	۲- روش «نظام مکتبی ایران».....
۱۱۸.....	ب) روش‌های متداول و نوین.....
۱۱۸.....	۱- روش توضیحی.....
۱۱۹.....	۲- روش سخنرانی.....
۱۲۲.....	۳- روش اکتشافی.....
۱۲۴.....	۴- روش حل مسئله.....
۱۲۶.....	۵- روش مباحثه و انواع آن.....
۱۲۷.....	۶- روش پرسش و پاسخ.....
۱۲۷.....	۷- روش واحد کار (پروژه).....
۱۲۷.....	۸- روش گروه‌های کوچک.....
۱۲۸.....	۹- روش یادگیری فردی (آموزش انفرادی).....
۱۲۸.....	۱۰- روش آزمایشی.....
۱۲۹.....	۱۱- روش نمایشی.....
۱۳۰.....	۱۲- روش گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس.....
۱۳۰.....	۱۳- روش بازی‌های تربیتی (ایفای نقش).....
۱۳۱.....	۱۴- فن تمرین.....
۱۳۱.....	۱۵- روش تدریس مفاهیم.....
۱۳۳.....	نتیجه‌گیری مباحث فصل.....
۱۳۴.....	خلاصه فصل.....
۱۳۷.....	خودآزمایی فصل نهم.....
۱۳۹.....	فصل دهم: مهارت‌های آموزشی و کلاس‌داری.....
۱۳۹.....	مهارت‌های آموزشی.....
۱۴۰.....	مهارت‌های کلاس‌داری.....
۱۴۰.....	۱) مهارت در برقراری ارتباط.....
۱۴۲.....	۲) مهارت در تمرکز بخشی.....
۱۴۳.....	۳) مهارت آماده‌سازی.....
۱۴۳.....	۴) مهارت در برقراری نظم و انضباط کلاسی.....
۱۴۵.....	۵) مهارت در انگیزه‌سازی.....
۱۴۷.....	۶) مهارت در بکارگیری اشارات حساب شده.....
۱۴۸.....	خلاصه فصل.....
۱۵۰.....	خودآزمایی فصل دهم.....
۱۵۱.....	بخش سوم: کاربرد روانشناسی پرورشی در تدریس.....
۱۵۳.....	فصل یازدهم: کلیات و تعاریف روانشناسی پرورشی.....





۱۵۳.....	روانشناسی پرورشی.....
۱۵۴.....	تفاوت "تدریس با یاد دادن".....
۱۵۵.....	اصطلاحات روانشناسی پرورشی.....
۱۵۵.....	* "محرك".....
۱۵۵.....	* "كنترل محرك".....
۱۵۶.....	* "محرك تمیزی".....
۱۵۶.....	* "اس - دلتا".....
۱۵۶.....	* "تمیز محرك".....
۱۵۷.....	* "تعمیم محرك".....
۱۵۷.....	* "شیب محرك".....
۱۵۷.....	* "کاربردهای آموزشی شیب محرك".....
۱۵۷.....	* "زنجیره کردن".....
۱۵۸.....	* "نشانه دهی".....
۱۵۸.....	* "مطابقه".....
۱۵۸.....	* "حذف محرك".....
۱۵۹.....	* "شکل دهی محرك".....
۱۵۹.....	* "فعال سازی" و "سرمشق دهی".....
۱۶۰.....	خلاصه فصل.....
۱۶۱.....	خودآزمایی فصل یازدهم.....
۱۶۳.....	فصل دوازدهم: اصول مهم تدریس از دیدگاه روانشناسی پرورشی.....
۱۶۳.....	آگاهی معلم از آنچه که یاد می دهد و آنچه که دانش آموز فرا می گیرد.....
۱۶۴.....	یادگیری به روش شرطی شدن.....
۱۶۵.....	توجه ویژه به کسب موفقیت دانش آموزان در اولین مراحل تعلیم.....
۱۶۵.....	ایجاد ارتباط روحی و عاطفی بین معلم و دانش آموز.....
۱۶۶.....	توجه به توانایی مخاطبان و سطح رشد و معلومات ایشان.....
۱۶۷.....	اصل رسیدن به مجهولات از طریق معلومات.....
۱۶۷.....	ایجاد انگیزه در ابتدای تدریس.....
۱۶۸.....	تداوم انگیزش دانش آموزان در طول تدریس.....
۱۶۸.....	توجه به تناسب کار کلاسی با توان شاگردان.....
۱۶۸.....	برانگیختن ادراک و توجه دانش آموزان نسبت به موضوعات درس.....
۱۶۹.....	ایجاد بینش در خصوص موضوعات درسی.....



- ۱۷۲.....ارائه تمرینهای موثر
- ۱۷۳.....توجه به فلات یا رکود فراگیری و سعی در رفع عوامل آن
- ۱۷۴.....قدرت به خاطر سپاری و یادآوری متعلم (حافظه) و عوامل موثر بر آن
- ۱۷۴.....\* عوامل کمک کننده به حافظه
- ۱۷۹.....خلاصه فصل
- ۱۸۱.....خودآزمایی فصل دوازدهم
- ۱۸۲.....نمونه فرم سنجش روش تدریس دوره های تربیت معلم قرآن کریم
- ۱۸۳.....منابع و مأخذ

## مقدمه ناشر

(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُخَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا)<sup>۱</sup>

قرآن صحیفه نورانی خداوند متعال و ریسمان و حلقه اتصال عبد به معبود و نامه سرگشاده خالق هستی و عشق نامه محبوب به سوی خیل محبان است و در این سرای فانی دنیا، تنها و یگانه مسیر و شاهراه نجات بخش ظلماتیان فرش نشین به سوی عالم باقی و عرش و مقام «عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» و معدن نور است.

این برهه از زمان، مصداق بارزی از تعبیر پیامبر اعظم اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ «وَإِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ أَلِيلٍ الْمُظْلِمِ...»<sup>۲</sup> است چرا که جهان امروز مملو از انواع بحران‌های گوناگون فکری، روحی، سیاسی و اجتماعی بوده و بوم منحوس «سرگشتگی و بی‌هویتی» سایه شوم خود را بر سر آحاد ملل جهان و حتی ملل مسلمان، گسترانیده است، بی‌شک در چنین وانفسایی یگانه پناهگاه ایمن و تنها منجی واقعی، قرآن کریم است. بنابراین پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ در ادامه حدیث شریفشان با عبارت «فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»، بر این مطلب تأکید فرموده و همگان را به قرآن محوری و بازگشت به آن امر فرموده‌اند.

امام خمینی ؛ احیاگر کلام وحی در دنیای معاصر نیز در این خصوص فرموده‌اند: «قرآن، در آن همه چیز است، لکن مع‌الأسف ما استفاده از آن نکردیم و مسلمین مهجورش کردند، یعنی استفاده‌ای که باید از آن بکنند، نکردند.» و نیز فرموده‌اند: «قرآن کریم یک سفره‌ای است که خدای تبارک و تعالی به وسیله پیامبر اکرم ﷺ در بین بشر گسترده است که تمام بشر از آن هر یک به مقدار

۱. اسراء، ۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۸.



استعداد خویش استفاده کند. این کتاب و این سفره گسترده در شرق و غرب از زمان وحی تا قیامت کتابی است که تمام بشر، عامی، فیلسوف، عارف و فقیه، همه از آن استفاده می‌کنند.»

آری در قرآن بنا به تصریح آیاتش و بیان پیامبر مکرم اسلام ﷺ و ائمه طاهرین : - که از این اقیانوس بیکران الهی، بالاترین بهره‌ها را برده‌اند - شفای همه دردهاست و راهنمای سریع الوصول سعادت دنیا و عقبای هر انسانی است، به شرط آنکه چشم بینا و گوش شنوایی وجود داشته باشد تا از آن بهره گیرد.

با لطف حضرت باری تعالی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی در سرزمین پهناور ایران، با توجه به وجود بسترهای بسیار مناسب برای برنامه ریزیهای گسترده در امر نشر فرهنگ قرآنی در جامعه، برنامه‌ریزان فرهنگی نظام و نیز آحاد ملت قرآن محور عزیزان، با به وجود آوردن سازمان‌ها، مؤسسات و مراکز قرآنی، در این مسیر گام‌های ارزنده‌ای برداشته و بسیاری از شیفتگان کلام وحی را با انواع علوم قرآنی آشنا نموده‌اند. هر چند این فعالیتها به جای خویش قابل تقدیر می‌باشند، ولی متأسفانه هنوز بخش قابل توجهی از مردم تحت پوشش برنامه‌های قرآنی قرار نگرفته‌اند و خیل کثیری از جامعه اسلامی با قرآن و حتی قرائت ساده و روان آن آشنایی ندارند که این موضوع بر اهمیت برنامه‌ریزی دقیق‌تر و گسترده‌تر در امر آموزش قرآن کریم جامعه می‌افزاید.

بحمدالله یکی از مراکزی که از ابتدای انقلاب و از سال ۱۳۶۱ تاکنون در امر نشر فرهنگ و علوم قرآنی فعالیت‌های ارزنده و وسیعی در سطح کشور داشته، دارالقرآن الکریم سازمان تبلیغات اسلامی بوده است که از ابتدای سال ۱۳۸۱ با تغییر ساختار تشکیلاتی این مجموعه و تبدیل آن به «سازمان دارالقرآن الکریم» فعالیت‌های آن در زمینه‌های گوناگون به ویژه در ارائه آموزه‌های قرآنی بیش از پیش گسترش یافته و با ارائه انواع آموزش‌های (علوم و فنون قرائت قرآن کریم «۷ سطح»)، (ترجمه و مفاهیم قرآن «۵ سطح»)، (حفظ قرآن کریم «۵ سطح»)، (تربیت مترجم و معلم مفاهیم و تفسیر قرآن حکیم «۴ سطح»)، (تربیت معلم علوم و فنون قرائت قرآن کریم «۵ سطح»)، (تربیت داور مسابقات قرآنی «۲ سطح»)، (تربیت مدرس قرائت و مفاهیم قرآن کریم «۳ سطح»)، (روخوانی و روان خوانی و فرهنگ قرآنی کارکنان دولت «۵ سطح»)، (دوره‌های تخصصی حفظ و قرائت ویژه منتخبین استان‌ها)، (ترجمه و تفسیر قرآن در قالب طرح‌های بینات، نسیم حیات، نورالرحمن و تفسیر



فراگیر تخصصی) و طرح‌های متنوع دیگری از این قبیل، در قالب آموزش‌های عمومی، متوسط و تخصصی توانسته است بسیاری از احاد امت اسلامی را با قرآن کریم بیش از پیش مانوس سازد. در این میان با توجه به برگزاری دوره‌های تربیت معلّم و مدرّس قرآن کریم توسط سازمان دارالقرآن الکریم و دارالقرآن الکریم ادارات کل تبلیغات اسلامی استان‌ها و مجامع تحت نظارت دیگر در ربع قرن اخیر و با توجه به رشد علمی و تخصصی این دوره‌ها، این سازمان سعی نموده است تا با تألیف و چاپ کتاب‌های تخصصی مورد نیاز و تأمین منابع آموزشی دروس تخصصی، بر انسجام و هماهنگی محتوای آموزشی دوره‌ها بیافزاید. در همین راستا با توجه به نیاز مبرم دوره‌های مذکور به منبعی برای آموزش مهارت‌های تدریس و روانشناسی پرورشی به معلمان قرآن کریم، کتاب حاضر تألیف و چاپ شده است.

امید است با تقدیم این اثر به جامعه قرآنی گامی دیگر در جهت نشر و گسترش فرهنگ غنی و تعالی بخش قرآن کریم برداشته شده و بخشی از نیاز دوره‌های تربیت نیروهای متخصص آموزشی به کتاب مرجع برطرف شود.

در پایان ضمن تشکر از مؤلف ارجمند جناب آقای داوود تک فلاح که کتاب حاضر را بر مبنای کتب مرجع موجود و تحقیقات علمی و تجربیات ارزنده خود در طول قریب به سه دهه تدریس قرآن در سطوح مختلف تألیف نموده‌اند، از تمامی استادان و صاحب‌نظران محترم درخواست می‌شود جهت هر چه پربارتر شدن و رفع نقائص احتمالی کتاب، راهنمایی‌ها و اشارات سازنده خود را به صورت کتبی یا شفاهی به سازمان دارالقرآن الکریم اعلام فرمایند.

انتشارات تلاوت

سازمان دارالقرآن الکریم



## مقدمه مؤلف

حمد و سپاس بی حدّ و حصر خداوند منّانی را سزااست که قرآن مجید این ثقل اکبر را برای هدایت و رستگاری بشر نازل فرمود و درود و صلوات بیکران بر ثقل کبیر هستی پیامبر اعظم اسلام حضرت محمّد مصطفی ﷺ و اهل بیت طاهرینش : خاصه بقیه الله الاعظم، موعود منتظر (عجل الله تعالی فرجه و سهل مخرجه) که به این بنده کمترین، توفیق تألیف این اثر را مرحمت فرمودند و بدون تردید اگر توفیقی برای این حقیر بوده از ناحیه مبارک ایشان و از الطاف بی‌بدیلشان بوده است.

همواره معلّمان و مربّیان عزیز می‌خواهند شاگردان خود را به سطح استانداردهای بالاتر تحصیلی نائل نمایند، ولی این مهم بدون افزایش سطح شناخت و مهارت‌های معلم از روانشناسی پرورشی و فنون برترآموزش و یادگیری، قابل تحصیل نخواهد بود؛ چرا که با مطالعه روانشناسی پرورشی و فراگیری فنون تدریس، معلم خواهد توانست با توجه منطقی به علائق، نیازها و ویژگی‌های روانشناختی، مدیریت چرخه آموزشی در کلاس را در دست گرفته و با بهره‌گیری از فنون و مهارت‌های تدریس، شاگردان را در رسیدن سریع و صحیح به اهداف آموزشی یاری نماید. عشق به تعلیم ایجاب می‌کند «بیاموزیم که چگونه بیاموزانیم» زیرا نقش معلّم در بین اضلاع سه‌گانه چرخه آموزش کلاس (معلّم، مخاطب و محتوا) از اهمیت محوری برخوردار بوده و بدون آن، این چرخه هیچگاه شکل نخواهد گرفت.

افزایش کیفیت و ثمربخشی خدمات مدیران و معلّمان قرآنی جامعه، برای بهبود فرایند جذب و آموزش قرآن آموزان، در گرو حرفه‌ای شدن ایشان در زمینه‌های اشاره شده می‌باشد و مدیر و معلّم حرفه‌ای کسی است که؛ با آشنایی کامل به کار خود، برای رشد و شکوفایی استعدادهای فطری متعلمان، «به شناخت اصول علمی و مهارت‌های عملی یک تدریس مناسب» مجهّز باشد.

با توجه به مطالب فوق و در جهت آشنا نمودن و ارتقاء سطح دانش معلّمان قرآن کریم به «مهارت‌های تدریس و روانشناسی پرورشی» (و به منظور سهل الوصول نمودن اهمّ مطالبی که



معلمان محترم قرآن مجید می‌بایست در این زمینه مطالعه نموده و فرا گیرند، کتاب حاضر - که نوشتاری مختصر و نسبتاً جامع در زمینه مباحث فوق است - به سفارش سازمان دارالقرآن الکریم با اتکاء به مطالعات علمی و تجربیات قریب به سه دهه آموزش قرآن در رشته‌ها و سطوح مختلف و استفاده از کتابهای مرجع فنون آموزشی و روانشناسی، برای تدریس در دوره‌های تربیت مدرّس و معلّم قرآن کریم، به رشته تحریر درآمده است تا از این رهگذر، خدمت کوچکی به ساحت قدسی و عظیم قرآن کریم صورت پذیرد.

با توجه به هدف نگارنده در تلخیص مطالب کتاب، سعی شده تنها توضیحات و مباحثی که در آموزش قرآن کریم موضوعیت داشته و یا بیشتر مورد استفاده واقع می‌شود، در این کتاب به رشته تحریر درآیند، لذا علاقمندان و معلمان محترم جهت مطالعه بیشتر می‌توانند به سایر کتب مرجع (که در تألیف این کتاب از آنها استفاده شده و عناوین آنها در خاتمه کتاب ذکر شده است) مراجعه نمایند. این کتاب شامل سه بخش کلی می‌باشد؛

بخش اول: کلیات و مبانی

بخش دوم: طراحی آموزشی و فنون تدریس

بخش سوم: کاربرد روانشناسی پرورشی در تدریس

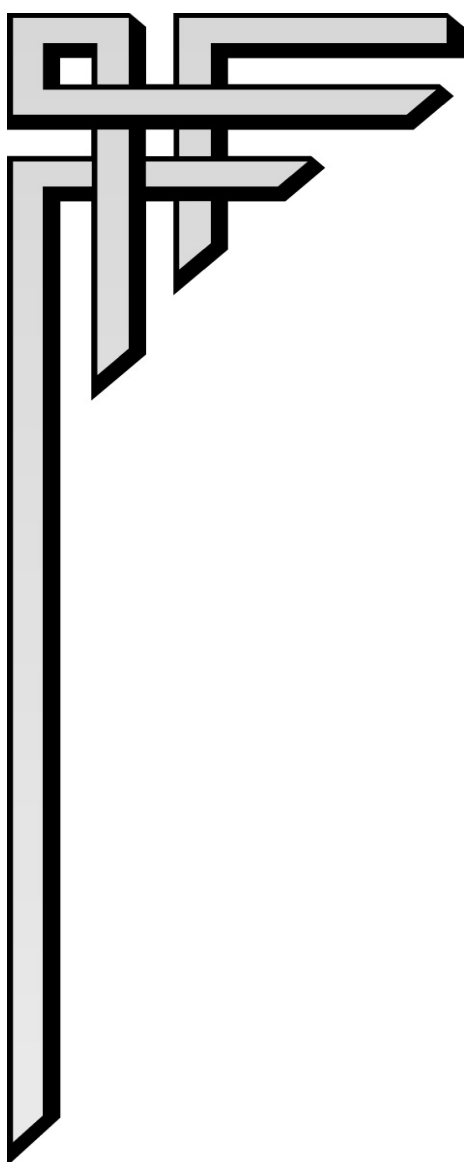
در پایان ضمن تشکر از تمامی عزیزان و اساتیدی که در تهیه، تدوین و تألیف این کتاب نقش آفرینی نموده‌اند، از تمامی معلمان، مدرّسان و اساتید قرآن کریم و صاحب نظران آموزشی خاضعانه خواستارم با ارائه نقطه نظرات سازنده خود به اکمال و رفع اشکالات احتمالی این کتاب کمک نمایند.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

داوود نک‌فلاح

تهران-تابستان ۱۳۹۰ هجری شمسی





بخش اول:

کلیات و مفاتیح



## فصل اول: ویژگی‌های معلم

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- ضرورت برگزاری دوره‌های تربیت معلم را تشریح کند.
  - هدف دوره‌های تربیت معلم قرآن را توصیف نماید.
  - صلاحیت‌ها و ویژگی‌های حرفه معلمی را تعریف کرده و انواع آن را نام ببرد.
  - نمونه‌هایی از انواع صلاحیت‌ها و ویژگی‌های حرفه معلمی را برشمارد.
- پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ» خداوند و فرشتگانش بر معلمی که به مردم خوبی می‌آموزد، درود می‌فرستند.<sup>۳</sup>
- تعلیم و تربیت در تمامی ادوار تاریخ بشر، همواره از اهم نیازهای حیاتی جامعه بوده و می‌باشد. بدیهی است تمامی افراد جامعه جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی خود ناگزیر از فراگیری علوم و فنون مختلف و منطبق با تحولات و دگرگونی‌های زمان خود هستند. همانگونه که بشر با سرعتی شگرف پله‌های ترقی و پیشرفت را طی می‌نماید، سیستم‌های آموزشی و شیوه‌های علم‌اندوزی نیز دستخوش تغییرات سریع می‌گردند.

هرچند در آغاز هزاره سوم و قرن بیست و یک میلادی - که به قرن انفجار اطلاعات نامگذاری شده - با ورود رایانه‌های شخصی و ساختارهای آموزش مجازی و شبکه‌های اینترنت و اینترنت، انقلابی عظیم در نظام‌های آموزشی به وجود آمده ولی همچنان معلم بعد از والدین، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در چرخه تعلیم و تربیت ایفا می‌نماید. این امر در تعلیم و تربیت علوم اسلامی و بالتبع قرآنی نیز صادق بوده و محوری‌ترین نقش در فرآیند تدریس قرآن به عهده معلم خودساخته‌ای است که پس از تخلق به اخلاق اسلامی و تربیت قرآنی، دیگران را نیز به معدن نیکی‌ها یعنی قرآن کریم فرا می‌خواند و از این رهگذر به چنان مقام رفیعی نایل می‌گردد که به فرموده پیامبر اسلام؛ خدا

---

۳. میزان الحکمه، ح ۲۸۵۹.



و ملائکه بر او درود می‌فرستند. در این فصل به لزوم و هدف برگزاری دوره‌های تربیت معلم و ویژگی‌های ضروری برای معلمین اشاره می‌شود.

### ضرورت برگزاری دوره‌های تربیت معلم

آموزش و آموختن، دو فعالیت بی بدیل تاریخ آفرینش بشرنده که ادامه حیات تمدن انسانی در تمامی شئون فردی، اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیازمند انجام موفقیت آمیز این امر به ویژه در قالب نظام‌های آموزشی است. بی تردید برترین عامل در شکل‌گیری چرخه‌های آموزشی و ایجاد رابطه تعاملی بین یاددهنده و یادگیرندگان، معلم است. این رابطه تعاملی در موقعیت‌های سازمان یافته و بین معلم و دانش آموزان، "تدریس" نام دارد. نظر به نقش مهم و سرنوشت ساز معلم در تدارک شرایط مساعد برای تحقق یادگیری در یادگیرندگان، برگزاری دوره‌های تربیت معلم از دیرباز مورد توجه نظام‌های آموزشی بوده است.

بدون تردید در فرآیند آموزش قرآن کریم، مؤثرترین و مهمترین نقش در جذب و یادگیری قرآن آموزان، از آن معلم قرآن است و سطح دانش و مهارت‌های آموزشی او ارتباط مستقیم با سطح و کیفیت فراگیری قرآن آموزان و افزایش یا کاهش علاقمندی ایشان خواهد داشت و باتوجه به حساسیت ویژه معلمی قرآن، ضروری است معلم قرآن، پیش از اقدام به امر خطیر و مبارک تعلیم قرآن، نسبت به کسب و ارتقاء تخصص‌های لازم - تا رسیدن به سطح مطلوب - کوشش نموده و تمامی صلاحیت‌های لازم را با استعانت از ذات اقدس اله و از طریق شرکت در دوره‌های تربیت معلم قرآن، مطالعات گسترده و تمرین‌های مکرر به دست آورد.

### هدف دوره‌های تربیت معلم قرآن

هدف از برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن، تلاش برای تجهیز معلمان به اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های زیر است:

۱. ارتقاء نگرش‌ها و باورهای ضروری در زمینه قرآن و حرفه معلمی قرآن
۲. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص موضوع تدریس
۳. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص روش‌ها و فنون تدریس
۴. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص روش‌ها و فنون کلاس‌داری



۵. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص کاربرد اصول روانشناسی آموزشی در تدریس و

#### تفہیم درس

۶. آشنایی معلم با علوم و مهارت‌هایی که به صورت غیر مستقیم بر کیفیت آموزش تأثیرگذارند. به رغم پیدایش پایانه‌های اطلاع‌رسانی و نظام‌های ارتباطی پیشرفته که می‌توانند اطلاعات و معلومات را در زمانی کوتاه در اختیار علاقمندان به معلّمی قرار دهند، به دلیل عدم امکان تدارک مهارت‌های لازم عملی و نگرش‌های بنیادی معلّمی، برگزاری این دوره‌ها همچنان از ضروریات چرخه آموزش است.

معلم الگوها و روش‌های تدریس را با توجه به درس مورد نظر و توانایی‌های خود و شرایط موجود انتخاب و بر مبنای آنها درس را ارائه می‌دهد. علاقه و تسلط معلّم به موضوع درس و آگاهی و توان عملی او نسبت به الگو، روش‌ها و شیوه‌های مختلف تدریس، مهارت‌های حرفه‌ای کلاس‌داری، روانشناسی پرورشی، استفاده از وسایل آموزشی متناسب و اشراف او به شیوه‌های تشویق متعلّمان به یادگیری، از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی است. معلّمان باید بتوانند ایده‌های تازه را جذب، طرح‌های نو را طراحی و الگوهای متنوع تدریس را در فرآیند آموزش خود به اجرا درآورند.

#### صلاحیت‌های حرفه معلّمی

در فرآیند تدریس، تنها تجارب و توان‌مندی‌های علمی و مهارتی معلّم نیست که در دانش‌آموز تأثیر دارد بلکه دیدگاه معلّم، اصولی که به آن معتقد است و کلّ شخصیت وی در تدریس، تغییر، تحوّل و یادگیری دانش‌آموز مؤثر واقع می‌شود؛ لذا یکی از مسائل مهم در فرآیند تعلیم و تربیت توجه به تمامی صلاحیت‌های معلّمی است.

صلاحیت‌های معلّمی مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها، مهارت‌ها و عملکردهایی است که در جریان تعلیم به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک می‌کند. این صلاحیت‌ها را می‌توان به چهار بخش طبقه‌بندی نمود:



### الف - صلاحیت‌های شناختی (دانش)

صلاحیت‌های شناختی معلّمی عبارت است از مجموعه‌ای از شناخت‌ها و معلوماتی که ضروری است معلم با توجه به حرفه معلّمی و موضوع درسی نسبت به آن‌ها اشراف و تسلط داشته باشد. اهم این صلاحیت‌ها عبارتند از:

- آگاهی از اهداف غایی و اهداف کلی و اصول تعلیم و تربیت
- آگاهی، شناخت و تسلط نسبت به مفاهیم علمی و اطلاعات جانبی مربوط به موضوع درس
- شناخت اصول حاکم بر یادگیری و ظرایف تربیتی
- شناخت اهداف آموزشی کتاب درسی
- آگاهی و شناخت شیوه‌های جدید و فعال تدریس
- آگاهی و شناخت نسبت به شیوه‌های ارزش‌یابی متناسب با روش‌ها
- شناخت ویژگی‌های دانش‌آموزان (جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و...)
- شناخت شیوه‌های مختلف مدیریت کلاس
- آشنایی با مهارت‌های اجتماعی و گسترش آن‌ها در فرآیند یادگیری
- شناخت محیط‌های اجتماعی مختلف (مدرسه، خانواده، مؤسسات اجتماعی و...) و تأثیر آن‌ها بر تعلیم و تربیت

- شناخت نیازها، مسائل و مشکلات اجتماعی
- شناخت ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... جامعه ملی و محلی
- شناخت روش‌های مطالعه و تحقیق در رشته علمی مربوط
- شناخت مهارت‌های تفکر (تفکر منطقی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق)
- شناخت طراحی آموزشی

### ب - صلاحیت‌های عملکردی (توانش)

صلاحیت‌های عملکردی معلّمی عبارت است از مجموعه‌ای از مهارت‌های عملی که ضروری است معلم با توجه به حرفه معلّمی و موضوع درسی اش نسبت به آن‌ها اشراف و تسلط داشته باشد. اهم این صلاحیت‌ها عبارتند از:

- مهارت در طراحی آموزشی «طرح درس روزانه، دوره یا سالانه»
- مهارت در کاربرد تکنولوژی آموزشی در فرآیند تدریس
- مهارت در اداره کلاس و تشکیل گروه‌های کار توسط شاگردان، فعال کردن دانش‌آموزان و مشارکت آنان در کلاس درس



- مهارت در برقراری ارتباط مؤثر با شاگردان، همکاران و خانواده‌ها  
- مهارت در کاربرد فنون و روش‌های مختلف تدریس متناسب با محتوای درس نظیر حل مسئله، بحث و گفت‌وگو و...

- مهارت در سخنوری و انتقال پیام به دانش‌آموزان  
- مهارت در دادن تکلیف و رسیدگی به تکالیف و تمرین‌های دانش‌آموزان  
- مهارت در تقویت روحیه و ایجاد انگیزه و شوق به یادگیری در دانش‌آموزان  
- مهارت در ابداع و نوآوری و ارائه ابتکارات تازه و کاربرد روش‌های تجربی  
- مهارت در ارزش‌یابی‌های ورودی، تکوینی و پایانی متناسب و تحلیل نمرات دانش‌آموزان  
- مهارت در تشویق و ترغیب دانش‌آموزان  
- مهارت در انجام پژوهش‌های لازم در فرآیند تدریس  
- مهارت در نگارش تجربیات خود در فرآیند تدریس و رفتار با دانش‌آموزان  
- مهارت در استدلال علمی و منطقی و گوش دادن به استدلالات دانش‌آموزان، تحمل آراء مخالف و پذیرش آرای منطقی شاگردان

- توانایی ارزش‌یابی از کار خود  
- مهارت در استفاده از اصول حاکم بر یادگیری در تدریس  
- مهارت در ارائه و طرح سؤالاتی که جواب دادن به آن مستلزم تفکر است  
- توانایی کشف قابلیت‌های ذهنی دانش‌آموزان به منظور پرورش مهارت‌های تفکر  
- مهارت به کارگیری تجارب و یافته‌های علمی در فرآیند تدریس  
- توانایی ایجاد اعتماد متقابل بین دانش‌آموزان و همکاران  
- مهارت برنامه‌ریزی درسی جهت افزایش کارایی برنامه  
- توانایی تبیین و تشریح اهداف برنامه درسی به منظور تحقق عملی آن

### ج- صلاحیت‌های اخلاق حرفه‌ای (بینش)

صلاحیت‌های اخلاق حرفه‌ای معلم عبارت است از مجموعه‌ای از باورها، علاقمندی‌ها و خلقیاتی که ضروری است معلم با توجه به حرفه معلمی نسبت به آنها گرایش و التزام داشته باشد. اهم این صلاحیت‌ها عبارتند از:

- داشتن روحیه تعلق خاطر به علم و رشته مربوطه  
- داشتن روحیه توجه به تفاوت‌ها و مشکلات فردی دانش‌آموزان  
- داشتن روحیه استفاده از روش‌های مختلف تدریس به تناسب محتوا  
- داشتن روحیه ایجاد مشارکت و رقابت سالم در کلاس و واداشتن فراگیران به فعالیت‌های گروهی



- داشتن روحیه واداشتن دانش‌آموزان به یافتن راه‌حل‌های تازه و ابتکاری
- داشتن روحیه توجه به نظرات، پیشنهادات و سؤالات مطرح شده از سوی دانش‌آموزان
- داشتن روحیه برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و والدین
- داشتن روحیه تبادل نظر با سایر معلمان و مسئولین مدرسه
- داشتن روحیه شرکت فعالانه در گروه‌های آموزشی و شوراهای مختلف مدرسه
- داشتن روحیه احساس مسئولیت در کار و همکاری با دیگران
- علاقه‌مندی به خودسنجی و ارزش‌یابی از کار خود
- علاقه‌مندی به مطالعه و تشویق دانش‌آموزان به این امر با معرفی کتاب‌های مناسب
- داشتن روحیه نوآوری و خلاقیت
- داشتن روحیه انصاف در برخورد با دانش‌آموزان و سایرین
- داشتن روحیه بازاندیشی و بازآفرینی
- تلاش در جهت ارتقای یادگیری دانش‌آموزان به سطوح بالای یادگیری
- تلاش در جهت آموزش شیوه مطالعه و فکر کردن به دانش‌آموزان
- توجه به تمامی دانش‌آموزان کلاس

#### د- صلاحیت‌های عمومی (فردی)

صلاحیت‌های عمومی معلم عبارت است از مجموعه‌ای از خصوصیات بارز فردی که ضروری است معلم با توجه به حرفه معلمی و ارتباطش با فراگیران، نسبت به آن‌ها التزام داشته باشد. اهم این صلاحیت‌ها عبارتند از:

- شوخ‌طبعی و خوش رفتاری
- فعال، پرحرارت و شاداب بودن و انتقال آن به دانش‌آموزان
- برخورداری از سلامت و ثبات عاطفی
- دارا بودن قدرت بیان و ایجاد ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان
- آراستگی ظاهر و توجه به بهداشت فردی
- رازداری
- عزت نفس و خویشتن‌داری
- تلاش در جهت ارائه الگوی رفتاری مناسب
- داشتن روحیه پی‌گیری امور
- داشتن روحیه مدارای اجتماعی





## خلاصه فصل

تعلیم و تربیت در تمامی ادوار تاریخ بشری، همواره از اهم نیازهای حیاتی جامعه بوده و می‌باشد. هرچند در آغاز هزاره سوم و قرن بیست و یک - که به قرن انفجار اطلاعات نامگذاری شده - با ورود رایانه‌های شخصی و ساختارهای آموزش مجازی و شبکه‌های اینترنت و اینترنت، انقلابی عظیم در نظام‌های آموزشی به وجود آمده است ولی همچنان معلم بعد از والدین، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در چرخه تعلیم و تربیت ایفا می‌نماید. این امر در تعلیم و تربیت علوم اسلامی و بالتبع قرآنی نیز صادق بوده، محوری‌ترین نقش در فرآیند تدریس قرآن به عهده معلم خودساخته‌ای است که پس از تخلق به اخلاق اسلامی و تربیت قرآنی، دیگران را نیز به معدن نیکی‌ها یعنی قرآن کریم فرا می‌خواند. بی تردید برترین عامل در شکل‌گیری چرخه‌های آموزشی و ایجاد رابطه تعاملی بین یاددهنده و یادگیرندگان معلم است. این رابطه تعاملی در موقعیت‌های سازمان یافته بین معلم و دانش آموزان، "تدریس" نام دارد. نظر به نقش مهم و سرنوشت ساز معلم در تدارک شرایط مساعد برای تحقق یادگیری در یادگیرندگان، برگزاری دوره‌های تربیت معلم از دیرباز مورد توجه نظام‌های آموزشی بوده است. بر همین اصل و با توجه به حساسیت ویژه معلمی قرآن، ضروری است معلم قرآن، پیش از اقدام به امر خطیر و مبارک تعلیم قرآن، نسبت به کسب و ارتقاء تخصص‌های لازم - تا رسیدن به سطح مطلوب - کوشش نموده و تمامی صلاحیت‌های لازم را از طریق شرکت در دوره‌های تربیت معلم قرآن به دست آورد.

صلاحیت‌های معلمی مجموعه‌ای شناخت‌ها، گرایش‌ها، مهارت‌ها و عملکردهایی است که در جریان تعلیم به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیران کمک می‌کند. این صلاحیت‌ها را می‌توان به چهار بخش زیر طبقه‌بندی نمود:

- الف - صلاحیت‌های شناختی
- ب - صلاحیت‌های عملکردی
- ج - صلاحیت‌های اخلاق حرفه‌ای
- د - صلاحیت‌های عمومی

هدف از برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن، تلاش برای تجهیز معلمان قرآن به اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های زیر است:

۱. ارتقاء نگرش‌ها و باورهای ضروری در زمینه قرآن و حرفه معلمی قرآن
۲. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص موضوع تدریس
۳. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص روش‌ها و فنون تدریس



۴. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص روش‌ها و فنون کلاس‌داری.
۵. تکمیل و ارتقاء دانش و مهارت‌های معلم در خصوص کاربرد اصول روانشناسی آموزشی در تدریس و تفهیم درس.
۶. آشنایی معلم با علوم و مهارت‌هایی که به صورت غیر مستقیم بر کیفیت آموزش تأثیرگذارند.

### ۸ خودآزمایی فصل اول

- ۱- هدف از تأسیس و برگزاری دوره‌های تربیت معلم قرآن چیست؟
- ۲- وظیفه شغلی معلمان قرآن چیست؟
- ۳- صلاحیت‌های معلمی چیست و به چه انواعی می‌توان آنرا طبقه‌بندی نمود؟
- ۴- پنج مورد از صلاحیت‌های شناختی معلم را نام ببرید.
- ۵- پنج مورد از صلاحیت‌های عملکردی معلم را نام ببرید.
- ۶- پنج مورد از صلاحیت‌های اخلاق حرفه‌ای معلم را نام ببرید.
- ۷- پنج مورد از صلاحیت‌های عمومی معلم را نام ببرید.

## فصل دوم: مبانی تعلیم و تربیت

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- واژه‌های پرورش، کارآموزی، آموزش، یادگیری و عملکرد را تعریف کند.
  - تفاوت‌های آموزش، یادگیری و عملکرد را تبیین نماید.
  - عوامل تأثیرگذار در یادگیری را توصیف کرده، نمونه‌هایی از آن را بیان کند.
  - هوش و عناصر سه‌گانه را بیان کند.
  - انواع هوش‌های چندگانه گاردنر را نامبرده، هر یک را توصیف نماید.
- معلم قرآن اگر بخواهد نقش خود را در جایگاه آموزگار به خوبی ایفا نماید باید با کلیات مفاهیم تخصصی و عوامل مؤثر بر یادگیری که نتیجه سال‌ها و قرن‌ها تحقیقات و تجربیات اثبات شده دانشمندان تکنولوژی آموزشی و روانشناسی تربیتی است آشنا شده و در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود به آنها توجه نماید. با این توضیح در ادامه گزیده‌ای از تعاریف مهم‌ترین و متداول‌ترین اصطلاحات علمی و عوامل مؤثر بر یادگیری ارائه می‌شود. علاقمندان به مجموعه کامل این مباحث می‌توانند به کتاب‌هایی همچون روانشناسی پرورشی نوین تألیف دکتر علی اکبر سیف یا مهارت‌های آموزشی و پرورشی تألیف دکتر حسن شعبانی مراجعه نمایند.

### «پرورش»<sup>۴</sup> و «کارآموزی»<sup>۵</sup>

«پرورش» اسم مصدر از پروردن بوده و از نظر لغوی دارای معانی متعددی همچون عمل پروردن، تیمار، مراعات، تربیت، تعلیم، تادیب، فرهنگ، تمدن، تربیت حسنه، پرستش، پرستیدن و ... است، اما منظور از آن در اصطلاح تعلیم و تربیت عبارت است از:

---

۴. Education.

۵. Training.



جریان یا فرایند منظم و مستمری که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان، در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است. بنا به این تعریف، یک نظام پرورشی موفق، هم فرد را در شکوفا ساختن استعدادهای ذاتی‌اش کمک می‌کند و هم او را به عنوان یک فرد آگاه از مسائل جهانی و متعهد به ارزش‌های دینی و جامعه‌ای که به آن وابسته است سوق می‌دهد. در کنار واژه پرورش، واژه کارآموزی وجود دارد که هر چند از نظر مفهوم به پرورش نزدیک است ولی دارای مفهومی متفاوت و جزئی‌تر و محدودتر است. بنا به تعریف، «کارآموزی» عبارت است از: گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری مورد نیاز یک فرد برای انجام عملکرد مناسب در یک تکلیف یا شغل معین.<sup>۶</sup>

### «آموزش»<sup>۷</sup>، «یادگیری»<sup>۸</sup> و «عملکرد»<sup>۹</sup>

منظور از «آموزش»، فعالیتی است که در خدمت و ابزار پرورش و کارآموزی باشد. «آموزش» ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد. آموزش مستقیم یا کلاسی (یعنی تدریس) به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری، از سوی آموزگار طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل و هدفمند، جریان می‌یابد.<sup>۱۰</sup> اما آموزش غیر مستقیم ممکن است در هر موقعیتی و بدون نیاز به آموزگار در تمامی فرآیند زندگی فرد از لحظه به دنیا آمدن تا مرگ، در خانه، کوچه، بازار، محیط کار و تفریح و ... اتفاق افتد.

برای «یادگیری» تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. اکثر مردم و بسیاری از معلمان یادگیری را عبارت از «کسب اطلاعات، معلومات یا مهارت‌های خاص» می‌دانند. رفتارگرایان یادگیری را «تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه‌گیری» و گروهی آن را «کسب بینش‌های جدید یا تغییر در

۶. سیف، علی اکبر - روانشناسی پرورشی نوین - ۱۳۸۹؛ گزیده صفحات (۳۵ و ۳۶).

۷. Instruction.

۸. Learning.

۹. Performance.

۱۰. منبع پیشین.



بینش‌های گذشته» تعریف کرده‌اند. جامع‌ترین تعریف یادگیری، تعریفی است که توسط دو روانشناس به نام‌های (هیلگارد)<sup>۱۱</sup> و (مارکوئیز)<sup>۱۲</sup> به صورت ذیل ارائه شده است:

«یادگیری عبارت است از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر اثر تجربه.»

یادگیری فقط در کلاس درس منحصر نیست، بلکه همیشه و در همه جا پیوسته و مستمر صورت می‌گیرد. نکته مهم‌تر اینکه تا انسان بالغ نخواهد یاد بگیرد، یادگیری صورت نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، تا حالت طلب و کشش و نیاز به یادگیری در یادگیرنده به وجود نیاید، یادگیری به وقوع نمی‌پیوندد.

با توجه به تعریفی که در مورد یادگیری ارائه شد می‌توان «عملکرد» را تجلی تغییرات ناشی از یادگیری در قالب رفتارهای آشکار شده و قابل مشاهده یا تبدیل رفتار بالقوه به رفتار بالفعل تعریف کرد. در اغلب موارد، تغییرات حاصل از یادگیری بلافاصله در عملکرد یا رفتار بروز نمی‌کند. عملکرد، متأثر از عوامل متعددی مانند انگیزش، گرایش، مقتضیات و موقعیت‌های مختلف محیط است. به اقتضای این عوامل، عملکرد ممکن است برای یادگیری یک شاخص صحیح یا ناصحیح باشد؛ زیرا یادگیری تغییری نامشهود است.<sup>۱۳</sup>

### عوامل تأثیرگذار بر یادگیری

از آنجا که یادگیری نتیجه یک فرآیند آموزشی - اعم از آموزش مستقیم یا غیر مستقیم - است، عوامل و متغیرهای متعددی همچون سطح رشد، عادات اجتماعی، خصوصیات فردی، انگیزه، قدرت فراگیری، محیط آموزشی و ... در شکل‌گیری و قوت و ضعف آن در یادگیرنده نقش دارند. آگاهی معلم از این موارد می‌تواند او را در بهینه‌سازی فرآیند آموزش و خلق موقعیتهای برتر برای یادگیری مخاطب یاری نماید. از این رو گزیده‌ای از این عوامل به اختصار بیان می‌گردد.

۱۱. Hilgard.

۱۲. Marquiz.

۱۳. شعبانی، حسن - مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد اول)؛ - ۱۳۸۶؛ گزیده‌ای از صفحات (۱۰، ۱۱ و ۱۳).



## ۱. سطح رشد و آمادگی جسمی و ادراکی

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در یادگیری، تناسب سطح رشد دانش‌آموز با موضوع مورد آموزش است. یعنی دانش‌آموز متناسب با دانش و مهارت‌های مورد نظر برای فراگیری، باید به آمادگی و توانایی‌های لازم جسمی و ادراکی دست یافته باشد. اگر شاگرد از نظر جسمی، عقلی، اجتماعی و عاطفی، ظرفیت پذیرش و یادگیری را کسب ننموده باشد، اگر بهترین معلم با برترین محتوا و روش‌های آموزشی، درس را به او آموزش دهد هیچ‌گاه در او یادگیری به وقوع نخواهد پیوست. با توجه به تفاوت‌های سنی و رشدی و فرهنگ اجتماعی موجود در افراد، توان و آمادگی ایشان در زمینه‌های جسمی، عقلی، اجتماعی و عاطفی نیز متفاوت خواهد بود. از آنجا که برای فراگیری یک موضوع ممکن است چندین ویژگی جسمی، عقلی و ... نقش داشته باشند، لذا لازم است فرد از تمامی جهات مرتبط به آن سطح رشد یا آمادگی رسیده باشد. مثلاً از فردی که قدرت تکلم ندارد، نمی‌توان انتظار فراگیری قرائت قرآن را داشت، هر چند که از نظر عقلی دارای رشد لازم باشد. همچنین از کودکی که هنوز توانایی ایستادن را به دست نیاورده نمی‌توان انتظار داشت راه رفتن و دویدن را بیاموزد.

## ۲. دانسته‌ها و تجربیات پیشین

یادگیری موضوعات جدید اغلب وابسته به دانسته‌ها و تجربیات مرتبط پیشین است و معلم هر اندازه در ارتباط دادن مواد آموزشی جدید به ذخائر ذهنی شاگرد موفق‌تر عمل کند، یادگیری سریع‌تر و سهل‌تر اتفاق خواهد افتاد.

به مجموعه آموخته‌ها و تجربه‌های گذشته شاگرد «ساخت شناختی» او گفته می‌شود. بدیهی است هر اندازه ساخت شناختی فراگیر در خصوص موضوع درسی کامل‌تر و صحیح‌تر باشد، کار معلم آسان‌تر و هر چه این ساخت شناختی، ناقص‌تر یا ناصحیح‌تر باشد بالتبع کار او مشکل‌تر خواهد بود. مثلاً برای آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن به قرآن‌آموز، معلم باید از ساخت شناختی فراگیر نسبت به حروف و حرکات فارسی برای آموزش حروف و حرکات عربی استفاده نموده و از قرابت و شباهت این موارد در دو زبان فارسی و عربی و تسلط فراگیر بر نمونه‌های فارسی نهایت استفاده را نماید.



### ۳. انگیزه

انگیزه یکی از مؤثرترین عوامل یادگیری است. اگر فراگیر تمامی پیش نیازهای لازم برای یادگیری اعم از رشد، آمادگی و ساخت شناختی لازم و... را داشته باشد ولی انگیزه نداشته باشد، یادگیری اتفاق نخواهد افتاد. «انگیزه، هدف و منظوری است که شخص برای رسیدن به آن مایل به کوشش است.»<sup>۱۴</sup>

انگیزه از طرق مختلف ایجاد می‌شود. ممکن است انگیزه فردی برای یادگیری، نتیجه علاقه و میل درونی او باشد. ممکن است علت آن نیاز فردی و اجتماعی و یا باورهای دینی او باشد. گاه انگیزه به واسطه آگاهی فرد از اهمیت و ضرورت درس یا تشویق و تنبیه مترتب بر یادگیری یا عدم یادگیری آن برانگیخته می‌شود. به هر حال یکی از نکات کلیدی در ترغیب فراگیر به یادگیری، ایجاد انگیزه و تداوم آن در فرآیند آموزش است.

از اهم عوامل انگیزشی در فراگیری قرآن کریم، باورهای دینی و سپس آگاهی فرد از تأثیر قرآن آموزی و قرآن فهمی بر زندگی قرآن آموز و در مرتبه آخر موارد دیگری همچون جنبه‌های هنری در قرائت قرآن یا جنبه‌های شناختی در ترجمه و تفسیر قرآن و... است.

### ۴. ادراک و توجه

اکثر ما چنین تجربه‌ای را داشته‌ایم که گاهی آن قدر در افکار خود فرو می‌رویم که آنچه در اطراف ما می‌گذرد را نمی‌بینیم و چیزهایی را که به ما گفته می‌شود، نمی‌شنویم. اگر چه چشم و گوش ما عیبی ندارند ولی نمی‌توانیم این رویدادها را درک کنیم. دلیلش این است که به محیط اطراف خود توجه نمی‌کنیم.

«ادراک یعنی آگاه بودن از چیزهایی که در معرض حواس قرار می‌گیرند و درک کردن یا نکردن آنها بسته به توجهی است که به چیزهای پیرامون خود داریم.»<sup>۱۵</sup> بدیهی است بدون توجه و سپس ادراک نمی‌توان به یادگیری رسید. پس معلم در هر زمان باید از توجه شاگردش به درس و موضوعات آموزشی مطمئن باشد. نحوه ارائه درس توسط معلم بسیار در جلب توجه شاگرد مؤثر است.

۱۴. درویل، لئونور. ام. تی - کاربرد روانشناسی در تدریس (ترجمه وصالی، ایرج) - ۱۳۶۴؛ ص ۲۶.

۱۵. منبع پیشین؛ ص ۳۳.



معلم هر چه شاداب و بانشاط‌تر و با روش‌های متنوع و خلاقانه درس را ارائه دهد در جلب توجه فراگیر موفق‌تر خواهد بود. نکته مهم دیگر این است که با توجه به موضوع درس گاه لازم است معلم دقیقاً مشخص نماید که فراگیران به چه چیزی باید توجه کنند.

برای مثال یک معلم تجوید قرآن در زمان تدریس صفات حروف، علاوه بر آنکه باید توجه قرآن‌آموزان را به خود و موضوع درس جلب نماید باید دقیقاً به آنها بفهماند که به چه حالت ویژه‌ای در اداء حرف مورد نظر باید توجه کنند. چون از آنجا که هر حرف دارای صفات متعددی است ممکن است توجه ایشان به صفتی غیر از آن چیزی که مورد نظر شماست معطوف گردد.

## ۵. رابطه کل و جزء

وقتی برای اولین بار به شیء یا الگویی می‌نگریم یا کلمه یا صدائی را می‌شنویم، ما آن را به صورت جزء جزء دریافت نمی‌کنیم بلکه آن را به صورت یک کل درک می‌کنیم و سپس با توجه بیشتر و تکرار مواجهه با آن مورد خاص است که به اجزاء آن توجه می‌نماییم؛ مگر آنکه برخی از اجزاء دارای ویژگی منحصر بفرد و غیر عادی باشد. وقتی فردی نام شما را صدا می‌زند یا در قالب جمله‌ای به شما مطلبی را می‌گوید شما سریعاً متوجه خواننده شدن نامتان توسط او می‌شوید یا به مفهوم جمله گفته شده می‌اندیشید نه به تک تک حروف اداء شده نامتان یا کلمات.

با این مقدمه این نکته حائز اهمیت است که حرکت از کل به جزء روند یادگیری را سهل‌تر و سریع‌تر خواهد کرد. معلم حتی‌الامکان باید در تشریح موضوع درس ابتدا آن را به طرق مختلف به صورت یک کل به شاگرد بفهماند و سپس به تشریح و تحلیل اجزاء و ارتباط آنها با هم و با کل بپردازد. برای مثال در آموزش فتحه- یا دیگر حرکات- نباید ابتدا تعریف آن، سپس طریقه گشوده شدن دهان در هنگام ادا و میزان کشش و دیگر خصوصیات جزئی آن گفته شود تا به تلفظ عملی آن برسیم بلکه بهترین روش آن است که در همان ابتدا با نوشتن و خواندن کلمه یا کلماتی که در فارسی با فتحه- یا دیگر حرکات- آغاز می‌شوند، کلیت اداء و شکل حرکت مورد نظر به قرآن‌آموزان شناسانده شده، سپس با معرفی و تشریح نکات جزئی آن همانند اسم و میزان کشش و اشتراک و افتراق آن با فارسی و . . . درس را کامل نمود.





## ۶. تمرین و تکرار

تأثیر تمرین و تکرار در کل فرآیند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن انکار ناپذیر است. البته کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا عدم تثبیت رفتار دارد. بدیهی است یادگیری فنون قرائت، حفظ و ترجمه بیش از هر چیز وابسته به تمرینات مکرر، منظم و متنوع در کلاس و منزل است. آزمایشهای متعدد نشان داده است اجرای تمرین در زمان غیر متمرکز اثر یادگیری بیشتری نسبت به اجرای تمرین در زمان متمرکز دارد مثلاً قرآن آموز موضوع درس را در دو تمرین متناوب بیست دقیقه‌ای قرائت قرآن زودتر و بهتر از یک تمرین ممتد چهل دقیقه‌ای یاد می‌گیرد. از همین رو تمرین و تکرار مؤثر باید شرایط و ویژگی‌های خاصی داشته باشد؛ از جمله اینکه باید منظم و مرتب و زمان دوره‌های آن مناسب باشد و در شرایط واقعی و طبیعی انجام پذیرد. تمرین نباید بیش از حد طولانی و خستگی‌آور باشد و شاگرد باید بلافاصله از نتیجه تمرین و کارکرد خود مطلع شود.<sup>۱۶</sup>

## ۷. مقطع زمانی و شرایط محیطی

با توجه به ناگزیر بودن انسانها از خستگی و تحلیل رفتن قوای ذهنی و جسمی و تفاوت‌های موجود در افزایش یا کاهش آمادگی برای فراگیری علوم و مهارت‌های مختلف در طول شبانه‌روز و اثر محیط از نظر نور، سرمایش و گرمایش، سر و صدا، تهویه و ... بر کیفیت یادگیری، ضروری است در خصوص انتخاب مقطع زمانی و محیط و فضای کلاسی مناسب و متناسب با درس مورد نظر توجه ویژه لحاظ گردد. بدیهی است با توجه به وابستگی فراگیری قرائت قرآن با صوت، باید علاوه بر تدارک دیدن محیطی آرام، زمان آن نیز در مقاطعی از شبانه روز پیش‌بینی شود که حنجره آمادگی لازم را برای تمرینات مکرر داشته باشد.

## ۸. هوش و استعداد

هر چند برای هوش از جانب روانشناسان تعریف واحدی ارائه نشده است اما وقتی از آن سخن به میان می‌آید هر کس برای خود تصور نسبتاً روشنی از آن دارد و اکثراً از آن به نوعی توانایی ذهنی،

۱۶. شعبانی، حسن - مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد اول)؛ - ۱۳۸۶؛ گزیده ص ۲۱.



تعبیر می‌کنند. اگرچه در میان دانش آموزانی که در یک کلاس درس حضور دارند تفاوت‌های فراوانی وجود دارد اما آنگاه که از موفقیت سرشار بعضی از آنان و عدم پیشرفت کافی تعدادی دیگر سخن به میان می‌آید، مهمترین علتی که به ذهن می‌رسد تفاوت هوشی آنان است. عناصری از هوش وجود دارند که مورد توافق اکثر پژوهشگران است. این عناصر در سه دسته زیر قرار دارند:

۱- توانایی پرداختن به امور انتزاعی: منظور این است که افراد باهوش بیشتر با امور انتزاعی (اندیشه‌ها، نمادها، روابط، مفاهیم، اصول) سر و کار دارند تا امور عینی (ابزارهای مکانیکی، فعالیت‌های حسی).

۲- توانایی حل مسئله: یعنی توانایی پرداختن به موقعیت‌های جدید، نه فقط دادن پاسخ‌های از قبل آموخته شده به موقعیت‌های آشنا.

۳- توانایی یادگیری و کسب دانش (استعداد): منظور توان و سرعت یادگیری است به ویژه توانایی یادگیری انتزاعیات، از جمله انتزاعیات موجود در کلمات و سایر نمادها و نیز توانایی استفاده از آنها. برخی از اندیشمندان در ۷۰ سال گذشته تاکنون نظریه‌هایی را در خصوص وجود هوش‌های چندگانه در انسان ارائه داده و معتقدند که هوش انسان یک هوش یگانه و کلی نیست بلکه افراد مختلف ممکن است در برخی موارد مانند درک کلامی یا تداعی ذهنی یا امور بدنی - جنبشی دارای توانایی هوشی بالا و در برخی موارد دیگر همچون امور منطقی - ریاضی یا موسیقایی یا ... ضعیف‌تر باشند. معروف‌ترین نظریه متعلق به هوارد گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۸، ۲۰۰۳) است. طبق نظریه او هشت نوع هوش متفاوت به نام‌های زیر برای انسان‌ها تعریف شده است:

۱- هوش زبانی: توانایی اندیشیدن در قالب کلمات و استفاده از زبان به طور مؤثر (استعداد شاعری و روزنامه نگاری و نویسندگی و ...)

۲- هوش موسیقایی: توانایی درک، خلق و ارج گذاری موسیقی (استعداد آهنگ‌سازی، خوانندگی، نوازندگی، قرائت قرآن و ...)

۳- هوش منطقی - ریاضی: توانایی درک و استدلال منطقی به ویژه در ریاضیات و علوم (استعداد پژوهش‌گری و اکتشاف و فلسفه و ...)

۴- هوش فضایی: توانایی تشخیص جزئیات امور و تجسم و تغییر اشیاء دیداری به طور ذهنی و توانایی تفکر سه بعدی (استعداد کشتی‌رانی و خلبانی هواپیما، مجسمه سازی، علوم هندسی و ...)



۵- هوش بدنی- جنبشی: توانایی استفاده ماهرانه از حرکات بدنی و کار کردن با اشیاء (استعداد ورزش کاری و جراحی و مهارت‌های عملی و ...)

۶- هوش طبیعت گرایانه: توانایی تشخیص جنبه‌های مختلف طبیعت (استعداد گیاه‌شناسی و نقاشی و ...)

۷- هوش میان فردی: توانایی درک دیگران و ایجاد تعامل مؤثر با آنان (استعداد درمانگری و معلمی و ...)

۸- هوش درون فردی: توانایی آگاه شدن فرد از احساس‌ها، انگیزه‌ها و امیال خود و هدایت زندگی (استعداد روانشناسی و دین‌شناسی و ...)

گاردنر معتقد است که احتمالاً بیش از ۸ هوش وجود دارد و هوش‌هایی مثل هوش روحانی و هوش وجودی (هستی گرایانه) را نیز می‌توان مطرح کرد. منظور از طرح این هوش‌ها اذعان به وجود توانایی‌های اندیشیدن درباره پرسش‌های بزرگ مربوط به- خلقت - معنای زندگی است. این نظریه بسیار در فعالیت‌های برنامه‌ریزی و طراحی آموزشی کاربرد دارد. البته باید توجه داشت که بنا به تحقیقات انجام شده انواع هوش‌های چندگانه گاردنر کاملاً از هم مستقل نیستند و میان بعضی از آن‌ها همبستگی از ضعیف تا متوسط وجود دارد.<sup>۱۷</sup>

معلم قرآن با توجه به وجود هوش‌های مختلف در افراد و یکسان نبودن توانایی هوش‌های مختلف قرآن آموزان، نباید صرفاً از یک شیوه آموزش برای ارائه درس استفاده نماید، بلکه باید با پیش طراحی الگوهای مختلف تدریس سعی نماید از توانایی‌های مختلف هوشی مخاطبان حداکثر استفاده را برای آسانی و بهینه‌سازی آموزش بهره ببرد. برای مثال در آموزش هریک از سرفصل‌های صحیح خوانی (در روخوانی، روانخوانی، فصیح خوانی و تجوید) و یا در آموزش حفظ قرآن، معلم می‌تواند از تلاوت‌های آهنگین برای استفاده از هوش موسیقایی بهره برد یا با نوشتن مطالب بر روی تخته می‌تواند از هوش‌های کلامی و فضایی آن‌ها استفاده کند.

---

۱۷. سیف، علی اکبر -روانشناسی پرورشی نوین- ۱۳۸۹؛ گزیده صفحات (۳۲۲ و ۳۲۹ تا ۳۳۱).



## خلاصه فصل

«پرورش» به جریان یا فرایند منظم و مستمری که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان، در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است، گفته می‌شود. «کارآموزی» یعنی گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری مورد نیاز یک فرد برای انجام عملکرد مناسب در یک تکلیف یا شغل معین.

«آموزش»، فعالیتی است که در خدمت و ابزار پرورش و کارآموزی است. «آموزش» ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم باشد.

آموزش مستقیم یا کلاسی (یعنی تدریس) به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری، از سوی آموزگار طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل و هدفمند، جریان می‌یابد. اما آموزش غیر مستقیم ممکن است در هر موقعیتی و بدون نیاز به آموزگار در تمامی فرآیند زندگی فرد از لحظه به دنیا آمدن تا مرگ، در خانه و کوچه و بازار و محیط کار و تفریح و ... اتفاق افتد.

«یادگیری» عبارت است از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه فرد، بر اثر تجربه. «عملکرد» تجلی تغییرات ناشی از یادگیری در قالب رفتارهای آشکار شده و قابل مشاهده یا تبدیل رفتار بالقوه به رفتار بالفعل است.

از آنجا که یادگیری نتیجه یک فرآیند آموزشی - اعم از آموزش مستقیم یا غیر مستقیم - است، عوامل و متغیرهای متعددی همچون سطح رشد، عادات اجتماعی، خصوصیات فردی، انگیزه، قدرت فراگیری، محیط آموزشی و ... در شکل‌گیری و قوت و ضعف آن نقش دارند. آگاهی معلم از این موارد می‌تواند او را در بهینه سازی فرآیند آموزش و خلق موقعیتهای برتر برای یادگیری مخاطب یاری نماید. از این رو گزیده‌ای از این عوامل عبارتند از: سطح رشد و آمادگی جسمی و ادراکی / دانسته‌ها و تجربیات پیشین / انگیزه / ادراک و توجه / رابطه کل و جزء / تمرین و تکرار / مقطع زمانی و شرایط محیطی / هوش و استعداد.

اکثراً از هوش به نوعی توانایی ذهنی، تعبیر می‌کنند. عناصری از هوش وجود دارند که مورد توافق غالب پژوهشگران است. این عناصر در سه دسته قرار دارند:



### ۱- توانایی پرداختن به امور انتزاعی

### ۲- توانایی حل کردن مسئله

### ۳- توانایی یادگیری و کسب دانش (استعداد)

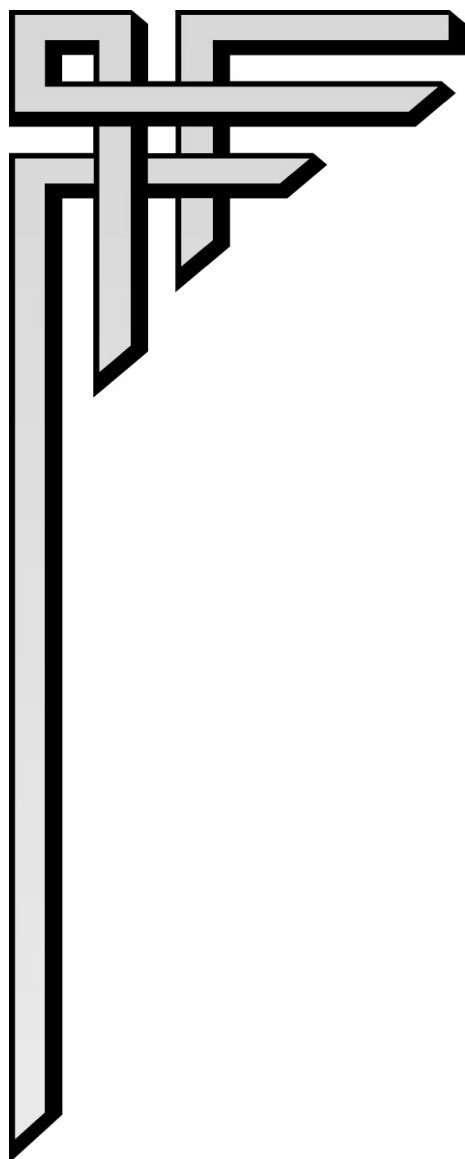
برخی از اندیشمندان نظریه‌هایی را در خصوص وجود هوش‌های چند گانه در انسان ارائه داده و معتقدند که هوش انسان یک هوش یگانه و کلی نیست بلکه افراد مختلف ممکن است در برخی موارد مانند درک کلامی یا تداعی ذهنی یا امور بدنی - جنبشی دارای توانایی هوشی بالا و در برخی موارد دیگر همچون امور منطقی - ریاضی یا موسیقایی یا . . . ضعیفتر باشند. معروفترین نظریه متعلق به هوارد گاردنر (۱۹۸۳-۲۰۰۳) است. طبق نظریه او هوش‌های هشتگانه‌ای به نام‌های هوش زبانی، هوش موسیقایی، هوش منطقی-ریاضی، هوش فضایی، هوش بدنی-جنبشی، هوش طبیعت گرایانه، هوش میان فردی و هوش درون فردی، برای انسان‌ها تعریف شده است. او معتقد است که احتمالاً بیش از ۸ هوش وجود دارد و هوشهایی مثل هوش روحانی و هوش وجودی (هستی گرایانه) را نیز می‌توان مطرح کرد. البته باید توجه داشت که بنا به تحقیقات انجام شده انواع هوش‌های چندگانه گاردنر کاملاً از هم مستقل نیستند و میان بعضی از آن‌ها همبستگی از ضعیف تا متوسط وجود دارد.

معلم قرآن با توجه به وجود هوش‌های مختلف در افراد و یکسان نبودن توانایی هوشهای مختلف قرآن‌آموزان صرفاً نباید از یک شیوه آموزش برای ارائه درس استفاده نماید، بلکه باید با پیش طراحی الگوهای مختلف تدریس سعی نماید از توانایی‌های مختلف هوشی مخاطبان حداکثر استفاده را برای تسهیل سازی و بهینه‌سازی آموزش بهره ببرد.



## ۴ خودآزمایی فصل دوم

- ۱- ضمن تعریف پرورش و کارآموزی، تفاوت آنها با یکدیگر را بیان کنید.
- ۲- تفاوت آموزش با یادگیری در چیست؟
- ۳- آموزش مستقیم و غیر مستقیم را تعریف کنید.
- ۴- آیا عملکرد، نتیجه یادگیری است یا بالعکس؟ توضیح دهید.
- ۵- منظور از عوامل تاثیرگذار بر یادگیری چیست؟
- ۶- سطح رشد و آمادگی جسمی و ادراکی چه تأثیری بر یادگیری افراد دارد؟
- ۷- چگونه می‌توان از دانسته‌ها و تجربیات پیشین در آموزش قرآن استفاده کرد؟
- ۸- انگیزه را تعریف کنید.
- ۹- ادراک در اصطلاح آموزش به چه معناست؟
- ۱۰- رابطه کل و جزء بیان‌کننده چه مفهومی در فرآیند یادگیری است؟
- ۱۱- چه نکاتی در تمرین و تکرار حائز اهمیت است؟
- ۱۲- توجه به مقطع زمانی و شرایط محیطی در روند آموزش، به چه دلیل با اهمیت است؟
- ۱۳- هوش و عناصر آن را تبیین کنید.
- ۱۴- منظور از هوش‌های چندگانه چیست؟ چهار نمونه را نامبرده، به اختصار شرح دهید.



بخش دوم:

طراحی آموزشی

و فنون تدریس





## فصل سوم: اهداف آموزشی

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- تعریف غایت‌های پرورشی و مراحل تدوین آنها را بیان کند.
- اهداف آموزشی و چگونگی گزینش و تدوین آنها را به اختصار توضیح دهد.
- هدفهای کلی، جزئی، رفتاری و عملیاتی و چگونگی تدوین آنها را توصیف کند.
- نمونه‌هایی از هدفهای کلی، جزئی، رفتاری و عملیاتی را در آموزش قرآن بیان کند.
- سه ویژگی هدفهای رفتاری را شرح دهد.
- انواع اهداف آموزشی رفتاری را نام برده، تعریف نماید.

فعالیت‌های معلم در فرآیند تدریس به سه بخش عمده فعالیت‌های «پیش از تدریس»، «ضمن تدریس» و «پس از تدریس» تقسیم می‌شود. عمده‌ترین فعالیت‌های «پیش از تدریس» معلم، کسب آمادگی‌های علمی و مهارتی لازم و پیش‌بینی و طراحی فرآیند آموزش «مشمول بر تحلیل و تدوین اهداف آموزشی و انواع و طبقات آن، تعیین ویژگی‌های ورودی فراگیران، تعیین منابع و وسایل آموزشی و مجموعه فعالیت‌ها و روش‌های آموزشی و ارزشیابی پایانی» است. با این توضیح از این فصل مجموعه موضوعات کاربردی و مهم در امر طراحی فرآیند آموزش، بیان شده و چگونگی تحلیل و تدوین هر یک تشریح می‌گردد.

موضوع این فصل مهم‌ترین و محوری‌ترین موضوع کاربردی در امر طراحی آموزشی و تدریس است. در این فصل، اولین قدم در طراحی مراحل آموزش که مشتمل بر شناخت کلیات، انواع و



تقسیمات اهداف آموزشی و مراحل تدوین و تحلیل آن است، تبیین می‌گردد. معلم بدون تسلط و شناخت انواع اهداف آموزشی و چگونگی تدوین و تحلیل آنها، هیچ‌گاه نخواهد توانست افقی دقیق از مقصدی که شاگردان را باید بدانجا راهنمایی کند ترسیم نماید و با تکیه بر آن، مسیر و شیوه مناسب و تأثیرگذار برای رهنمون شدن فراگیران خود به آن مقصد و یادگیری درس طراحی و اجرا کند.

### غایت‌های پرورشی یا اهداف کلان آموزشی

اصولاً تمامی فعالیت‌های آدمی، دارای هدف است، هرچند که درجه اهمیت این اهداف و مثبت یا منفی بودن آنها متفاوت است. آموزش نیز به عنوان یک فعالیت مهم و جدی انسان، دارای هدف است. هر آموزشی در راستای رسیدن به هدفی مشخص و برای ایجاد تغییری از پیش تعیین شده- در دانش، نگرش یا مهارت عملی- در فراگیر طراحی و به اجرا در می‌آید. در واقع علت وجودی هر آموزشی، هدف آن است.

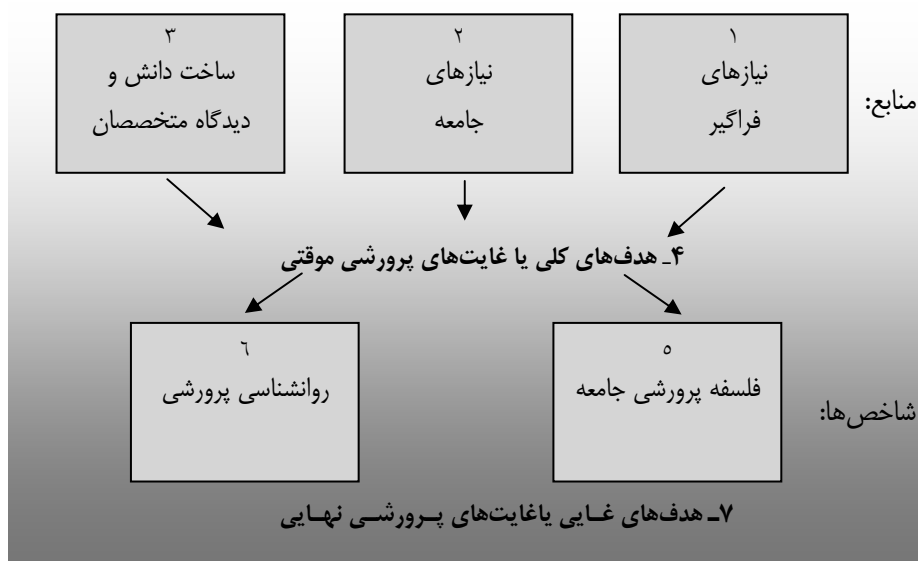
برای آنکه آموزش‌ها با نیازهای فردی و اجتماعی و چارچوب‌های فرهنگی و اعتقادی جامعه مطابقت داشته باشد، ابتدا کلان‌ترین اهداف و شاخه‌های آموزشی و نظامهای آموزشی متناسب با آنها توسط دستگاه‌های مسئول در سطوح عالی هر کشور، تعیین شده و سپس زیرشاخه‌های آنها به مرور و با توجه به پیشرفت‌های علم و فن آوری و توسعه علوم و نیازهای جامعه، گزینش و تعریف شده و به اجرا گذارده می‌شود.

به اهداف کلان و سرشاخه‌های اصلی علم آموزی هر کشور، غایتهای آموزشی و پرورشی آن کشور اطلاق می‌شود.



## چرخه و مراحل تدوین غایت‌های پرورشی یا اهداف کلان آموزشی

غایت‌های پرورشی یا اهداف کلان آموزشی معمولاً بر مبنای طرح هفت مرحله‌ای هدف‌گزینی زیر تدوین می‌شود.



اصلی‌ترین و ابتدائی‌ترین منبع تدوین غایت‌های پرورشی، فرد و علایق و نیازهای او (اعم از جسمی، روحی و روانی و اجتماعی) است. پس از آن نیازهای جامعه (همچون نیازهای عمومی، اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ...) و سپس ماهیت و ساخت دانش از دیدگاه متخصصان - برای ارائه محتوای آموزشی مدون، مستند و به روز متناسب با نیاز- از مهم‌ترین منابع تعیین‌کننده غایت‌های پرورشی است. با توجه به سه منبع مذکور در مرحله چهارم غایت‌های پرورشی موقتی یا آزمایشی به دست می‌آید و با گذراندن این غایت‌ها از صافی‌ها و شاخص‌های تایید یا غربال‌کننده فلسفه پرورشی جامعه (که از جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ جامعه نشأت می‌گیرد) و اصول روانشناسی پرورشی (که امکان آموزش را با توجه به شرایط آموزش‌گران و فراگیران می‌سنجد)، در مرحله هفتم هدف‌های غایی یا غایت‌های پرورشی نهایی یا خالص و صریح حاصل خواهد شد.



غایت‌های پرورشی و هدف‌های کلان تعلیم و تربیت اسلامی را می‌توان به ۸ شاخه اصلی زیر تقسیم نمود که هر یک در برگیرنده آموزش‌های خاص خود می‌باشند:

- |            |                  |                  |                        |
|------------|------------------|------------------|------------------------|
| ۱- اعتقادی | ۲- اخلاقی        | ۳- علمی و آموزشی | ۴- فرهنگی و هنری       |
| ۵- اجتماعی | ۶- سیاسی و نظامی | ۷- اقتصادی       | ۸- زیستی <sup>۱۸</sup> |

### اهداف آموزشی

هرچند تعریف غایت‌های پرورشی، نظام‌های آموزشی و کلیات شاخه‌ها و رشته‌های آموزشی هر کشور به عهده دستگاه‌های مسئول در سطوح عالی - همانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای عالی آموزشی در کشور ما - است، اما باز تعریف اهداف کلی آموزشی دروس و تقسیم آنها به مجموعه‌ای از اهداف کوچکتر به تناسب کل زمان دوره، حجم محتوای آموزشی، ساعات هر جلسه، نوع آموزش‌ها از نظر حیطه‌های دانشی، نگرشی و توانشی (مهارتی)، سطح آمادگی فراگیران و ... ، به عهده معلم است. اگرچه «اهداف آموزشی»، درس یا محتوای درس را توضیح نمی‌دهد، ولی قصد و منظور آموزش مطالب درسی و عملکردها یا تغییرات رفتاری را که پس از یادگیری درس از فراگیر انتظار می‌رود، به صورت دقیق و صریح مشخص می‌کند.

سطح دانش و مهارت معلم در تقسیم هدف کلی آموزشی درس به اهداف کوچکتر و عینی‌تر (یعنی اهداف جزئی، رفتاری و عملیاتی) و طراحی برنامه‌های عملیاتی دقیق برای رهنمون شدن فراگیران به آن اهداف، فرآیند یادگیری را مطمئن‌تر خواهد نمود. با این توضیح جهت کمک به معلمان قرآن در ارتقاء شناخت و مهارت آنها برای برنامه ریزی آموزشی مؤثرتر و کاراتر، در ادامه به تعریف و تبیین چرخه و اصول تقسیم اهداف کلی به اهداف جزئی و رفتاری و عملیاتی اشاره می‌شود.

### گزینش و تدوین اهداف آموزشی

هدف‌های آموزشی، طی چهار مرحله‌ی اساسی از تعیین هدف یا اهداف کلی درس شروع شده و با تقسیم آن به اهداف جزئی و سپس تقسیم اهداف جزئی به اهداف رفتاری و در آخر تبدیل اهداف رفتاری به اهداف عملیاتی کامل می‌شود. هرچند این چهار مرحله به ظاهر تسلسلی و پیوسته هستند،

۱۸. ر.ک: شعبانی، حسن - مهارت‌های آموزشی و پرورشی - جلد اول؛ ۱۳۸۶ و صفوی، امان‌اله - کلیات روش‌ها و فنون تدریس؛ ۱۳۸۱.



اما در فرآیند طراحی الزاماً چنین نبوده و طراح پس از نوشتن هر مرحله ممکن است به عقب برگشته و اهداف نوشته شده را بازنگری و بازنویسی نماید.

## مراحل نگارش اهداف آموزشی<sup>۱۹</sup>

### الف) تعیین هدف یا هدفهای کلی

هدفهای کلی آموزشی اهدافی هستند که در پایان یک دوره آموزشی باید تحقق یابند و در سطحی پایین‌تر از اهداف غایی پرورشی قرار دارند. این دسته از اهداف معمولاً به صورت عبارتهای کلی مطرح می‌شوند، مثلاً اگر گفته شود «پس از گذراندن این دوره، از قرآن آموزان انتظار می‌رود تا توانایی قرائت تدویر قرآن (ترتیل خوانی مصطلح) را کسب نمایند» در واقع هدف کلی یک دوره آموزش تدویرخوانی بیان شده است. گاه ممکن است به هدف یک جلسه آموزشی که هدف نهایی آن جلسه را معین می‌کند نیز «هدف کلی» اطلاق گردد - گر چه این هدف به نسبت هدف کلی دوره، به واقع یک هدف جزئی است. برای مثال زمانی که گفته شود «در این جلسه قرآن آموزان با تنوین آشنا می‌شوند» در این صورت هدف کلی یک جلسه از کل دوره روخوانی بیان شده است.

هدفهای کلی آموزشی اغلب به علت کلی بودن و عدم صراحت، مبهم و قابل تعبیر و تفسیر هستند. مثلاً در مثالهای بالا حدود آشنایی فرد با تدویرخوانی یا علامت تنوین از نظر سطح مهارت قرآن آموز، محدوده‌ای از قرآن که قرآن آموز می‌تواند آیات آن را از نظر اصول تدویرخوانی به درستی بخواند و یا نقطه شروع فرآیند آموزش و پیش نیازهای دانش آموز، مبهم و نامشخص است. بدیهی است زمان لازم برای تحقق هدفهای کلی نیز در مقایسه با هدفهای جزئی طولانی‌تر خواهد بود. هدفهای کلی آموزشی به دلیل آنکه جهت عمومی فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند، هدفهای با ارزشی هستند و از طریق آنها می‌توان هدفهای جزئی، رفتاری و فعالیت‌های آموزشی را مشخص کرد و به آنها جهت و هماهنگی لازم بخشید.

معلمان و طراحان آموزشی باید توجه کنند که موفقیت در طراحی و اجرای تدریس موفق منوط به درک دقیق هدف کلی موضوع درسی و تعیین ویژگیهای ورودی فراگیران متناسب با این هدف-

۱۹. ر. ک: شعبانی، حسن - مهارتهای آموزشی و پرورشی - جلد اول؛ ۱۳۸۶ و صفوی، امان‌الله - کلیات روشها و فنون تدریس؛ ۱۳۸۱ و سیف، علی اکبر - روانشناسی پرورشی نوین - ۱۳۸۹.



که به آن اصطلاحاً اهداف ورودی گفته می‌شود - و در ادامه تجزیه اهداف کلی به هدفهای جزئی و رفتاری صریح و طراحی و پیش بینی هدفهای عملیاتی زیرمجموعه هر یک از هدفهای رفتاری است. در طراحی و پیش بینی هدفهای عملیاتی نیز، ضروری است تمامی فعالیت‌هایی که می‌بایست توسط دانش آموزان، معلم و یا از طریق وسایل کمک آموزشی انجام شود تا منجر به حصول اهداف رفتاری گردد، مشخص شوند.

### ب) تبدیل هدف کلی به هدفهای جزئی

هدفهای جزئی از تجزیه هدفهای کلی به دست می‌آیند و مراحل رسیدن به هدفهای کلی را مشخص می‌کنند. این اهداف نسبت به هدفهای کلی محدودتر و مشخص‌تر و نسبت به هدفهای رفتاری دارای جامعیت و شمول بیشتری هستند. برای مثال هدف کلی درس آموزش روخوانی قرآن را که عبارت است از «شناختن و کسب مهارت خواندن صحیح و شمرده آیات و عبارات قرآن از روی مصحف» می‌توان به هدفهای جزئی مثل «شناختن و کسب مهارت خواندن صحیح حروف الفبای عربی» «شناختن و توانایی خواندن صحیح حروف و کلمات با حرکات کوتاه» «شناختن و کسب مهارت خواندن صحیح حروف و کلمات با حرکات کشیده» «شناختن و کسب مهارت خواندن صحیح حروف و کلمات دارای علامت سکون» و ... تقسیم نمود که به نسبت هدف کلی، محدودتر و مشخص‌تر می‌باشند.

هدفهای جزئی همچون هدفهای کلی اغلب به صورت افعال کلی و مبهم نوشته می‌شوند و همانگونه که در مثال بالا و در تعریف هدف کلی روخوانی قرآن و تقسیم آن به نمونه‌هایی از هدفهای جزئی ملاحظه شد، ساده‌ترین راه نوشتن اهداف کلی و جزئی در فرآیند آموزش این است که هدف کلی براساس موضوع اصلی درس و اهداف جزئی بر اساس هر یک از عناوین فرعی درس، تنظیم گردند. گاهی اوقات می‌توان هدفهای جزئی را پیش از تقسیم به اهداف رفتاری به هدفهای جزئی کوچکتر - اهداف جزئی جزئی - تجزیه نمود. نمونه‌ای از افعال کلی که برای اهداف کلی و جزئی به کار می‌روند، جهت آشنایی ارائه می‌شوند:

آشنا شدن / شناختن / دانستن / کسب کردن / خواندن صحیح / تمایل داشتن / فهمیدن / باور کردن / تصدیق کردن / یادگرفتن / درک کردن



### ج) تبدیل هدف‌های جزئی به هدف‌های رفتاری

هدف‌های رفتاری، اهدافی هستند که نوع رفتارهای شناختی، روانی - حرکتی (عملی)، عاطفی و قابلیت‌ها و مهارت‌هایی را که انتظار داریم در پایان یک فعالیت آموزشی در دانش آموزان ایجاد شود، به دقت بیان می‌کنند. به هدف‌های رفتاری، هدف‌های اجرایی نیز گفته می‌شود. هر یک از اهداف رفتاری باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱- نوع رفتار مورد انتظار فراگیر باید دقیق مشخص شود. در نوشتن هدف‌های رفتاری، اولاً نباید اعمالی که معلم برای تدریس انجام می‌دهد، تشریح شده باشد، بلکه باید طوری نوشته شود که دانش آموزان با مطالعه آنها بفهمند که چه انتظاراتی از آنها می‌رود و چه باید انجام دهند و ثانیاً کلی و مبهم بیان نشود بلکه دقیقاً به اصل رفتار مورد انتظار اشاره شود.

نمونه: پس از پایان آموزش و با توجه به آموزش‌ها و تمرینات انجام شده فراگیران باید بتوانند "کلمات دارای تنوین نصب را به درستی بخوانند" یا "مفهوم علائم وقف را دانسته و بتوانند با توجه به مفهوم آنها در عبارات قرآنی وقف یا وصل نمایند".

۲- سطح و موقعیت زمانی و مکانی رفتار مورد انتظار باید واقع‌بینانه تنظیم شوند. همیشه باید امکانات و مدت زمان آموزش و نیز سطح تحصیلی و علاقمندی دانش‌آموزان را در نوشتن هدف‌های رفتاری در نظر گرفت. اگر هدف‌های رفتاری، واقع‌بینانه تنظیم شوند آموزش هم درست و مؤثر انجام خواهد شد. اهداف رفتاری خوب تنظیم شده، اهدافی هستند که شرایط بروز رفتارهای مورد انتظار و سطح آنها، به صورت مشخص و متناسب با توانایی فراگیران و چرخه آموزشی تعریف شده باشند.

نمونه: پس از پایان جلسه آموزشی و با توجه به آموزش‌ها و تمرینات انجام شده، فراگیران باید بتوانند "بیش از ۹۰٪ کلمات دارای تنوین کسره در سوره مبارکه فجر را شناسایی کرده و به صورت شمرده شمرده و درست - بدون توجه به لهجه عربی - بخوانند".

۳- معیار سنجش رفتار مورد نظر دقیقاً معین شود. هدف‌های رفتاری علاوه بر صراحت باید قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشند و معیار سنجش باید مشخص شود. محور ارزشیابی نتایج یادگیری، قابل مشاهده بودن آن نتایج است. کلید یک هدف قابل مشاهده، یک فعل قابل مشاهده است. فعل قابل مشاهده فعلی است که عمل قابل مشاهده یا رفتاری که نتیجه‌اش یک محصول قابل مشاهده باشد را توضیح دهد. بنابراین یک هدف رفتاری مؤثر و خوب تعریف شده، هدفی است که صریح و قابل مشاهده و نتیجه‌ای قابل اندازه‌گیری داشته باشد.



نمونه: پس از پایان جلسه آموزشی و با توجه به آموزشها و تمرینات انجام شده، فراگیران باید بتوانند "کلمات با حرکات کوتاه و کشیده را با کشش صحیح قرائت نمایند بدین گونه که هریک از حروف با حرکت کوتاه را در یک بخش و در زمان زدن یک ضرب و هر یک از حروف دارای حرکت کشیده را در یک بخش و در زمان زدن دو ضرب به صورت شمرده شمرده و درست- بدون توجه به لهجه عربی- بخوانند".

تذکر مهم: هدفهای رفتاری را هرگز نباید به طور خلاصه نوشت. بلکه معلم باید عملکرد یا رفتار را طوری بنویسد که ارتباط آن با شرایط و معیار تعیین شده واضح و روشن باشد. هدفهای رفتاری به معلم کمک می‌کند تا نحوه ظهور رفتارهایی را که از شاگردان انتظار دارد با دقت بیشتری مشخص کند و بر اساس آنها برای رسیدن به اهداف تعیین شده، مواد آموزشی و روش تدریس مناسب و ارزشیابی و آزمونهای مناسب و مرتبط با هدفها را تعیین کند.

نمونه‌ای از افعالی که برای بیان اهداف رفتاری به کار می‌روند، جهت آشنایی ارائه می‌شوند:  
تعریف می‌کند/ احترام می‌گذارد/ شمرده می‌خواند/ ضرب می‌کند/ انتخاب می‌کند/ تشخیص می‌دهد/  
نقاشی می‌کند/ راه می‌برد/ رنگ آمیزی می‌کند/عشق می‌ورزد

### \* انواع اهداف آموزشی رفتاری

اهداف آموزشی رفتاری، دارای انواع مختلف زیر هستند:

- هدفهای ورودی: به این هدفها «رفتارهای ورودی» نیز می‌گویند. این هدفها به اطلاعات، توانایی‌ها و مهارت‌های قبلی یادگیرنده که برای یادگیری محتوا و هدفهای درس تازه، پیش‌نیاز است، اشاره می‌کنند.

- هدفهای پایانی یا نهایی: این هدفها به آنچه که یادگیرنده باید در پایان درس یا دوره آموزشی انجام دهد، اشاره می‌کنند و به خودی خود دارای ارزشند.

- هدفهای بین راه: این هدفها نشان‌دهنده اعمالی هستند که یادگیرنده، بعد از یادگیری بخشی از درس و پیش از اتمام درس انجام خواهد داد و به خودی خود چندان اهمیتی ندارند و فایده آنها صرفاً در باری یادگیرنده جهت یادگیری هدفهای نهایی است. مانند یادگیری ضرب خوانی برای کشش متوازن و صحیح حرکات و در نتیجه اداء حرکات کوتاه با یک ضرب و حرکات کشیده با دو ضرب که پس از فراگیری روخوانی صحیح، ضربخوانی کارایی نخواهد داشت.





دو نوع دیگر هدف آموزشی با نام «اهداف فرایندی» و «اهداف فرآورده‌ای» نیز ذکر شده‌اند که در فعالیت آموزشی، اولی همان «اهداف عملیاتی» است و منظور کوشش‌ها و فعالیت‌هایی است که یاددهنده و یادگیرنده، برای رسیدن به اهداف فرآورده‌ای انجام می‌دهند. «اهداف فرآورده‌ای» نیز به بازده یا نتایج این کوشش‌ها که در اینجا همان «اهداف رفتاری» است، اشاره می‌کند.

### د) تبدیل هدفهای رفتاری به هدفهای عملیاتی

هدف‌های عملیاتی، عبارتست از مجموعه فعالیت‌هایی که می‌بایست توسط دانش آموزان، معلم و یا از طریق وسایل کمک آموزشی انجام شود تا منجر به حصول هر یک از اهداف رفتاری زیر مجموعه اهداف جزئی گردد. در طراحی و اجرای هدف‌های عملیاتی، هر اندازه توانایی‌های فراگیر و معلم و امکانات و شرایط موجود و انواع روش‌ها و فنون تدریس، بهتر و دقیق‌تر پیش‌بینی شوند، حصول نتایج مطمئن‌تر و موثرتر خواهد بود. دقت و مهارت معلم در طراحی و پیش‌بینی هدف‌های عملیاتی زیرمجموعه هر یک از هدفهای رفتاری بسیار مهم و حساس بوده و تضمین کننده دسترسی مرحله ای شاگرد به هدف کلی درس است.

انجام مجموعه ای از فعالیت‌های اهداف عملیاتی، منجر به دستیابی به یک هدف رفتاری و به همین ترتیب دستیابی به چندین هدف رفتاری منجر به دستیابی به یک هدف جزئی ناظر بر آنها و در آخر دستیابی به تمامی اهداف جزئی و ارتباط آنها منجر به حصول هدف کلی درس خواهد شد.

#### نمونه‌ای از تبدیل هدف کلی به اهداف دیگر در آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم

هدف کلی (مانند توانایی روخوانی و روانخوانی صحیح)			
هدف جزئی (مانند شناخت و تلفظ حروف و حرکات قرآنی)		هدف جزئی (مانند شناخت و تلفظ حروف با علائم قرآنی)	
هدف رفتاری .....	هدف رفتاری .....	هدف رفتاری .....	هدف رفتاری .....
هدف عملیاتی .....		هدف عملیاتی .....	



## خلاصه فصل

اصولاً تمامی فعالیت‌های آدمی، دارای هدف است، هرچند که درجه اهمیت این اهداف و مثبت یا منفی بودن آنها متفاوت است. آموزش نیز به عنوان یک فعالیت مهم و جدی انسان، دارای هدف می باشد. هر آموزشی در راستای رسیدن به هدفی مشخص و برای ایجاد تغییری از پیش تعیین شده- در دانش، نگرش یا مهارت عملی- در فراگیر طراحی و به اجرا در می آید. به اهداف کلان و سرشاخه های اصلی علم آموزی هر کشور، غایت‌های آموزشی و پرورشی آن کشور اطلاق می شود.

«غایت‌های پرورشی» بیانگر اهداف آموزشی کلان و نهائی مورد انتظار در هر یک از جوامع بشری بوده و معمولاً بر مبنای طرح هفت مرحله‌ای هدف‌گزینی تدوین می‌شوند. اصلی ترین و ابتدائی ترین منبع تدوین غایت‌های پرورشی، فرد و علایق و نیازهای او، پس از آن جهانبینی و ایدئولوژی و نیازهای جامعه و سپس ماهیت و ساخت دانش از دیدگاه متخصصان از مهمترین منابع تعیین کننده غایت‌های پرورشی است. با توجه به سه منبع پیش گفته در مرحله چهارم غایت‌های پرورشی موقتی یا آزمایشی به دست می آید و با گذراندن این غایت ها از صافی ها و شاخص‌های تایید یا غریبال کننده، فلسفه پرورشی جامعه و پس از آن اصول روانشناسی پرورشی، در مرحله هفتم هدف‌های غایی یا غایت‌های پرورشی نهایی یا خالص و صریح حاصل خواهد شد.

هرچند تعریف غایت‌های پرورشی، نظام‌های آموزشی و کلیات شاخه ها و رشته های آموزشی هر کشور به عهده دستگاه‌های مسئول در سطوح عالی است اما باز تعریف اهداف کلی آموزشی دروس و تقسیم آنها به مجموعه‌ای از اهداف کوچکتر به تناسب کل زمان دوره، حجم محتوای آموزشی، ساعات هر جلسه، نوع آموزشها از نظر حیطة های دانشی، نگرشی و توانشی (مهارتی)، سطح آمادگی فراگیران و . . . ، به عهده معلم است.

هدف‌های آموزشی، طی چهار مرحله‌ای اساسی از تعیین هدف یا اهداف کلی درس شروع شده و با تقسیم آن به اهداف جزئی و سپس تقسیم اهداف جزئی به اهداف رفتاری و در آخر تبدیل اهداف رفتاری به اهداف عملیاتی کامل می شود.

**الف) تعیین هدف یا هدف‌های کلی:** هدف‌های کلی آموزشی اهدافی هستند که در پایان یک دوره آموزشی باید تحقق یابند و در سطحی پایین تر از اهداف غایی پرورشی قرار دارند. گاه ممکن است



به هدف یک جلسه آموزشی که هدف نهایی آن جلسه را معین می کند نیز «هدف کلی» اطلاق گردد - گر چه این هدف به نسبت هدف کلی دوره، به واقع یک هدف جزئی است. هدفهای کلی آموزشی اغلب به علت کلی بودن و عدم صراحت، مبهم و قابل تعبیر و تفسیر هستند.

ب) تبدیل هدف کلی به اهداف جزئی: هدفهای جزئی از تجزیه هدفهای کلی به دست می آیند و مراحل رسیدن به هدفهای کلی را مشخص می کنند. این اهداف نسبت به هدفهای کلی محدودتر و مشخص تر و نسبت به هدفهای رفتاری دارای جامعیت و شمول بیشتری هستند.

ج) تبدیل هدفهای جزئی به هدفهای رفتاری: هدفهای رفتاری، اهدافی هستند که نوع رفتارهای شناختی، روانی - حرکتی (عملی)، عاطفی و قابلیتها و مهارتهایی را که انتظار داریم در پایان یک فعالیت آموزشی در دانش آموزان ایجاد شود، به دقت بیان می کنند. به هدفهای رفتاری، هدفهای اجرایی نیز گفته می شود. هر یک از اهداف رفتاری باید دارای ویژگیهای زیر باشند:

۱- نوع رفتار مورد انتظار فراگیر باید دقیق مشخص مشخص شود.

۲- سطح و موقعیت زمانی و مکانی رفتار مورد انتظار باید واقع بینانه تنظیم شوند.

۳- معیار سنجش رفتار مورد نظر دقیقاً معین شود.

اهداف آموزشی رفتاری، دارای انواع مختلفی همچون هدفهای ورودی، هدفهای پایانی یا نهایی و هدفهای واسطه ای یا بین راه هستند.

د) تبدیل هدفهای رفتاری به هدفهای عملیاتی: هدفهای عملیاتی، عبارتست از مجموعه فعالیت هایی که می بایست توسط دانش آموزان، معلم و یا از طریق وسایل کمک آموزشی انجام شود تا منجر به حصول هر یک از اهداف رفتاری زیر مجموعه اهداف جزئی گردد. در طراحی و اجرای هدفهای عملیاتی، هر اندازه تواناییهای فراگیر و معلم و امکانات و شرایط موجود و انواع روش ها و فنون تدریس، بهتر و دقیق تر پیش بینی شوند، حصول نتایج مطمئن تر و مؤثرتر خواهد بود.

نتیجه هر یک از مجموعه های اهداف عملیاتی منجر به دستیابی به اهداف رفتاری و به همین ترتیب نتیجه هر یک از مجموعه های اهداف رفتاری منجر به دستیابی اهداف جزئی و نتیجه مجموعه های اهداف جزئی منجر به دستیابی به هدف کلی درس خواهد شد.



## خودآزمایی فصل سوم

- ۱- ضمن تعریف غایت‌های پرورشی، ۷ مرحله هدف‌گزینی این اهداف را به اجمال بیان کنید.
- ۲- هشت شاخه اصلی غایت‌های پرورشی تعلیم و تربیت اسلامی کدامند؟
- ۳- هر یک از مراحل نگارش اهداف آموزشی را نام برده و به اختصار توضیح دهید.
- ۴- برای هر یک از مراحل نگارش اهداف آموزشی مثالی در آموزش قرآن بیان کنید.
- ۵- هدف‌های رفتاری باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند؟
- ۶- منظور از هدف‌های بین راه را با ذکر مثالی توضیح دهید.
- ۷- انواع هدف‌های آموزشی رفتاری را نام ببرید.
- ۸- سه نمونه از افعالی که برای بیان اهداف کلی، جزئی و رفتاری استفاده می‌شوند را نام ببرید.
- ۹- انجام فعالیت‌های اهداف عملیاتی چگونه منجر به حصول هدف کلی درس خواهد شد؟

## فصل چهارم: طبقه‌بندی اهداف آموزشی

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- مفهوم طبقه‌بندی آموزشی و ضرورت آن را بیان کند.
- طبقه‌بندی آموزشی «بلوم» را به اختصار شرح دهید.
- طبقات یادگیری در حیطه شناختی را نامبرده به اجمال توضیح دهد.
- طبقات یادگیری در حیطه عاطفی را نامبرده و به اجمال توضیح دهد.
- طبقات یادگیری در حیطه روانی - حرکتی را نامبرده به اجمال توضیح دهد.
- آمادگی‌های ضروری برای انجام مهارت‌های حرکتی را تبیین کند.
- ارتباط حیطه‌های سه‌گانه طبقه‌بندی آموزشی «بلوم» را توضیح دهد.

می‌دانیم که هدف از آموزش کمک به ایجاد یادگیری در فراگیران است. اما یادگیری موضوعی مشخص نیست، بلکه تقریباً همهٔ فعالیت‌هایی که ما در طول زندگی انجام می‌دهیم، از تجارب و یادگیری سرچشمه می‌گیرند. ما موضوع‌های مختلف درسی و غیردرسی، طریقهٔ بروز احساسات و عواطف و ورزش‌ها و حرفه‌های گوناگون و مهارت‌های مختلفی را یاد می‌گیریم که هر یک در حوزه‌های مختلفی از فراگیری می‌باشند و طریقهٔ بروز و عمل به این فراگیری‌ها مختلف است. بنابراین هدفهای متعدد آموزشی در سطوح مختلف آن نیاز به نوعی سازمان و نظم و ترتیب دارد، که این مهم توسط طبقه‌بندی اهداف آموزشی انجام می‌شود. آشنایی با طبقه‌بندی اهداف آموزشی، دومین گام مهم در طراحی آموزشی است.

برای پیش‌بینی شیوه‌ها و روش‌های آموزشی مناسب و متناسب با اهداف آموزشی ضروری است معلمان علاوه بر شناخت چگونگی تحلیل و تدوین اهداف آموزشی موضوعات درسی اعم از اهداف کلی و جزئی تا اهداف رفتاری و عملیاتی - که در فصل گذشته توضیح داده شد - انواع طبقه‌بندی حیطه‌های مختلف آموزشی و طبقات زیرین هر یک از آنها را نیز برای تعیین دقیق عوامل و عملیات تسهیل‌ساز یادگیری در آن حیطه فراگیرند. بدیهی است شیوه آموزشی در حیطه‌ای مانند علم‌اندوزی



(شناختی) با شیوه آموزشی در حیطه مهارتی و عملکردی (روانی-حرکتی) یکسان نبوده و هر یک از اصول متفاوتی تبعیت می‌نمایند. از این رو، در این فصل به معروف‌ترین و کاربردی‌ترین نمونه طبقه‌بندی اهداف آموزشی، معروف به طبقه بندی «بلوم» اشاره می‌شود.

### طبقه بندی آموزشی «بلوم»<sup>۲۰</sup>

طبقه بندی آموزشی «بلوم» به وسیله گروهی از متخصصان آموزش و اندازه‌گیری و ارزشیابی و سرپرستی دکتر بنجامین بلوم در سال ۱۹۵۶، ارائه شده است. در این طبقه‌بندی، هدف‌های آموزشی ابتدا به سه دسته کلی با نام‌های (حوزه شناختی، حوزه عاطفی، حوزه روانی - حرکتی) تقسیم شده‌اند و هر یک از این حوزه یا حیطه‌ها هم شامل تعدادی طبقه می‌باشند.

حیطه شناختی، دانش و معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را دربرمی‌گیرد. هدف‌های این حوزه به جریان‌هایی که با فعالیت‌های ذهنی و فکری سر و کار دارند مربوط می‌شوند مثلاً وقتی معلم از این بابت نگران است که یکی از قرآن آموزان او در تشخیص موارد ادغام‌های «مع الغنه» و «بلاغنه» با مشکل مواجه است، نگرانی او در رابطه با مشکل دانش‌آموز به حوزه شناختی مربوط می‌شود.

حیطه عاطفی، با علاقه، انگیزش، نگرش یا قدردانی و ارزش‌گذاری سر و کار دارد. برای مثال وقتی معلم از این مسأله نگران است که یکی از قرآن آموزان او علاقه‌ای به فراگیری تجوید نشان نمی‌دهد نگرانی او در رابطه با مشکل قرآن آموز به حوزه عاطفی و عدم وجود انگیزش لازم در وی مربوط می‌شود.

حیطه روانی - حرکتی، به زمینه مهارت‌های حرکتی یا فعالیت‌های بدنی ارتباط دارد. به عبارت دیگر هر فعالیتی که علاوه بر جنبه روانی دارای جنبه جسمانی هم باشد در این حوزه جای دارد به عنوان نمونه وقتی معلم از این بابت نگران است که یکی از دانش‌آموزان نمی‌تواند برخی از حروف را از مخرج صحیحش بدرستی تلفظ کند، نگرانی او در رابطه با این مشکل دانش‌آموز به حوزه روانی - حرکتی مربوط است. هدف‌های حوزه روانی - حرکتی، هم به فعالیت‌های شناختی و عاطفی و هم به

۲۰. سیف، علی اکبر - روانشناسی پرورشی نوین: ۱۳۸۹ - اقتباس از صفحات ۴۴۸ و ۴۴۹ با اضافات.



فعالیت‌های جسمی نیاز دارند. در ادامه توضیح بیشتری درباره این طبقه‌بندی سه‌گانه مطرح می‌شود.<sup>۲۱</sup>

### حیطه شناختی

یادگیری در این حیطه مربوط به کسب مهارت‌های عقلانی و ذهنی می‌شود که از ساده‌ترین توانایی‌های ذهنی مانند حفظ کردن یک لغت یا اصطلاح، یاد گرفتن قتحه، کسره و غیره شروع می‌شود و به پیچیده‌ترین مهارت‌ها و توانایی‌های عقلی مانند تجزیه و تحلیل شناختها و راه‌حلها و داوری درباره اندیشه‌ها در زمینه‌های مختلف منتهی می‌شود.

#### \* طبقات یادگیری در حیطه شناختی

آموختنی‌های حیطه شناختی از آسان به مشکل تقسیم‌بندی می‌شوند و در شش طبقه قرار می‌گیرند: ۱- دانش ۲- درک و فهم ۳- کاربرد ۴- تجزیه و تحلیل ۵- ترکیب ۶- ارزیابی

#### ۱- دانش

دانش شامل رفتارها و آزمون‌هایی است که به یادآوری و یا بازشناسی آموخته‌ها مربوط می‌شود. در اینجا از دانش‌آموز انتظار می‌رود که همان چیزهایی را که آموخته است عیناً و به طور حفظی بازپس دهد. برای درک بیشتر این سطح یادگیری از حیطه شناختی به چند نمونه از سؤال‌های ارزیابی طبقه "دانش" اشاره می‌شود:

- حروف شمسی را نام ببرید.
- حروف ناخوانا را تعریف کنید.
- سوره فتح را از حفظ بخوانید.
- صفت قلقله و حروف آنرا بیان کنید.

#### ۲- درک و فهم

هنگامی که دانش‌آموز گفتاری را می‌شنود از وی انتظار می‌رود که معنای آن را درک کند و از مواد یا اندیشه‌هایی که در آن نهفته است استفاده فکری یا عملی ببرد. ارتباط با شاگرد ممکن است گفتاری، نوشتاری و یا با محسوسات مختلف توأم باشد. برخی از هدفهای آموزشی به درک بیشتری

۲۱. صفوی، امان‌اله- کلیات روشها و فنون تدریس؛ ۱۳۸۱- اقتباس از صفحات ۴۳ تا ۷۳ و ۸۱ با اضافات.



از آگاهی سطحی (طبقه دانش) نیاز دارند. در زیر به نمونه‌هایی از سؤالاتی که پس از رسیدن دانش‌آموز به این سطح از یادگیری می‌تواند به آنها پاسخ گوید، اشاره می‌شود:

۱- جمله زیر را ترجمه کنید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.»

۲- از بین این کلمات، کلماتی که فتحه دارند را جدا کنید: إِيْل - كَتَبَ - رُسُلٌ - عَمِلَ.

۳- حروف ناخوانا را در کلمات زیر مشخص نمایید: وَالْكِتَابِ - قَالُوا - مُوسَى

### ۳- کاربرد

طبقه کاربرد مستلزم فهمیدن (طبقه قبلی) روش‌ها، نظریه‌ها، اصول یا مجرداتی است که در موقعیتی خاص به کار می‌رود. در این سطح (طبقه) دانش‌آموز قادر است معلومات نظری کسب شده را در موقعیتهای مناسب بدون کمک دیگران به کار گیرد.

برای مثال اگر قرآن‌آموز مفهوم التقاء ساکنین و قاعده آن را در این طبقه آموخته باشد می‌تواند هنگام خواندن عباراتی مانند «أَخَذَ اللَّهُ» و «عَزَّيْرُ ابْنُ» بدون کمک دیگران قاعده مربوطه را اجرا نموده و آنها را به درستی بخواند، در حقیقت او قادر است معلومات خود را در موقعیت عملی به کار گیرد. حال جهت تداعی بیشتر این طبقه از حیطه شناختی به نمونه سؤالاتی که برای ارزیابی یادگیری قرآن‌آموزان در این طبقه می‌توان انجام داد، اشاره می‌کنیم:

۱- با اضافه کردن (ال) بر سر این کلمات تشخیص دهید کدامیک شمسی و کدام قمری هستند؟

قمر، کتاب - شمس - سماء - حمد

۲- عبارت «وَالصَّالِحَاتُ» را تفکیک کنید.

### ۴- تجزیه و تحلیل

هنگامی که دانش‌آموز به این مرحله از آموزش برسد قادر خواهد بود مباحث یا پدیده‌ها را به اجزای تشکیل دهنده آن تقسیم نموده و روابط اجزاء و طریقه سازمان‌بندی آنها را تشخیص دهد. مهارت در تجزیه و تحلیل می‌تواند برای هر یک از رشته‌های آموزشی هدف محسوب شود. "تجزیه و تحلیل" به عنوان یک هدف ممکن است به سه نوع یا ۳ سطح تقسیم شود. در نوع اول، از دانش‌آموز انتظار می‌رود که مطلب مورد نظر را به اجزای تشکیل دهنده آن تقسیم کند تا عناصر آن شناخته شود. در نوع دوم باید روابط بین عناصر را مشخص سازد تا روابط و ارتباط بین آنها معلوم شود و سومین نوع به شناخت اصول ترکیبی یا ساختاری یعنی ترتیب و ساخت آن اصول که هر مطلبی را به صورت یک واحد کل ترکیبی درمی‌آورد مربوط می‌شود.





مثلاً قرآن آموز با مقایسه شکل و نحوه خواندن تنوین فتحه - که در برخی کلمات رایج در زبان فارسی استفاده شده است - و تجزیه و تحلیل آن، می تواند به اجزاء تشکیل دهنده تنوین فتحه که عبارت است از "فتحه" و "نون ساکن"، پی ببرد.

#### ۵- ترکیب (خلاقیت)

در این مرحله از یادگیری دانش آموز قابلیت به هم پیوستن عناصر و اجزاء را برای تشکیل یک واحد کل جدید پیدا می کند. اگر فرد به این سطح از توانائی برسد می تواند عناصر و اجزای اولیه را از منابع متعدد گردآوری کرده و آنها را به هم پیوند دهد تا آنها را به صورت یک واحد کلی منظم و تمام عیار درآورد. رفتارهای طبقه ترکیب در اغلب موارد با خلاقیت همراه است.

#### نمونه هدف های شناختی در طبقه ترکیب:

- ۱- توانایی آفرینندگی در نوشتن داستان، مقاله یا شعر.
- ۲- توانایی کشف تنوینهای کسره و ضمه بدون تدریس معلم (با استفاده از تجزیه و تحلیل اجزاء تنوین فتحه و سپس ترکیب کسره و ضمه با نون ساکن و ...).
- ۳- توانایی ترکیب نغمه های قرآنی مختلف با هم و ابداع نغمه ای جدید.

#### ۶- ارزشیابی (سنجش)

آخرین و بالاترین سطح طبقه بندی اهداف آموزشی در حیطه شناختی، ارزشیابی است که پیچیده ترین سطح توانائی عقلی می باشد. کسانی که به این سطح از مهارت عقلی می رسند می توانند درباره ارزش اندیشه ها، کارها، راه حلها، روش ها و غیره برای مقصود یا منظوری معین داوری آگاهانه انجام دهند در این سطح از کسب مهارت دانش آموز اهمیت یک عقیده را می سنجد، راه حل یک مسئله را ارزیابی می کند و عقاید مطرح شده در موضوعات مختلف را با هم مقایسه می کند و ... .

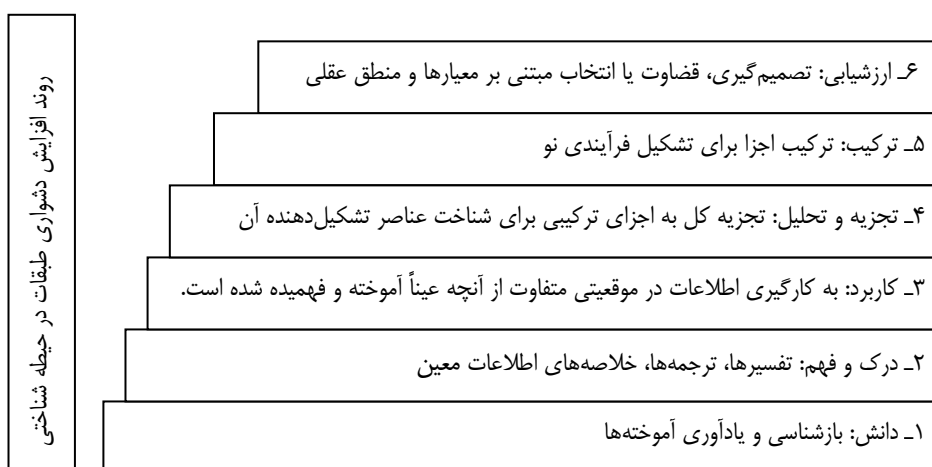
ارزشیابی بر اساس دو نوع معیار می تواند صورت گیرد:

- الف) ارزشیابی بر اساس معیارهای ذاتی و درونی      ب) ارزشیابی بر اساس معیارهای بیرونی
- اگر اثری را بر اساس معیارهای خاص همان اثر ارزشیابی کنیم این ارزشیابی از نوع اول است و اگر همان اثر را در مقایسه با آثار مشابه یا با توجه به آراء و نظرات خودمان ارزشیابی کنیم. این ارزشیابی از نوع دوم خواهد بود.



### \* روند افزایش دشواری در حیطه شناختی

چنانچه در نمودار زیر آمده طبقات حیطه‌شناختی به طور افزایشی در جهت دشواری حرکت می‌کنند. به طوری که هر طبقه بر پایه طبقات قبلی بنا نهاده شده و از طبقه یا طبقات پایین‌تر مشکل‌تر است و هر طبقه پیش‌نیاز طبقه بعدی محسوب می‌شود، مثلاً طبقه دانش پیش‌نیاز طبقه درک فهم و این طبقه لازمه طبقه کاربرد به شما می‌رود.



### حیطه عاطفی

حیطه عاطفی شامل رفتارهایی است که به علایق، احساسات، ارزشها، اخلاقیات و عواطف مربوط می‌شوند. وسعت و دامنه رفتارها در حیطه عاطفی زیاد است و ارزشیابی درجه تحقق بخشیدن به هدف‌های رفتاری در آن مشکل‌تر است، زیرا سنجش میزان توجه نگرش و عمق ارزش کسب شده، کار لحظه‌ای نبوده و در بسیاری از موارد به مراقبت مستمر و تجربه ای طولانی از شخص نیاز است.

### \* طبقات یادگیری در حیطه عاطفی

حیطه عاطفی از پنج طبقه تشکیل شده است که به ترتیب از ساده به پیچیده عبارتند از:

- ۱- دریافت (توجه)
- ۲- واکنش (پاسخ دادن)
- ۳- ارزش‌گذاری (بها دادن)
- ۴- سازمان‌بندی (تقدم و تأخر)
- ۵- تبلور (شخصیت‌پذیری)



### ۱- دریافت (توجه)

در این سطح فرد نسبت به وجود پدیده‌ها و یا محرک‌ها، آگاه و حساس بوده و مایل به دریافت یا توجه به آنها است. اغلب رفتارهای این طبقه جنبهٔ شناختی دارند، البته نه همانند طبقهٔ دانش در حیطهٔ شناختی، بلکه در اینجا مقصود ایجاد فرصت مناسب برای آگاهی فرد - از آنچه که مورد نظر است - می‌باشد. باید یادآور شد که در این مرحله معلم سعی می‌کند که توجه شاگرد خود را به موضوع آموزشی مورد نظر جلب نموده و موجب آن شود که شاگردش در این راه (یعنی فراگیری موضوع درسی) پیشقدم شده و فراگیری را با علاقه دنبال کند.

برای مثال کسی که به قرائت قرآن علاقه ندارد ممکن است با ایجاد موقعیتی برای شنیدن قطعاتی زیبا و جذاب از آن، توجه او به قرائت قرآن معطوف گشته و کم‌کم زمینهٔ علاقه‌مندی به آن در او تحریک گردد.

### ۲- واکنش (پاسخ دادن)

در این طبقه فرد به اندازه کافی انگیزه دارد به طوری که نه تنها مایل به توجه کردن است، بلکه شاید بهتر است بگوئیم که فعالانه توجه می‌کند. توضیح اینکه پس از دقت و توجه به یک پدیده از شخص انتظار می‌رود گامی فراتر نهاده و فعالانه احساس خود را نمایان سازد.

واکنش‌هایی که با اطاعت و فرمانبرداری همراه است جزء پایین‌ترین رفتارهای این طبقه محسوب می‌شوند. در دومین سطح، رفتارهای داوطلبانه و در سومین سطح رفتارهای رضایتمندانه و با پشتوانه عاطفی قوی و پایدار وجود دارد.

به طور مثال قرآن‌آموز پس از شنیدن قرائت قرآن و جلب توجه اولیه به آن، خود مشتاق می‌شود که این بار به انتخاب خود و به صورت فعال به استماع قرائت قرآن بپردازد و حتی از آن لذت ببرد.

### ۳- ارزش‌گذاری (بهادادن)

رفتاری که در این طبقه از حیطه عاطفی قرار می‌گیرد از ثبات و پایداری کافی برخوردار است به نحوی که به صورت خصلت و خوی ناشی از داشتن یک عقیده یا یک نگرش درمی‌آید. فراگیر در موقعیتهای مناسب این رفتار را با ثبات کافی و به گونه‌ای که گویای پیروی از یک ارزش است، از خود نشان می‌دهد. طبقه ارزش‌گذاری دارای سطوح فرعی مختلفی است. در پایین‌ترین و نخستین سطح، فرد یک ارزش را می‌پذیرد اما موضع او هنوز جنبه موقتی دارد و از قوام و دوام کافی برخوردار نیست. در دومین سطح، فرد نه تنها یک ارزش را می‌پذیرد، بلکه نسبت به آن ارزش به اندازه کافی



متعهد است، به نحوی که آن را می‌جوید و می‌خواهد. در سومین سطح فرد نسبت به ارزشی که پذیرفته است، احساس تعهد می‌کند و به آن بها می‌دهد و رفتار او با ثبات عاطفی همراه می‌شود.

نمونه هدف‌های عاطفی در طبقه ارزش‌گذاری:

- شخص نسبت به ارزشی تعهد پیدا می‌کند و در پی اشاعه و توسعه آن گام برمی‌دارد.
- شخص بدون اجبار و با اشتیاق قلبی، خود داوطلبانه در جلسات قرآن شرکت می‌نماید.

#### ۴- سازمان‌بندی (تقدم و تأخر)

در مراحل پیشین گفته شد که شخص به یک پدیده توجه می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد و برای آن ارزش قائل می‌شود. در جریان درونی شدن ارزشها با موقعیتهایی مواجه می‌شویم که در آنها بیش از یک ارزش مطرح است. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که اولاً ارزشها به صورت یک نظام (سیستم) سازمان‌بندی شوند، ثانیاً روابط درونی و متقابل آنها معین شود و ثالثاً ارزشهای مسلط و غالب بنا نهاده شود. چنین نظامی به تدریج سازمان می‌یابد و با ظهور ارزشهای جدید در معرض تغییر قرار می‌گیرد. تغییر نظام ارزشی در بزرگسال دشوارتر از خردسال رخ می‌دهد و سازمان ارزشها به تناسب افزایش سن تغییرناپذیرتر می‌شود و از آمادگی فرد برای پذیرش ارزشی که با ارزشهای پیشین او سازگاری ندارد کاسته می‌گردد.

مراحل سازمان‌بندی ممکن است شامل تحلیل یک ارزش و درک مفهوم آن باشد. مانند اینکه شخص می‌تواند ویژگی‌ها و امتیازات شرکت در محفل قرآنی را که به آن معتقد است، برای دیگران بیان کند.

#### ۵- تبلور (شخصیت‌پذیری)

در این سطح از حیطه عاطفی، ارزش‌هایی که پیش از آن در سلسله مراتب ارزشی فرد جایگاهی داشته‌اند به صورت یک نظام دارای ثبات درونی سازمان می‌یابند، این ارزشها از زمانی که شخص آنها را می‌پذیرد برای مدتی رفتار او را کنترل می‌کنند، به کلام دیگر این رفتار، جزئی از اصول زندگی و منش او شده و همیشه قابل پیش‌بینی می‌باشد. اینجا است که شخص را با باورهای تثبیت شده زندگی‌اش می‌شناسیم و مثلاً می‌گوییم فلانی آدم متعهدی است و یا مصلحت‌نگر می‌باشد. شخصی که به این سطح از حیطه عاطفی رسیده باشد به دو صفت متصف می‌شود:

- الف) ویژگی‌های شخصی منحصر به فرد
- ب) اصول و منش زندگی یا جهان‌بینی فرد



قابل توجه است که به ندرت می‌توان اهداف تربیتی را متوجه این سطح از حیطه دانست. حقیقت امر این است که آموزش و پرورش عموماً نمی‌تواند به این سطح برسد.

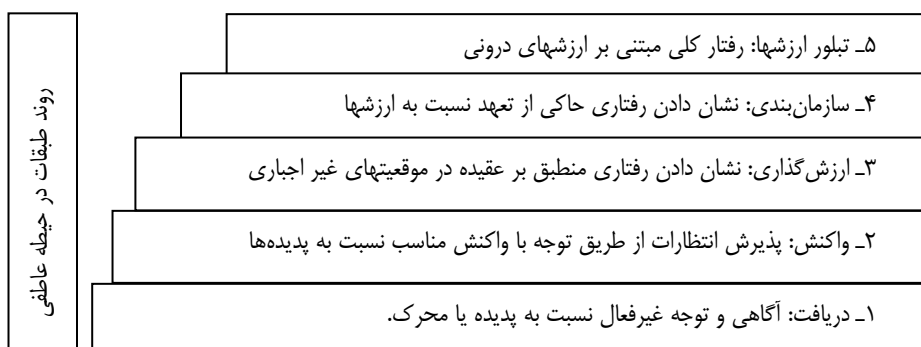
**\*نمونه هدف‌های عاطفی در طبقه تبلور**

- دانش‌آموز برای موضع‌گیری در مقابل دو خبر که از منابع مختلف به دست آمده، همواره خبری را که با واقعیتها منطبق است و معقول‌تر به نظر می‌رسد می‌پذیرد.

- پایه‌ریزی یک فلسفه زندگی

- ایجاد یک وجدان شخصی برای خود

طبقات حیطه عاطفی نیز همانند حیطه‌شناختی از آسان به مشکل سازمان یافته‌اند و هر طبقه، پله‌ای برای رسیدن به طبقه بعد محسوب می‌شود. نمودار ذیل روند طبقات در حیطه عاطفی را نشان می‌دهد:



**حیطه روانی - حرکتی**

بلوم و همکاران ظاهراً به طبقه بندی هدفهای تربیتی در حیطه روانی - حرکتی علاقه‌ای نشان نداده‌اند و دلیل این امر را عدم شواهد و نمونه‌های کافی از اهداف تربیتی در این حیطه قلمداد کرده، لذا طبقه‌بندی خاصی را برای آن ارائه نکرده‌اند. به طور کلی این حیطه با مهارت‌های حرکتی مانند نوشتن، صحبت کردن، دودیدن، خواندن و نظایر آنها سر و کار دارد و هدف آن است که این گونه حرکتها با درستی، دقت، ظرافت، سرعت و مهارت مطلوب انجام شوند.



### \* طبقات یادگیری در حیطه روانی - حرکتی

در اینجا به منظور آشنایی با طبقه‌بندی این حیطه، نمونه معروف آن که توسط یکی از اندیشمندان اهل هندوستان و از کارشناسان یونسکو در پاریس به نام "دوه" ارائه شده است ارائه می‌گردد. این طبقات بر مبنای اصول حاکم در طبقه‌بندی حیطه‌های شناختی و عاطفی بلوم، طبقه‌بندی شده است.

دوه هدف‌های تربیتی حیطه روانی-حرکتی را از آسان به مشکل در پنج سطح زیر تقسیم‌بندی کرده است:

- ۱- تقلید      ۲- اجرای مستقل      ۳- دقت      ۴- هماهنگی حرکات      ۵- عادی شدن

دوه برای انجام مهارت‌های حرکتی، سه نوع آمادگی را ضروری می‌داند:

الف) آمادگی شناختی: منظور از این نوع آمادگی آن است که فرد اطلاعات و آگاهی‌های لازم در زمینه مهارت مورد نظر را داشته باشد. این آگاهی‌ها پیش‌نیاز انجام فعالیت‌های حرکتی است. بعنوان مثال، برای انجام مهارت‌های مربوط به روخوانی و قرائت قرآن ضروری است که حروف، حرکات و علائم قرآن را بشناسیم و معلومات لازم در مورد طریقه اداء صحیح آنها داشته باشیم تا بتوانیم مهارت‌های عملی مربوط را انجام دهیم این آمادگی در قلمرو و حیطه‌شناختی قرار می‌گیرد.

ب) آمادگی جسمی: منظور از آمادگی جسمی این است که عضو یا اعضای بدن مانند دست و پا چشم و گوش و سایر اندامها برای انجام یک فعالیت حرکتی، تمرین و آمادگی کافی داشته باشند و شکل و حالت مناسب بخود بگیرند.

مثلاً برای فراگیری قرائت قرآن، ضروری است اندامهای شنیداری و گفتاری فرد در صحت و سلامت کامل باشد.

ج) آمادگی عاطفی: این آمادگی به علاقه و تمایل فرد به انجام مهارت حرکتی مربوط می‌شود از فردی که به انجام مهارتی بی‌علاقه باشد نمی‌توان انتظار داشت که آن را با مهارت مورد نظر انجام دهد.

برای مثال کسی که حال و هوای تلاوت قرآن ندارد نمی‌تواند یک تلاوت زیبا ارائه دهد به طوری که در جلد چهارم کتاب ارزشمند مستدرک الوسائل از امام صادق <sup>7</sup> نقل شده است: مادامی که در خود احساس خشوع می‌کنید قرآن بخوانید.



همان طور که گفته شد دوه، هدف‌های تربیتی در حیطه روانی را به پنج سطح طبقه‌بندی کرده است که در اینجا به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

#### ۱- تقلید:

در این سطح فرد بدون کمک و راهنمایی دیگران نمی‌تواند کاری را که جنبه حرکتی دارد، درست انجام دهد. دانش‌آموزی که نمی‌تواند کلمات و جملات را روی خط بنویسد (کج می‌نویسد) یا قرآن آموزی که بدون کمک دیگران نمی‌تواند کلمات و عبارات قرآنی را به درستی بخواند، در این سطح از مهارت قرار دارد.

مراحل اولیه یادگیری صوت و لحن نیز از راه تقلید صورت می‌گیرد. به این ترتیب که قرآن‌آموز نحوه استفاده صحیح از طبقات مختلف صوت، تحریرزدن و اجرای نغمات قرآنی را از مربی یا نوار صوتی یکی از قرآء تقلید می‌کند. یا به عبارت دیگر استاد قرائت قرآن قطعه‌ای را به عنوان سرمشق می‌خواند و از شاگرد می‌خواهد که پس از شنیدن دقیق، همان را تکرار کند.

#### ۲- اجرای مستقل:

سطح یادگیری در این مرحله اندکی بالاتر از مرحله قبلی است و در آن از روش تقلید ساده دور می‌شویم، و به مرحله اجرای آگاهانه‌تر اعمال می‌رسیم. در اینجا تسلط شخص به حدی می‌رسد که دیگر نیازی به راهنمایی و دستیاری ندارد.

به عنوان مثال، قرآن‌آموزی که پس از مرحله تقلید بتواند به طور مستقل کلمات و عبارات قرآنی درس را به درستی بخواند و یا بدون اتکاء به سرمشق استاد یا نوار قرآء، تلاوت زیبایی انجام دهد، به سطح استقلال در انجام مهارت حرکتی رسیده است.

#### ۳- دقت

توانایی انجام مهارت حرکتی در فرد هنگامی به این سطح می‌رسد که او بتواند کاری را به درستی و بادقت، سرعت و ظرافت کافی انجام دهد و تکرار نماید.

مانند قرآن‌آموزی که بتواند به درستی و بادقت و سرعت لازم و بدون کمک مربی، تمامی تمرین‌های درس مورد نظر روخوانی یا تجوید را بدون اشتباه انجام دهد.

#### ۴- هماهنگی حرکات

هنگامی که فرد به این سطح از مهارت می‌رسد، می‌تواند چند فعالیت را به طور همزمان و هماهنگ انجام دهد.



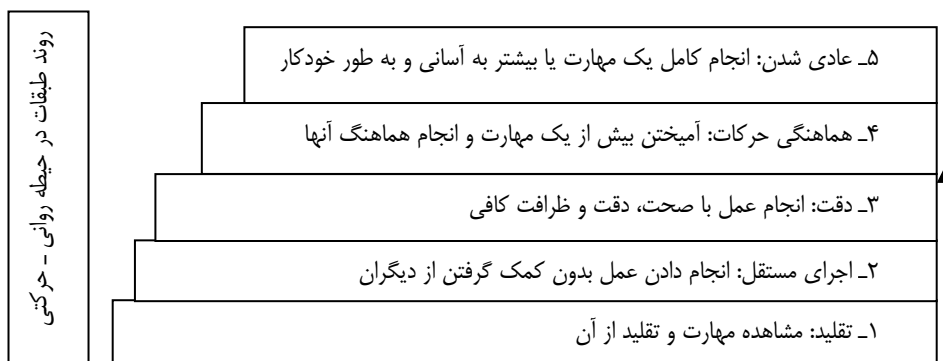
به عنوان مثال قاری قرآن که با یک نگاه اجمالی به آیات قرآن ضمن تلاوت صحیح کلمات و عبارات، تمامی قواعد تجویدی، وقف و وصل و صوت و لحن را نیز به‌طور همزمان و به راحتی به کار می‌بندد، در این سطح قرار دارد.

#### ۵- عادی شدن

این سطح بالاترین مرحله یادگیری روانی-حرکتی است که انسان طی آن به طور خودکار به انجام کارهای دقیق و هماهنگ عادت می‌کند. به عبارت دیگر شخص در اینجا به فکر کردن و صرف انرژی عصبی جهت هماهنگ کردن فعالیتها و تنظیم و توالی آنها نیاز ندارد و اغلب فعالیت‌های او بدون شک و تردید و به طور ناخودآگاه صورت می‌گیرد. استادی و مهارت در انجام کلیه مهارت‌های حرکتی به ویژه آنهایی که به هماهنگی حرکات نیاز دارند به این سطح مربوط می‌شود.

مثال: یک قاری حرفه‌ای قرآن که بدون توجه به قواعد روخوانی، تجوید، صوت و لحن، به طور خودکار همه آنها را به درستی و ظرافت فنی، رعایت می‌کند، از نمونه‌های بارز این سطح از مرحله یادگیری روانی - حرکتی است.

\* شکل زیر نمودار سطوح پنجگانه یادگیریها را در حیطه روانی - حرکتی، از ساده به پیچیده، نشان می‌دهد.



#### ارتباط حیطه‌های سه‌گانه

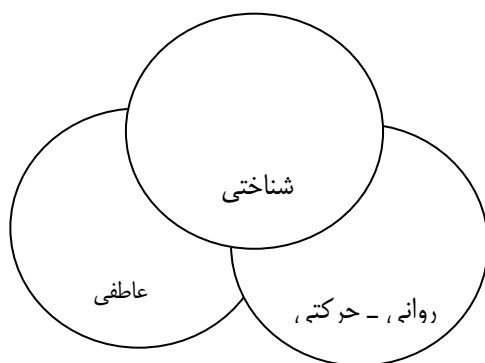
مجزا ساختن هدف‌های تربیتی و قرار دادن آنها در سه حیطه "شناختی، عاطفی، روانی - حرکتی" مجزای قراردادی دارد و به منظور سهولت عمل در شناخت و کاربرد آنهاست. اما واقعیت امر این است





که هر چند هدف‌های شناختی بر تفکر، هدف‌های عاطفی بر احساس و هدف‌های روانی، حرکتی بر حرکات و مهارت‌های فیزیکی بدن تاکید دارند، در اغلب موارد هر سه حیطه در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و نمی‌توان هیچ کدام را به‌طور مشخص از دیگری جدا دانست و مرز معینی بین آنها ترسیم کرد. به عبارت دیگر این حیطه‌ها همانند دایره‌های متداخلی هستند که در حوزه عمل بر همدیگر اثر می‌گذارند.

مثلاً وقتی نامه می‌نویسیم قواعد املائی و انشایی را می‌دانیم (حیطه شناختی)، با حالتی دوستانه مشغول نامه نوشتن هستیم و سعی می‌کنیم احساسات خود را با بهترین عبارات بیان کنیم (حیطه عاطفی) و دست و چشم ما با هماهنگی یکدیگر کلمات و جملات را به وسیله قلم بر روی کاغذ ترسیم می‌کند (حیطه روانی - حرکتی)، یا وقتی ما مشغول تلاوت قرآن هستیم؛ قواعد و اصول لازم قرائت را می‌دانیم (حیطه شناختی) با حالت معنوی و روحانی سعی می‌کنیم احساسات خود در رابطه با کلام الهی و دریافت خود از معانی آیات مورد تلاوت را به وسیله حرکات و صوت و لحنمان به شنونده و بیننده القاء کنیم (حیطه عاطفی). حالت‌های ظاهری مانند طریقه نشستن، نحوه تنفس و خشوع در تلاوت و همچنین تلفظ صحیح کلمات و عبارات و اجرای هماهنگ و زیبای نغمات قرآنی نیز از مواردی است که ما آنها را عملاً مراعات می‌کنیم (حیطه روانی - حرکتی).



نمودار مقابل تداخل حیطه‌های  
سه گانه را نشان می‌دهد:



### توضیحات تکمیلی

بسیاری از معلمان به دلیل عدم آشنایی با هدف‌های رفتاری معمولاً از افعالی همانند افعال (دانستن، یادگرفتن، تحسین کردن، لذت بردن، باور داشتن، درک کردن و غیره) که درک آنها مشکل است و قابل اندازه‌گیری نیستند برای تعیین اهداف رفتاری حیطه‌های سه‌گانه "شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی" استفاده می‌کنند، که صحیح نیست. با توجه به موارد اشاره شده بهتر است به جای به کارگیری این افعال از افعالی همانند افعال زیر که کمتر در معنای آنها اشتباه رخ می‌دهد و قابلیت اندازه‌گیری آنها خوب است، استفاده کرد.

افعال صریح در حیطه شناختی	افعال صریح در حیطه عاطفی	افعال صریح در حیطه روانی - حرکتی
تعریف کردن	قبول کردن	بامهارت به کار گرفتن
فهرست کردن	تأیید کردن	درست اجرا کردن
نام بردن	همکاری کردن	درست آزمایش کردن
توضیح دادن	علاقمند شدن	بازسازی کردن
تشخیص دادن	هم‌عقیده شدن	جابه‌جا کردن
شرح دادن	عشق ورزیدن	خواندن
و غیره ...	و غیره ...	و غیره ...



## خلاصه فصل

هدف از آموزش کمک به ایجاد یادگیری در فراگیران است. اما یادگیری موضوع مشخص واحدی نیست، بلکه تقریباً همه فعالیت‌هایی که ما در طول زندگی انجام می‌دهیم، از تجارب یادگیری‌مان سرچشمه می‌گیرند. هدفهای متعدد آموزشی در سطوح مختلف آن نیاز به نوعی سازمان و نظم و ترتیب دارد، که این مهم توسط طبقه بندی اهداف آموزشی انجام می‌شود.

طبقه بندی آموزشی «بلوم» به وسیله گروهی از متخصصان آموزش و اندازه‌گیری و ارزشیابی و سرپرستی دکتر بنجامین بلوم در سال ۱۹۵۶، ارائه شده است. در این طبقه‌بندی، هدف‌های آموزشی ابتدا به سه دسته کلی با نام‌های (حوزه شناختی - حوزه عاطفی - حوزه روانی - حرکتی) تقسیم شده‌اند و هر یک از این حوزه یا حیطه‌ها هم شامل تعدادی طبقه می‌باشند.

حیطه شناختی: یادگیری در این حیطه مربوط به کسب مهارت‌های عقلانی و ذهنی می‌شود که از ساده‌ترین تواناییهای ذهنی مانند حفظ کردن یک لغت یا اصطلاح، یاد گرفتن فتحه، کسره و غیره شروع می‌شود و به پیچیده‌ترین مهارت‌ها و توانایی‌های عقلی مانند تجزیه و تحلیل شناخت‌ها و راه‌حل‌ها و داوری درباره اندیشه‌ها در زمینه‌های مختلف منتهی می‌شود. آموختنی‌های حیطه شناختی از آسان به مشکل تقسیم‌بندی می‌شوند و در شش طبقه قرار می‌گیرند: ۱- دانش ۲- درک و فهم ۳- کاربرد ۴- تجزیه و تحلیل ۵- ترکیب ۶- ارزشیابی.

حیطه عاطفی: حیطه عاطفی شامل رفتارهایی است که به علایق، احساسات، ارزشها، اخلاقیات و عواطف مربوط می‌شوند، وسعت و دامنه رفتارها در حیطه عاطفی زیاد است و ارزشیابی درجه تحقق بخشیدن به هدفهای رفتاری در آن مشکل‌تر است. زیرا سنجش میزان توجه نگرش و عمق ارزش کسب شده کار لحظه‌ای نبوده و در بسیاری از موارد به مراقبت مستمر و تجربه طولانی از شخص نیاز داریم. حیطه عاطفی از پنج طبقه تشکیل شده است که به ترتیب از ساده به پیچیده عبارتند از: ۱- دریافت (توجه) / ۲- واکنش (پاسخ دادن) / ۳- ارزش‌گذاری (بها دادن) / ۴- سازمان‌بندی (تقدم و تأخر) / ۵- تبلور (شخصیت‌پذیری)

حیطه روانی - حرکتی: بلوم و همکارانش در این حوزه طبقه‌بندی خاصی را ارائه ننموده‌اند لذا طبقه‌بندی نمونه معروف آن که توسط یکی از اندیشمندان اهل هندوستان و از کارشناسان یونسکو در



پاریس به نام "دوه" ارائه شده است. دوه هدفهای تربیتی حیطه روانی، حرکتی را از آسان به مشکل در پنج سطح زیر تقسیم‌بندی کرده است:

۱- تقلید ۲- اجرای مستقل ۳- دقت ۴- هماهنگی حرکات ۵- عادی شدن

هر چند هدفهای شناختی بر تفکر، هدفهای عاطفی بر احساس و هدفهای روانی، حرکتی بر حرکات و مهارت‌های فیزیکی بدن تاکید دارند، در اغلب موارد هر سه حیطه در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و نمی‌توان هیچ کدام را به‌طور مشخص از دیگری جدا دانست و مرز معینی بین آنها ترسیم کرد. در واقع حیطه‌ها همانند دایره‌های متداخلی هستند که در حوزه عمل بر همدیگر اثر می‌گذارند.

برای نمونه وقتی مشغول تلاوت قرآن هستیم؛ قواعد و اصول لازم قرائت را می‌دانیم (حیطه شناختی) با حالت معنوی و روحانی سعی می‌کنیم احساسات خود در رابطه با کلام الهی و دریافت خود از معانی آیات مورد تلاوت را به وسیله حرکات و صوت و لحنمان به شنونده و بیننده القاء کنیم. (حیطه عاطفی). حالت‌های ظاهری مانند طریقه نشستن، نحوه تنفس و خشوع در تلاوت و همچنین تلفظ صحیح کلمات و عبارات و اجرای هماهنگ و زیبای نغمات قرآنی نیز از مواردی است که ما آنها را عملاً مراعات می‌کنیم (حیطه روانی - حرکتی).



## بهبود آزمای ففصل چهارم

- ۱- طبقه بندی آموزشی و ضرورت آن را بیان کنید.
- ۲- در طبقه بندی بلوم، اهداف آموزشی به چه حوزه‌هایی تقسیم شده‌اند؟
- ۳- یادگیری در حیطه شناختی منوط به کسب چه نوع مهارت‌هایی است؟
- ۴- طبقات یادگیری در حیطه شناختی را از آسان به مشکل نام ببرید.
- ۵- مثالی قرآنی در خصوص طبقه کاربرد از حیطه شناختی بزنید.
- ۶- انواع "تجزیه و تحلیل" را در حیطه شناختی بیان کنید.
- ۷- رفتارهایی که به علایق، احساسات، ارزش‌ها و اخلاقیات مربوط می‌شوند، از رفتارهای زیر مجموعه کدامیک از حیطه‌های اهداف آموزش است؟
- ۸- سطوح فرعی طبقه ارزشگذاری در حیطه عاطفی کدامند؟
- ۹- طبقات تشکیل دهنده حیطه عاطفی از آسان به مشکل را نام ببرید.
- ۱۰- طبقات تشکیل دهنده حیطه روانی - حرکتی را از آسان به مشکل نام ببرید.
- ۱۱- "دوه" برای انجام مهارت‌های حرکتی، چه نوع آمادگی‌ها را ضروری دانسته است؟ به اختصار بیان کنید.
- ۱۲- اگر قرآن آموز بتواند آیاتی را مانند استاد خود یا قاری مورد نظر بخواند، به چه سطحی از حیطه روانی - حرکتی رسیده است؟
- ۱۳- ارتباط حیطه‌های سه گانه را در قالب مثالی قرآنی بیان کنید.
- ۱۴- برای بیان اهداف رفتاری در هر یک از حیطه‌های سه گانه آموزشی سه نمونه افعال صریح قابل اندازه‌گیری نام ببرید.

ردیف	افعال صریح در حیطه شناختی	افعال صریح در حیطه عاطفی	افعال صریح در حیطه روانی - حرکتی



## فصل پنجم: ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان یا اهداف ورودی<sup>۲۲</sup>

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- ویژگی‌های ورودی را به اجمال شرح دهد.
- «رفتارهای ورودی یا اهداف ورودی» را تعریف کند.
- انواع ویژگی‌های ورودی را نامبرده به اجمال توضیح دهد.
- ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین را تعریف کند.
- نمونه‌هایی از اهداف ورودی و سنجش آغازین را برای کلاسهای قرآنی طراحی کند.
- چگونگی تعیین گروه‌های یاددهی - یادگیری را توصیف کند.
- تعریف الگوهای یادگیری و انواع آن را بیان نماید.
- انواع الگوهای تفکر را نام برده، هر یک را توضیح دهد.
- تفکر را تعریف کند.

### ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان

سومین گام در طراحی آموزشی شناخت ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان و پیش‌بینی اهداف ورودی و سنجش آغازین است. در واقع با تعیین ویژگی‌های ورودی، نقطه آغاز فرآیند آموزش کلاسی و مبدأ حرکت و با تعیین و تعریف اهداف آموزشی، نقطه پایان مقطع آموزشی یا به عبارتی مقصد، معین می‌شود لذا این دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و می‌بایست تناسب لازم و کافی بین آنها برقرار باشد. معلم، پس از تهیه و تدوین هدفهای کلی آموزشی درس خود، باید ویژگیهای لازم برای

---

۲۲. ر. ک.: شعبانی، حسن - مهارتهای آموزشی و پرورشی - جلد اول؛ ۱۳۸۶ و صفوی، امان‌اله - کلیات روشها و فنون تدریس؛ ۱۳۸۱؛ سیف، علی اکبر - روانشناسی پرورشی نوین - ۱۳۸۹ و کدیور، پروین - روانشناسی تربیتی - ۱۳۸۷.



کسانی که می‌خواهند آن هدف‌ها را یاد بگیرند را شناسایی و تعریف کند. بدیهی است تعریف اهداف جزئی، رفتاری و عملیاتی وابسته به تعیین دقیق این ویژگی‌ها است.

به ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان، اهداف ورودی گفته می‌شود. این ویژگی‌ها می‌بایست در هر سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی برای فراگیر تعریف شوند. لذا در این فصل اطلاعاتی در اختیار معلمان گذارده می‌شود تا به کمک آنها بتوانند ویژگی‌ها و توانایی‌های مختلف فراگیران خود را به تناسب درس مورد نظر تعیین و با استفاده از آزمون‌های تشخیصی و ورودی سطح آنها را در مخاطبان خود شناسایی نمایند. به این منظور سرفصل‌های «رفتارهای ورودی» «سنجش آغازین» و «سبک‌های یادگیری» در ادامه ارائه خواهند شد.

### رفتارهای ورودی

در فصل سوم به تقسیمات چهارگانه اهداف آموزشی و نیز انواع هدف‌های رفتاری نهایی، بین راه و مختصراً به هدف‌های ورودی اشاره شد. حال در این فصل با توجه به موضوعیت فراگیر به عنوان یکی از سه ضلع چرخه آموزش- معلم، دانش آموز، محتوا- قدری به تفصیل به تبیین رفتارهای ورودی دانش آموز، یا اهداف ورودی اشاره می‌شود. همان گونه که اشاره شد جایی که یادگیرنده در آغاز آموزش قرار دارد رفتار ورودی و جایی که معلم قرار است او را برساند، هدف نهایی نامیده می‌شود.

رفتار ورودی یا هدف ورودی به آمادگی‌های فرد برای یادگیری هدف‌های آموزشی (نهایی و بین راه) اشاره می‌کند. یعنی آنچه یادگیرنده قبلاً آموخته برای یادگیری مطالب جدید پیش‌نیاز محسوب می‌شود و همچنین کلیه تجارب مثبت و منفی حاصل از آموخته‌های قبلی او را که بر یادگیری مطلب جدید مؤثرند، رفتارهای ورودی او می‌نامیم.

\* **تعریف رفتار ورودی:** رفتار ورودی عبارت است از توانایی‌ها و قابلیت‌هایی که فراگیران باید قبل از شروع یک فعالیت آموزشی جدید داشته باشند تا مفاهیم جدید را بفهمند و بتوانند با موفقیت به هدف‌های جدید دست یابند. به رفتار ورودی، دانش و مهارت‌های پیش نیاز گفته می‌شود. اگر معلمی از رفتار ورودی فراگیران خود مطلع نباشد ممکن است فعالیت‌های آموزشی مخاطبان خود را بدون توجه به تواناییها و قابلیت‌های ایشان انتخاب کند که در این صورت فراگیران نسبت به انجام فعالیت‌ها بی‌تفاوت خواهند شد.





در بسیاری موارد دیده می‌شود که معلّم از فراگیر خود رفتاری را توقع دارد که از او ساخته نیست، باید توجه داشت که بدون آمادگی دانش‌آموز، معلّم در آموزش به موفقیت دست نخواهد یافت.

### انواع ویژگی‌های ورودی

رفتارهای ورودی هم جنبه شناختی دارند، هم عاطفی و هم روانی-حرکتی. در واقع آنچه که امروز رفتارهای نهایی (اهداف آموزشی) یک درس به حساب می‌آیند، فردا ممکن است رفتارهای ورودی درس دیگری که به دنبال آن درس خواهد آمد محسوب شوند. لذا جهت آشنایی معلمان محترم با انواع رفتارهای ورودی یا به عبارت دیگر ویژگیهای ورودی مخاطبان توضیح آنها به اختصار بیان می‌گردد.

\* **ویژگی‌های ورودی عاطفی:** ویژگی‌های ورودی عاطفی، نشان‌دهنده انگیزش یادگیری یا همان علاقه به درس است. علاقه به درس، دقت، کوشش و پشتکار یادگیرنده را افزایش داده، در نتیجه بر یادگیری او تأثیر مثبت دارد. بنابراین کوشش در ارتقای سطح علاقه یادگیرنده یکی از تدابیر مهم آموزشی معلّم محسوب می‌شود.

\* **ویژگی‌های ورودی شناختی:** ویژگی‌های ورودی شناختی، نشان‌دهنده شناخت و آگاهی و سطح معلومات پیش‌نیاز، جهت فراگیری درس جدید می‌باشد که ضروری است یادگیرنده پیش از ورود به فرآیند آموزش درس جدید، آن را کسب نموده باشد. برای مثال پیش از آنکه یادگیرنده بخواهد با مفهوم "تنوین فتحه" آشنا شود، می‌بایست از قبل با مفاهیم "فتحه" و "نون ساکن" - که این دو همان ویژگی‌های ورودی شناختی محسوب می‌شوند - آشنا باشد.

\* **ویژگی‌های ورودی روانی - حرکتی:** ویژگی‌های ورودی روانی-حرکتی، نشان‌دهنده توانایی‌ها و مهارت‌های پیش‌نیاز جهت فراگیری مهارت‌های جدید می‌باشد که ضروری است یادگیرنده پیش از ورود به فرآیند آموزش درس جدید، آن را کسب نموده باشد. برای مثال پیش از آنکه فرد بتواند قرائت با صوت و لحن و تجوید قرآن را فرا گیرد می‌بایست بتواند حداقل به صورت صحیح و روان کلمات و عبارات قرآن را قرائت نماید.



### ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین

پس از آنکه معلم رفتارهای ورودی پیش‌نیاز هدف‌های آموزشی را تهیه و تدوین کرد، لازم است عملاً به وجود این رفتارها از راه «ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین» مطمئن شود.

\* **تعریف ارزشیابی تشخیصی:** ارزشیابی تشخیصی، نوعی ارزشیابی است که سوال‌های مربوط به آن براساس رفتار ورودی طراحی می‌شود و قبل از تدریس باید اجرا گردد. از طریق ارزشیابی تشخیصی اولاً می‌توان معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های لازم فراگیران را برای ورود به مطالب جدید تشخیص داد ثانیاً به کمک آن می‌توان نقطه آغاز فعالیت‌های آموزشی را به صورت دقیق مشخص کرد.

اگر فعالیت‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی شوند که تکرار رفتار ورودی فراگیر باشد، نه تنها فراگیران نسبت به فعالیت‌های آموزشی بی‌تفاوت خواهند شد، بلکه زمانی که باید برای پرورش قابلیت‌های جدید صرف شود به هدر خواهد رفت و یا اگر آغاز درس بدون سنجش و تشخیص رفتار ورودی انجام شود، ممکن است فعالیت‌ها به دلیل نداشتن رفتار ورودی، غیر قابل فهم و مشکل باشد. در این صورت، معلم حتماً باید قبل از شروع درس جدید به ترمیم رفتار ورودی و جبران نواقص یادگیری‌های قبلی یا رفع کاستی‌های پیش‌نیاز آنان بپردازد. مخصوصاً در صورت وجود ارتباط تسلسلی و متوالی بین هدف‌ها، ترمیم رفتار ورودی یا پیش‌نیاز الزامی خواهد بود.

### تعیین گروه‌های یاددهی - یادگیری<sup>۲۳</sup>

سازماندهی دانش آموزان و گروه‌بندی آنها در فعالیت‌های آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است. متأسفانه اکثر معلمان، مجموعه فعالیت‌های آموزشی را در گروه‌های یکسان به اجرا در می‌آورند، در حالی که همیشه دستیابی به اهداف آموزشی مختلف از طریق گروه‌های یکسان میسر نمی‌باشد. یکی از عوامل موثر در انتخاب گروه‌های یاددهی - یادگیری ماهیت اهداف و فعالیت‌های آموزشی است؛ مثلاً اگر اهداف و فعالیت‌های آموزشی در حیطه روانی - حرکتی (مهارت‌های عملی) باشند، ضروری است فراگیران برای اجرای فعالیت‌های آموزشی باید به گروه‌های کوچک تقسیم شوند تا تحقق هدف‌ها امکان‌پذیر گردد. معمولاً مناسب‌ترین گروه برای هدف‌های شناختی گروه



بزرگ (۳۰ تا ۴۰ نفر)، برای هدفهای عاطفی، گروه کوچک یا متوسط (۵ تا ۲۰ نفر) و برای هدفهای روانی - حرکتی گروه کوچک یا حتی آموزش تک نفری می‌باشد.

البته باید توجه داشت در اینجا صحبت از «مناسب ترین» است نه «بهترین» زیرا در فرآیند طراحی کلیه عوامل تأثیرگذار مانند تعداد نیروی انسانی، هزینه، فضای آموزشی و ... باید در نظر گرفته شوند. مسلم است که «بهترین» گروه برای آموزش و دستیابی به هدفهای آموزشی در هر کدام از حیطه‌های سه‌گانه گروه کوچک و تک‌نفری است؛ زیرا برقراری ارتباط نزدیک و چهره به چهره، نظارت بر فعالیتهای آموزشی و دریافت بازخورد، امکان شناخت بهتر دانش آموز و در نتیجه آموزش بهتر را فراهم خواهد ساخت. اما چنین گروه‌هایی از نظر اقتصادی و متغیرهای دیگر - با توجه به میزان و کیفیت یادگیری - مقرون به صرفه نخواهند بود.

### الگوهای یادگیری

«الگوی یادگیری» به چگونگی یادگیری افراد اشاره می‌کند و به صورت راههای شخصی که در آن افراد، اطلاعات را در جریان یادگیری درک و فهم می‌نمایند گفته می‌شود. همچنین سبک یادگیری باورها، رجحانها و رفتارهایی که در جریان یادگیری به وسیله افراد مورد استفاده قرار می‌گیرند را شامل می‌شود. شناخت الگوهای یادگیری معلمان را در تدوین هدفهای آموزشی و انتخاب روش‌های تدریس یاری خواهد کرد.

### \* انواع الگوهای یادگیری

توسط اندیشمندان روانشناسی پرورشی، الگوهای مختلفی برای یادگیری ارائه شده است که برای نمونه به چند نوع از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱- یادگیری از طریق شرطی شدن کلاسیک: این الگوی یادگیری از بنیانی‌ترین انواع یادگیری است که اولین بار توسط «ایوان پاولف» روسی کشف و عنوان گردید. در این الگو، «پاسخ» حاصل یک محرک شناخته شده است.

هر عامل یا پدیده‌ای در محیط، به ویژه محیط‌های آموزشی می‌تواند با محرک‌های طبیعی که پاسخ احساسی را به وجود می‌آورند، مجاور شود و به صورت محرک شرطی درآید، مثلاً شادابی و



نشاط یا رخوت و کسالت معلم قرآن و نیز کلمات محبت آمیز یا خشن او در حین تدریس، می‌تواند کلاس آموزش قرآن و فعالیتهای آن را برای قرآن آموزان، لذتبخش یا تنفرانگیز نماید.

**۲- یادگیری از طریق مجاورت:** بنا به این الگوی یادگیری، مجاورت ساده و همایندی و جفت شدن یک حادثه با حادثه دیگر می‌تواند منجر به یادگیری شود. یعنی نزدیکی و مجاورت یک محرک با یک پاسخ می‌تواند موجب تغییر رفتار شده و فراگیر از عنصری به عنصر دیگر دست می‌یابد. یادگیری از طریق مجاورت در فعالیتهای آموزشی فراوان به چشم می‌خورد. بسیاری از مفاهیم زبان، تاریخ و رفتارهای مطلوب اجتماعی را می‌توان از طریق مجاورت و تداعی به شاگردان آموخت. مثلاً با کنار هم قرار دادن دو صدای فتحه و الف مدی، کسره و یاء مدی و یا ضمه و واو مدی و قرائت مقایسه‌ای آنها، می‌توان مشابهت کیفیت اداء صداها را کوتاه و کشیده همخوانده و نیز تفاوت کمیت کشش آنها را به قرآن آموز یاد داد.

**۳- یادگیری از طریق شرطی شدن عامل:** این الگوی یادگیری نیز از انواع یادگیری بنیانی و اساسی است که در تغییر رفتار، کاربردی وسیع دارد. در این نوع یادگیری، برخلاف شرطی شدن کلاسیک، بروز رفتارها محصول محرک‌های فیزیولوژیک نیستند بلکه نتیجه یک رفتار ارادی و شرایطی که به دنبال آن می‌آید، است. در واقع رفتار در ابتدا محصول خواست و اراده فراگیر است ولی شرایط پیش‌بینی شده بعدی - که بلافاصله پس از رفتار ایجاد می‌شود - موجب تقویت یا تضعیف آن رفتار می‌گردد. بر اثر تقویت، وسعت و احتمال وقوع آن افزایش می‌یابد و بالعکس بر اثر تضعیف، احتمال وقوع آن کاهش می‌یابد. مثلاً قرآن آموز پس از اجرای هر قطعه زیبا و صحیح از تلاوتش، با شنیدن تشویق استاد و دیگر همکلاسی‌های خود به ادامه تلاوت و ارائه بهتر آن علاقمندتر می‌شود و در مقابل قرآن آموز پس از اجرای هر قطعه نازیبا و ناصحیح از تلاوتش، با عدم تشویق استاد و دیگر همکلاسی‌های خود، از تکرار تلاوت مشابه خودداری نموده، جهت دریافت مجدد تشویقات در رفع اشکالات و یادگیری بهتر تلاش خواهد کرد.

**۴- یادگیری از طریق مشاهده:** بنا به این الگو، انسان با مشاهده رفتارهای دیگران، می‌تواند آن رفتارها را یاد گیرد. به فردی که مورد مشاهده قرار می‌گیرد، سرمشق یا الگو گفته می‌شود. یادگیری مشاهده‌ای ممکن است متضمن تقلید باشد یا نباشد. برای مثال قرآن آموزان با مشاهده چگونگی حالت دهان و غنچه شدن لبهای معلم در حین تلفظ عربی حرف واو، می‌توانند طریقه اداء صحیح این حرف را در قرائت قرآن فراگیرند.



این یادگیری به ترتیب متضمن فرآیندهای «توجه به سرمشق و درک آن»، «یادسپاری سرمشق»، «انگیزش برای یادآوری و رفتار مشابه» و «تولید یعنی تبدیل تصاویر یادسپاری شده به رفتار مشابه و اجرای سرمشق» است. اگر چه ممکن است در نخستین نگاه، این یادگیری فرآیندی ساده بنظر آید ولی در عمل چنین نیست و اگر فرد نتواند رفتار مشاهده شده را در چهارچوب شناختی خود تفسیر کند یا نتواند رفتارش را با سرمشق مطابقت دهد، یادگیری مختل خواهد شد.

۵- یادگیری از طریق شناخت و پردازش اطلاعات: بنا به این الگوی یادگیری، یادگیری انسان در نتیجه تلاش فکری و شناخت روابط بین محرکها حاصل می‌شود. فرد پس از آشنایی با کلیات موضوع جدید، با استفاده از دانسته‌های پیشین نسبت به تحلیل و پردازش ذهنی موضوع جدید و اجزاء آن پرداخته و با کشف روابط منطقی موضوعات جدید و قدیم، آن را فرامی‌گیرد. در واقع اساس این شیوه بر مبنای کاوشگری و اکتشاف توسط خود فراگیر است. مثلاً قرآن آموز پس از فراگیری کلی و سرمشق گونه اداء صحیح کلمه «أَحَدٌ»، با قدری تفکر و مقایسه اداء عربی و فارسی آن - بدون هیچ توضیح تکمیلی توسط معلم- به این نتیجه خواهد رسید که تلفظ حروف «همزه و دال» و حرکت «فتحه»، کاملاً مانند تلفظ آنها در فارسی است ولی تلفظ حرف «حاء» و حرکت «ضمه» با فارسی مغایر است.

\* جمع‌بندی نظریه‌ها درباره الگوهای یادگیری: اکثر نظریه‌های موجود، تنها بخشی از وجوه یادگیری انسان را مورد توجه قرار می‌دهند. اگر بخواهیم چگونگی یادگیری انسان را مطالعه کنیم، باید مجموع نظریه‌ها را در نظر بگیریم، زیرا تفکیک آنها در فرآیند یادگیری انسان چندان معقول نیست. یادگیری در انسان بر خلاف حیوانات در مراحل مختلف رشد متفاوت است و جریان یادگیری در دوران کودکی با جریان یادگیری در بزرگسالی متفاوت است. یادگیری انسان را باید در مجموع نگرست و قدرت اندیشه و تفکر او را محور اصلی شناخت فرآیند یادگیری قرار داد.

#### \* انواع الگوهای تفکر

همان گونه که اشاره شد، محور اصلی شناخت فرآیند یادگیری، قدرت اندیشه و تفکر فرد است. تفکر نیز همانند یادگیری همیشه به یک شکل انجام نمی‌گیرد و ممکن است به اشکال «تداعی آزاد» «خیال‌بافی» «تفکر عملی» یا «تفکر خلاق» به وقوع بپیوندد.



۱- **تداعی آزاد:** تداعی آزاد، تفکری است که از هرگونه قید خارجی آزاد است و هیچ‌گونه کنترلی از طرف فرد بر آن اعمال نمی‌شود و تقریباً تحت تأثیر حالات درونی فرد است. در این نوع تفکر، معانی و مفاهیم به صورت مختلفی در ذهن با هم ترکیب شده و فرد از کنترل آنها ناتوان است.

۲- **خیال‌بافی:** خیال‌بافی تفکری است که با عالم خارج ارتباطی ندارد، اما موضوع معینی دارد. پژوهشگران روانشناسی، خیال‌بافی را یک عادت بد یا نشانه یک اختلال هیجانی بد به حساب نمی‌آورند، بلکه معتقدند که خیال‌بافی یک حالت عادی هشیاری است که از ویژگیهای بارز آن تغییر در توجه است. توجه فرد خیالباف به جای آنکه بر روی یک تکلیف فیزیکی یا روانی مشخص متمرکز شود، به افکار و تصوراتی معطوف می‌شود که از حافظه مایه می‌گیرند.

۳- **تفکر عملی:** این نوع تفکر، تفکری است که در مسائل ساده روزانه به وقوع می‌پیوندد؛ مانند تفکر درباره اینکه چگونه فعالیت یک روز خود را تنظیم کنیم یا عمل خاصی را به طور عادی انجام دهیم.

۴- **تفکر خلاق:** تفکر خلاق به آن نوع فعالیت فکری گفته می‌شود که به حل مشکلات و مسائل سخت و حل نشده می‌پردازد یا برای مسائل حل نشده گذشته راه‌حلهای جدیدی کشف می‌کند. این گونه تفکر معمولاً به ابداع و اختراع منجر می‌شود. خلاقیت‌های علمی، هنری، صنعتی، کشاورزی و داشتن بینش‌های نو در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همگی نتیجه این نوع تفکر است.

آنچه در فرآیند تعلیم و تربیت باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد، تفکر نوع چهارم است. وقتی که فرد با مسأله یا مشکل خاصی مواجه می‌شود، باید آن مشکل یا مسأله را واریسی کند، و به راههای حل آن بیندیشد تا قدرت ابتکار و ابداع در او به وجود آید و تقویت شود. با چنین تعبیری، می‌توان گفت: تفکر عبارتست از فعالیتهای جهت دار ذهن برای حل مسأله؛ یا به عبارت دیگر، اندیشیدن و تفکر به آن نوع فعالیت یا رفتار ذهنی گفته می‌شود که به حل مسأله‌ای متوجه باشد.



## خلاصه فصل

شناخت ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان از ضرورت‌های کار معلم است. در واقع با تعیین ویژگی‌های ورودی نقطه آغاز فرآیند آموزش کلاسی و مبدأ حرکت و با تعیین و تعریف اهداف آموزشی، نقطه پایان مقطع آموزشی یا به عبارتی مقصد، معین می‌شود لذا این دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و می‌بایست تناسب لازم و کافی بین آنها برقرار باشد. به ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان، اهداف ورودی گفته می‌شود. این ویژگی‌ها می‌بایست در هر سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی برای فراگیر تعریف شوند.

رفتار ورودی عبارتست از توانایی‌ها و قابلیت‌هایی که فراگیران باید قبل از شروع یک فعالیت آموزشی جدید داشته باشند تا مفاهیم جدید را بفهمند و بتوانند با موفقیت به هدفهای جدید دست یابند. به رفتار ورودی، دانش و مهارت‌های پیش نیاز گفته می‌شود. رفتارهای ورودی هم جنبه شناختی دارند، هم عاطفی و هم روانی - حرکتی. در واقع آنچه که امروز رفتارهای نهایی (اهداف آموزشی) یک درس به حساب می‌آیند، فردا ممکن است رفتارهای ورودی درس دیگری که به دنبال آن درس خواهد آمد محسوب شوند.

پس از آنکه معلم رفتارهای ورودی پیش‌نیاز هدف‌های آموزشی را تهیه و تدوین کرد، لازم است عملاً به وجود این رفتارها از راه «ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین» مطمئن شود. ارزشیابی تشخیصی، نوعی ارزشیابی است که سوال‌های مربوط به آن براساس رفتار ورودی طراحی می‌شود و قبل از تدریس باید اجرا گردد.

سازماندهی دانش‌آموزان و گروه‌بندی آنها در فعالیت‌های آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از عوامل مؤثر در انتخاب گروه‌های یاددهی-یادگیری ماهیت اهداف و فعالیت‌های آموزشی است.

«الگوی یادگیری» به چگونگی یادگیری افراد اشاره می‌کند و به صورت راههای شخصی، که در آن افراد اطلاعات را در جریان یادگیری درک و فهم می‌نمایند گفته می‌شود. برای یادگیری الگوهای مختلفی وجود دارند که برای نمونه به چند نوع از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

۱- یادگیری از طریق شرطی شدن کلاسیک

۲- یادگیری از طریق مجاورت



۳- یادگیری از طریق مشاهده

۴- یادگیری از طریق شرطی شدن فعال

۵- یادگیری از طریق شناخت و پردازش اطلاعات

اکثر نظریه‌های موجود، تنها بخشی از وجوه یادگیری انسان را مورد توجه قرار می‌دهند. اگر بخواهیم چگونگی یادگیری انسان را مطالعه کنیم، باید مجموع نظریه‌ها را در نظر بگیریم، زیرا تفکیک آنها در فرآیند یادگیری انسان چندان معقول نیست. یادگیری انسان را باید در مجموع نگریست و قدرت اندیشه و تفکر او را محور اصلی شناخت فرآیند یادگیری قرار داد. تفکر نیز همانند یادگیری همیشه به یک شکل انجام نمی‌گیرد و ممکن است به اشکال «تداعی آزاد»، «خیالبافی»، «تفکر عملی» یا «تفکر خلاق» به وقوع بپیوندد.

## بخش خودآزمایی فصل پنجم

۱- ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان را مختصراً توضیح دهید.

۲- «رفتار ورودی یا هدف ورودی» را تعریف کنید.

۳- آیا تجارب منفی حاصل از آموخته‌های قبلی نیز جزء رفتارهای ورودی محسوب می‌شوند؟ توضیح دهید.

۴- عدم شناخت کافی معلم از رفتار ورودی فراگیران منجر به چه مشکلاتی در فرآیند آموزش خواهد شد؟

۵- انواع ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان را نام برده به اختصار توضیح دهید.

۶- هدف از اجرای ارزشیابی تشخیصی یا سنجش آغازین و تعریف آن را بیان کنید.

۷- ماهیت اهداف و فعالیت‌های آموزشی چه تأثیری می‌تواند در انتخاب گروه‌های یاددهی-یادگیری داشته باشد؟

۸- الگوی یادگیری را تعریف نموده و انواع مهم آن را نام ببرید.

۹- تفکر و انواع الگوهای تفکر را به اختصار شرح دهید.



## فصل ششم: تعیین محتوا، روش و وسایل آموزشی و نظام ارزشیابی

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- معیارهای انتخاب محتوا را شناخته و نام ببرد.
- معیارهای انتخاب روش تدریس را نام ببرد.
- معیارهای انتخاب وسایل آموزشی را تعریف کند.
- ویژگیهای کلی سؤال‌های ارزشیابی را توصیف کند.
- تعریف الگوهای یادگیری و انواع رآن ا بیان نماید.

### تحلیل، انتخاب و تنظیم محتوا

محتوا حلقه واسط بین اهداف ورودی (یا رفتار ورودی فراگیر) با اهداف کلی آموزشی (یا رفتار نهایی فراگیر) است. از این رو تعیین محتوا، روش و وسایل آموزشی و نظام ارزشیابی به عنوان چهارمین گام یا چهارمین پایه طراحی آموزشی بسیار قابل توجه و مهم است. هر چند محتوای آموزشی غالباً توسط معلم تدوین نمی‌شود بلکه او اغلب نقش تحلیل‌گر کتابهای آموزشی موجود را ایفا می‌کند ولی تبحر و مهارت او در انتخاب کتابهای آموزشی متناسب با شرایط کلاسی و مخاطبان و مهمتر از آن تحلیل و ارائه آسان محتوا به شاگردان بسیار حائز اهمیت است. معلم به تبع انتخاب محتوا می‌بایست روش و وسایل متناسب با هدفهای آموزشی دوره و متون آموزشی کتاب را نیز برگزیند. محتوای خوب محملی مطمئن برای فعالیتهای آموزشی بوده و مأخذی برای آشنایی فراگیران با کل موضوعات درسی و پایگاهی برای رجوع و یادآوری دروس ارائه شده در کلاس برای مرور و یادآوری شاگرد است.

پس از تعیین اهداف ورودی و نهایی (مبدأ و مقصد آموزش) و تحلیل موقعیتهای آموزشی، معلم باید به تحلیل، انتخاب یا تنظیم محتوای آموزشی بپردازد. این محتوا باید به روز و کاملاً متناسب با



اهداف آموزشی و سطح مخاطبان و تعداد ساعات و جلسات آموزشی تنظیم شود. به کارگیری محتوا در فعالیت‌های آموزشی باید کاملاً با اهداف کلی، جزئی و رفتاری درس مطابقت داشته باشد. اندیشمندان طراحی و تکنولوژی آموزشی توصیه می‌کنند سعی شود، مطالب آسان همیشه قبل از مطالب پیچیده و مشکل و مفاهیم نظری قبل از فعالیت‌های عملی ارائه شوند. محتوا هرگز نمی‌تواند جایگزین اهداف آموزشی گردد بلکه صرفاً وسیله‌ای برای کمک به رسیدن به این اهداف است. قطعاً محتوای کتاب درسی به تنهایی کافی نبوده و معلم می‌بایست با توجه به سطح مخاطبان و شرایط مکانی و زمانی پیش رو و وقایع غیر مترقبه احتمالی، محتوا را در جهت اثربخشی بیشتر کاملتر نموده و با زبان و سطح درک مخاطبان، آن را به شیوه‌های متنوع و جذاب به ایشان ارائه دهد.

#### \* معیارهای انتخاب محتوا

برای انتخاب محتوا ضروری است موارد زیر مورد توجه جدی قرار گیرند:

- ۱- تطابق کامل محتوا با اهداف آموزشی
- ۲- مختصر و مفید بودن و فصل بندی مناسب
- ۳- تناسب با شرایط مخاطبان و طول دوره
- ۴- مستند و به روز بودن
- ۵- روان و ساده فهم بودن
- ۶- قابل تهیه و مناسب بودن از نظر قیمت
- ۷- آموزشی بودن و ارائه تمرینات و خودآزمایی‌های مناسب و مکفی برای دروس

#### انتخاب روش تدریس مناسب

محتوای آموزشی بدون انتخاب روش تدریس مناسب آن، ناقص بوده و قطعاً اثربخش نخواهد بود. از این رو انتخاب روش تدریس مناسب، یکی از عناصر و عوامل اصلی طراحی به شمار می‌رود. معلم با انتخاب روش‌های تدریس مناسب و متنوع و کسب و ارتقاء مهارت‌های عملی خود برای اجرای آن روش‌ها، می‌تواند کارایی و اثربخشی محتوای آموزشی را چندین برابر کند. باید توجه داشت اگر روش‌های تدریس منتخب مناسب باشند ولی معلم از نظر توانایی‌های جسمی یا شناختی و مهارتی، توان لازم را برای اجرای آن روش دارا نباشد، نه تنها هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد بلکه



بالعکس موجب دلزدگی شاگردان از درس نیز خواهد شد. پس معلم باید هم به تناسب روش تدریس با درس مورد نظر توجه کند و هم به توانایی های بالقوه خود جهت اجرای موفق آن روش.

روش تدریس تنها به سخنرانی معلم اطلاق نمی شود بلکه شامل فعالیت های متعددی چون سازماندهی فعالیت های آموزشی یک گروه کوچک یا بزرگ فراگیران، به کارگیری فیلم یا ریز رایانه ها، اجرای روش های نمایشی و ایفای نقش، تدارک حلقه های یادگیری، راهنمایی و هدایت گروه های یادگیری همیاری، نظارت و رهبری آموزش انفرادی و غیره می باشد.

از آنجا که در ادامه و در قالب فصل نهم به طور مفصل به روش های تدریس اشاره خواهد شد، در اینجا به ذکر کلیات اکتفا شده و از معلمان محترم تقاضا می شود جهت آشنایی با انواع روش های تدریس و نمونه هایی قرآنی از اجرای آنها به فصل مربوطه مراجعه نمایند.

### انتخاب وسایل آموزشی مناسب

وسایل آموزشی به مجموعه امکاناتی اطلاق می شوند که می توانند کارایی فرآیند آموزش و شرایط یادگیری را بالاتر برده، موجب یادگیری سریعتر، بهتر و پایدارتر گردند. وسایل آموزشی می تواند از وسایل بسیار ابتدایی مثل کاغذ و قلم گرفته تا لابراتوارهای تخصصی و سیستم های پیشرفته رایانه ای را دربر گیرد. آنچه که مهم است این است که وسایل آموزشی لزوماً نباید از پیش طراحی شده و آماده باشند بلکه معلم و شاگردان نیز با خلاقیت خود می توانند نمونه هایی را ابداع نموده و مورد استفاده قرار دهند. مانند طراحی تابلونوشته های آموزشی، ساختن حروف و حرکات جورچین برای ساخت و قرائت کلمات جدید، و . . .

هرچند وسایل آموزشی برای سرعت بخشیدن به آموزش و افزایش اثربخشی آن مفید است ولی نباید در شاگردان و معلم وابستگی به این وسایل ایجاد شده و به محض حذف آنها، آموزش نیز مختل گردد بلکه باید به وسایل آموزشی تنها از منظر وسیله ی تسهیل گر آموزش و یادگیری، نگاه کرد. نکته مهم دیگر آن است که وسایل انتخاب شده باید متناسب با محتوا، موقعیت آموزشی، روش تدریس و اهداف آموزشی و از همه مهمتر توانایی فراگیر برای استفاده از آن، باشند.

در رویکردی عام تر می توان عنوان کرد حتی معلم، کتاب درسی، محیط آموزشی و سایر امکانات کلاسی که نقش تسهیل کننده یادگیری را برای فراگیر ایفا می کنند به نوعی جزء وسایل آموزشی محسوب می شوند. لازم است معلم مزایا، معایب و محدودیتهای هر یک از وسایل را برای آموزش درس خود بداند.



### \* معیارهای انتخاب وسایل آموزشی:

تهیه و انتخاب وسایل آموزشی خواه به وسیله معلم یا فراگیران صورت گیرد، نیاز به دقت نظر دارد. یک وسیله خوب نه تنها سبب رسانیدن پیام به بهترین وجه می‌شود، بلکه علاقه، توجه و انگیزه فراگیران را نیز کاملاً تقویت می‌کند. معلمان باید بدانند که هیچ وسیله خاصی را نمی‌توان به عنوان بهترین وسیله برای تمام اهداف آموزشی به کار گرفت. مهمترین معیارها و ضوابطی که در انتخاب و به کارگیری وسایل آموزشی مؤثرند عبارتند از:

۱. هدف‌های رفتاری: مهمترین راهنما و معیار برای انتخاب و به کارگیری وسایل آموزشی متناسب بودن آنها با هدف‌های رفتاری درس و توانایی انتقال پیام مورد نظر است.
۲. کیفیت فنی: خصوصیات فیزیکی هر یک از وسایل آموزشی که برای درس خاصی انتخاب شده‌اند، باید به نحوی باشد که در تدریس، کاملاً مؤثر باشد.
۳. قابلیت دسترسی: گاهی وسیله‌ای برای تدریس یک هدف و محتوای خاص بسیار مناسب است؛ اما نمی‌توان آن را به راحتی به دست آورد و یا امکان استفاده مکرر از آن در مواقع دلخواه میسر نیست. چنین وسیله‌ای امکان مناسبی برای آموزش نخواهد بود، زیرا وسیله‌ای که نتوان از آن استفاده کرد و یا در موقع لزوم امکان کاربرد آن نباشد، مفید فایده نخواهد بود.
۴. سادگی و سهولت کاربرد: گاهی با استفاده از رسانه‌ای پیچیده، مطالبی که از درک و فهم فراگیران فراتر است به آنها عرضه می‌شود. البته این دسته از وسایل ممکن است به علت جالب بودن در فراگیران ایجاد انگیزه کند؛ اما اطلاعات پیچیده آن ممکن است سبب ابهام در درک و فهم موضوع اصلی که باید آموخته شود، نیز بگردد. مثلاً بسیاری از فیلم‌های آموزشی هیچ هدف خاصی را دنبال نمی‌کنند چون موضوع و هدف مشخصی ندارند و اهداف آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهند در نتیجه مانع رسیدن به هدف اصلی می‌شوند.
- معمولاً فیلم‌های کوتاه در مورد بخش‌های خاصی از موضوع درس، مؤثرتر از سایر فیلم‌های آموزشی هستند؛ زیرا معطوف به هدف یا محتوای مورد بحث خاصی می‌باشند. معلم کارآمد هرگز برای استفاده صرف از یک وسیله رسیدن به اهداف آموزشی را دچار اختلال نمی‌کند.
۵. انعطاف پذیری: از عوامل مهم دیگر در استفاده مؤثر از وسایل آموزشی، انعطاف پذیری آن است. توان معلم برای کنترل و به کارگیری وسیله‌ای که با نیاز او متناسب باشد، اهمیت بسیار دارد. یک وسیله آموزشی خوب را باید بتوان در زمانها و موقعیتهای مختلف مورد استفاده قرار داد.



۶. **سطح فرهنگی:** وسایل آموزشی با توجه به واژگان به کار رفته در آن، سطح محتوایی، دیدگاه‌های مختلف و هدف آن تعیین می‌شود. به همین دلیل ضروری است که معلم، مناسبت هر وسیله را با توجه به سطح فرهنگی متناسب با گروهی که می‌خواهد وسیله را برای آنها به کار برد، بسنجد و انتخاب کند. ممکن است وسیله‌ای برای یک گروه در سطح خیلی بالا و برای گروهی دیگر در سطح بسیار نازلی باشد. در چنین مواردی به دلیل عدم تناسب وسیله آموزشی با سطح دانش و توانایی دانش آموز، موجب خستگی و عدم علاقه او به موضوع می‌شود.

۷. **هزینه:** معلم باید هم به قیمت ابزار و هم به ارزش زمانی که صرف تهیه یا به کارگیری آن وسیله خاص در رابطه با تدریس می‌شود، توجه کند.

در هر صورت معیارهایی که برای به کار گرفتن وسیله مناسب انتخاب می‌شوند به مفروضاتی که برای به کارگیری آنها در ذهن وجود دارد، بستگی دارد. دستور خاصی وجود ندارد که از قبل بتواند تأثیری را که یک وسیله معین بر روی دانش آموزان خاص می‌گذارد به مدرسه یا معلم نشان دهد. انتخاب نوع محتوا، روش و وسیله در فرآیند آموزش، همواره تجویزی است و هیچ‌گونه دستورالعمل تحکمی را نمی‌توان در این مورد صادر کرد.

### تحلیل و تعیین نظام ارزشیابی

لازم است دانش آموزان از ابتدا معیارها و امکاناتی را که به وسیله ی معلم در فرآیند ارزشیابی و نمره دادن به کار گرفته می‌شود، بدانند خیلی از ترس‌هایی که دانش آموزان در فرآیند ارزشیابی دارند به علت عدم آگاهی آنها از معیارها و نحوه ارزشیابی معلمان است. معیارها باید در اولین فرصت مناسب به طور واضح و روشن در اختیار دانش آموزان گذاشته شود. تاریخ ارزشیابی نیز از ابتدای آموزش باید مشخص گردد تا به دانش آموزان امکان داده شود که خود را برای ارزشیابی آماده کنند. سوال‌ها باید متناسب با اهداف و فعالیت‌های آموزشی باشد. برای طرح سوال‌های خوب و مناسب و استفاده مؤثر و بجا از آنها، معلم نمی‌تواند فقط بر روی کلمات و جملاتی که همان لحظه در کلاس به ذهنش می‌رسد، تکیه کند. البته بیان چنین مساله ای به این معنا نیست که با توجه به شرایط و لحظات خاص هیچ سوالی طرح نشود و یا سوالی که در طرح درس یادداشت شده باید تنها سوال مطرح شده در کلاس درس باشد، بلکه منظور این است که معلم قبل از اجرای فعالیت‌های آموزشی، با توجه به اهداف تعیین شده، نحوه ارزشیابی و چگونگی سنجش تحقق هدفهای آموزشی را تحلیل و تعیین نماید.



با توجه به تأثیر مثبتی که ارزشیابی بر روی یادگیری دانش‌آموزان در سطوح مختلف حیطه شناختی دارد، معلم باید فنون و روش‌هایی را به کارگیرد که بتواند سوال‌های اثربخش و مناسبی طرح کند. همچنین با ارزیابی پاسخهای دانش‌آموزان می‌توان نکات ضعف یادگیری دانش‌آموزان را شناخت و بر اساس این نکات، فعالیت‌های تکمیلی خارج از کلاس را به آنها ارائه داد.

\*در مجموع سؤالهای ارزشیابی باید دارای ویژگیهای کلی زیر باشند:

(۱) متناسب با اهداف، محتوا، فعالیت‌های آموزشی و توان علمی فراگیران باشند.

(۲) واضح و روشن بوده و در آنها از واژگان معمول استفاده شود.

(۳) در دانش‌آموزان احساس اعتماد به نفس و موفقیت را برانگیزد تا با انگیزه بیشتر به مطالعات و

فعالیت‌های یادگیری بپردازند.

(۴) محرکی برای اندیشیدن و یادگیری و جلب توجه فراگیران به سوی نکات اصلی درس باشند.

(۵) به ویژه در سؤالات شفاهی بین دانش‌آموزان و معلم ارتباط برقرار کند.

(۶) زمان مناسب برای پاسخگویی - به تناسب سطح سؤالات - منظور گردد.



## خلاصه فصل

پس از تعیین اهداف ورودی و نهایی (مبدأ و مقصد آموزش) و تحلیل موقعیتهای آموزشی، معلم باید به تحلیل، انتخاب یا تنظیم محتوای آموزشی بپردازد. این محتوا باید به روز و کاملاً متناسب با اهداف آموزشی و سطح مخاطبان و تعداد ساعات و جلسات آموزشی تنظیم شود. برای انتخاب محتوا ضروری است موارد زیر مورد توجه جدی قرار گیرند:

- ۱- تطابق کامل محتوا با اهداف آموزشی
  - ۲- مختصر و مفید بودن و فصل بندی مناسب
  - ۳- تناسب با شرایط مخاطبان و طول دوره
  - ۴- مستند و به روز بودن.
  - ۵- روان و ساده فهم بودن
  - ۶- قابل تهیه و مناسب بودن از نظر قیمت.
  - ۷- آموزشی بودن و ارائه تمرینات و خودآزمایی های مناسب و مکفی برای دروس.
- محتوای آموزشی بدون انتخاب روش تدریس مناسب آن، ناقص بوده و قطعاً اثربخش نخواهد بود. از این رو انتخاب روش تدریس مناسب، یکی از عناصر و عوامل اصلی طراحی به شمار می رود. باید توجه داشت اگر روش های تدریس منتخب، مناسب باشند ولی معلم از نظر توانایی های جسمی یا شناختی و مهارتی، توان لازم را برای اجرای آن روش دارا نباشد، نه تنها هیچ نتیجه ای حاصل نخواهد شد بلکه بالعکس موجب دلزدگی شاگردان از درس نیز خواهد شد. پس معلم باید هم به تناسب روش تدریس با درس مورد نظر توجه کند و هم به توانایی های بالقوه خود جهت اجرای موفق آن روش.

وسایل آموزشی به مجموعه امکاناتی اطلاق می شوند که می توانند کارایی فرآیند آموزش و شرایط یادگیری را بالاتر برده، موجب یادگیری سریعتر، بهتر و پایدارتر گردند. وسایل آموزشی می تواند از وسایل بسیار ابتدایی مثل کاغذ و قلم گرفته تا لابراتوارهای تخصصی و سیستم های پیشرفته رایانه ای را دربر گیرد. در رویکردی عام تر می توان عنوان کرد حتی معلم، کتاب درسی، محیط آموزشی و سایر امکانات کلاسی که نقش تسهیل کننده یادگیری را برای فراگیر ایفا می کنند به نوعی جزء وسایل آموزشی محسوب می شوند.

مهمترین معیارها و ضوابطی که در انتخاب و به کارگیری وسایل آموزشی مؤثرند عبارتند از:

۱. هدف های رفتاری
۲. کیفیت فنی
۳. قابلیت دسترسی
۴. سادگی و سهولت کاربرد
۵. انعطاف پذیری
۶. سطح فرهنگی
۷. هزینه



انتخاب نوع محتوا، روش و وسیله در فرآیند آموزش، همواره تجویزی است و هیچ گونه دستورالعمل تحکمی را نمی‌توان در این مورد صادر کرد.

لازم است دانش آموزان از ابتدا معیارها و امکاناتی را که به وسیله معلم در فرآیند ارزشیابی و نمره دادن به کار گرفته می‌شود را بدانند. ترسهایی که دانش آموزان در فرآیند ارزشیابی دارند به علت عدم آگاهی آنها از معیارها و نحوه ارزشیابی معلمان است. با توجه به تأثیر مثبتی که ارزشیابی بر روی یادگیری دانش آموزان در سطوح مختلف حیطه شناختی دارد، معلم باید فنون و روش‌هایی را به کارگیرد که بتواند سؤالهای اثربخش و مناسبی طرح کند. همچنین با ارزیابی پاسخهای دانش آموزان می‌توان نکات ضعف یادگیری دانش آموزان را شناخت و بر اساس این نکات، فعالیت‌های تکمیلی خارج از کلاس را به آنها ارائه داد.

در مجموع سؤال‌های ارزشیابی باید دارای ویژگی‌های کلی زیر باشند:

- (۱) متناسب با اهداف، محتوا، فعالیت‌های آموزشی و توان علمی فراگیران باشد.
- (۲) واضح و روشن بوده و در آنها از واژگان معمول استفاده شود.
- (۳) در دانش آموزان احساس اعتماد به نفس و موفقیت را برانگیزد تا با انگیزه بیشتر به مطالعات و فعالیت‌های یادگیری بپردازند.

(۴) محرکی برای اندیشیدن، یادگیری و جلب توجه فراگیر به سوی نکات اصلی درس باشد.

(۵) به ویژه در سوالات شفاهی بین دانش آموزان و معلم ارتباط برقرار کند.

(۶) زمان مناسب برای پاسخگویی - به تناسب سطح سوالات - منظور گردد.

### بهبود آزمای فصل ششم

۱. محتوا حلقه واسط بین چه اهدافی است؟
۲. معیارهای انتخاب محتوای آموزشی کدامند؟
۳. در انتخاب روش تدریس چه معیارهایی موثرند؟
۴. منظور از وسایل آموزشی چیست؟
۵. معیارهای انتخاب وسایل آموزشی را نام برده، به اختصار توضیح دهید.
۶. سؤال‌های ارزشیابی باید دارای چه ویژگی‌های کلی باشند؟



## فصل هفتم: الگوی تدریس و طراحی فعالیتهای آموزشی

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- تعریف و چارچوب تدریس را بیان کند.
- طراحی یا برنامه ریزی آموزشی را توضیح دهد.
- مفهوم الگوی تدریس را بیان کند.
- اهم الگوهای تدریس را نامبرده، هر یک را به اجمال توصیف نماید.
- پنج مرحله الگوی عمومی تدریس را بیان کند.
- مراحل سه گانه فعالیتهای آموزشی معلم را نام ببرد.
- فعالیتهای پیش از تدریس را توضیح دهد.
- فعالیتهای حین تدریس را ذکر کند.
- فعالیتهای پس از تدریس را بیان نماید.
- انواع آزمون‌ها را نامبرده، توضیح دهد.

### تدریس<sup>۲۴</sup> چیست؟

نقش عمده تدریس، پدید آوردن یادگیرندگان قدرتمند است. معلمان موفق به شاگردان خود نحوه ذخیره‌سازی اطلاعات به دست آمده از آموزه‌ها، مشاهدات و صحبت‌ها و از آن خود ساختن آنها را آموزش می‌دهند.<sup>۲۵</sup> تعریف‌های مختلفی برای تدریس، بیان شده است. برخی تدریس را «چرخه ارتباطی و محرک اصلی مثلث معلم، فراگیر و محتوای آموزشی» و بعضی آن را «شیوه معلم، برای رساندن دانش‌آموز به اهداف آموزشی در کلاس درس» تعریف کرده‌اند، اما اغلب آموزشگران، تدریس را «تسهیل‌سازی یادگیری فراگیران از طریق فراهم آوردن شرایط و فرصتهای بهتر برای درک

---

۲۴. Teaching.

۲۵. جویس، بروس - الگوهای تدریس ۲۰۰۴: ص ۳۲.



محتوای آموزشی «توصیف نموده‌اند. بروس جویس در ابتدای فصل اول کتاب الگوی تدریس ۲۰۰۴، تعریف زیبایی را برای تدریس به نقل از «امیلی کالهن» - از دیگر مؤلفان کتاب- بدین شکل ارائه داده است: «تدریس واقعی، آموزش نحوه یادگیری به شاگردان است.»

تعاریف گوناگونی برای تدریس ارائه شده است اما کامل‌ترین آنها تعریفی است که در فصل دوم برای آموزش کلاسی ارائه شد و آن عبارتست از: «فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری، از سوی آموزگار طرح‌ریزی و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل و هدفمند، جریان می‌یابد.»

عوامل اصلی چنین فعالیتی عبارتند از طراحی، اجرا و ارزشیابی. طراحی، پایه و اساس اصلی این فرآیند است که دو عامل دیگر یعنی اجرا و ارزشیابی بر آن استوار هستند و تحقق مطلوب آنها وابسته به کیفیت طراحی آموزشی است.

### برنامه ریزی آموزشی چیست؟

در کتب مختلف برای برنامه‌ریزی یا طراحی آموزشی، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. اما مفهومی که از مجموع آنها حاصل می‌شود گویای این مطلب است که برنامه‌ریزی آموزشی در واقع تفکر قبل از عمل و تهیه برنامه و الگوی آموزشی جامعی برای هدایت فراگیر از وضع موجود به وضع مطلوب آموزشی است.

نقش برنامه ریزی آموزشی همانند تهیه نقشه مهندسی برای ساختمان است و همانگونه که پیش از ساخت یک ساختمان، پیش‌بینی و طراحی شکل و ویژگی‌های کلی و جزئی ساختمان اعم از فونداسیون، زیربنای طبقات، تعداد و متراژ اتاق‌ها، نوع مصالح و... در قالب نقشه و ضوابط آن ضرورتی انکارناپذیر است، تهیه برنامه جامع آموزشی مشتمل بر تعیین خصوصیات و رفتارهای ورودی و خروجی فراگیران، امکانات، سرفصلها و فرایندهای آموزشی، شیوه‌های تدریس متنوع، متناسب و مؤثر و... برای نیل به اهداف آموزشی نیز امری الزامی و ضروری است. البته برنامه ریزی باید منعطف بوده و در طول زمان اجرا، متناسب با رویدادهای کلاسی و نیاز فراگیران، قابل تغییر و تحول باشد.

طراحی آموزشی، برای سیستم‌های کلان آموزشی از سوی دولت و دستگاه‌های سیاستگذار امور آموزشی کشور صورت می‌گیرد ولی طراحی آموزشی، در سطح دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی عمده‌تاً



به عهده مجریان و به ویژه معلمان آنها است. دقت و جامعیت طراحی آموزشی توسط معلم و توجه به ساخت‌های شناختی فراگیران و عوامل مؤثر در یادگیری ایشان، تدریس را کاراتر و اثربخش تر خواهد نمود. برای طراحی آموزشی می‌توان از الگوهای مختلف ارائه شده توسط دانشمندان روانشناسی تربیتی و متخصصین تکنولوژی آموزشی استفاده کرد. در ادامه به منتخبی از معروف‌ترین و متداول‌ترین الگوهای تدریس اشاره می‌شود.

## الگوی تدریس<sup>۲۶</sup>

هدف از طراحی آموزشی، فراهم کردن امکانات یادگیری است؛ زیرا انتخاب فعالیت‌های یادگیری مؤثر و مناسب، عامل مهمی در فرآیند طراحی یک درس محسوب می‌شود. قبل از شروع آموزش، معلم باید همه چیز را پیش بینی و آماده کند و برنامه خود را بنویسد؛ اما با توجه به اینکه فرآیند تدریس، هیچ‌گاه نمی‌تواند کامل باشد، برنامه‌های طراحی شده باید انعطاف‌پذیر، مرتب و به‌روز گردند. یک برنامه آموزشی خوب باید به‌نحوی نوشته شود که دستیابی به قابلیت و صلاحیت مورد نظر را تضمین کند. در فرآیند طراحی می‌توان از الگوهای مختلف استفاده کرد.

الگو، معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء بزرگ یا به مجموعه‌ای محدود از اشیاء بی شمار گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد. الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. تدریس یک فرآیند است و عوامل بی شماری در آن نقش دارند که همه آنها قابل مطالعه و کنترل نیستند پس معلم باید چارچوبی کوچک و محدود از فرآیند تدریس را به عنوان الگو انتخاب کند و مورد تحلیل و شناسایی قرار دهد تا بتواند در موقعیت مناسب در محدوده آن چهارچوب، فعالیت‌های آموزشی خود را سازماندهی و روش‌های مناسب تدریس را انتخاب کند. انتخاب یک الگوی تدریس، بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرش‌های تعلیم و تربیت خواهد داشت.

صاحب‌نظران، الگوهای تدریس متعددی را ارائه داده‌اند که به اختصار به ۵ نمونه از معروف‌ترین آنها اشاره می‌شود:



۱- الگوی ماشین نگری یا الگوی معلم مداری: این الگو یک الگوی آموزشی قدیمی است. در این الگو به شاگرد به عنوان موجودی تهی و غیر فعال نگریسته می‌شود. محور فعالیت در این الگو شکل‌دادن به رفتار شاگرد بر اساس قالب‌های از پیش تعیین شده است.

۲- الگوی سازمانی نگر: این الگو برخلاف الگوی قبل، شاگرد را ذاتاً فعال می‌داند و به همین دلیل در فرآیند آموزش توجه به توانایی‌های شاگرد از اهمیت خاصی برخوردار است.

۳- الگوی پیش‌سازمان دهنده: توجه در این الگو، بیشتر معطوف به فعالیت معلم در فرآیند آموزش است. معلم است که محیط آموزشی را سازماندهی می‌کند و اوست که قبل از شروع مباحث درسی جدید، سعی می‌کند با مطرح کردن یک مفهوم کلی (پیش‌سازمان دهنده)، ارتباط بین مفاهیم جدید را با ساخت شناختی شاگرد - یعنی مجموع اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه درس خاصی در ذهن فرد به وجود آمده - فراهم کند. چون در این الگوی تدریس مفاهیم جدید آموزشی ریشه در مفاهیم گذشته فرد دارد و بر اساس آن بنا می‌شود و با این الگو بین آنها ارتباط ایجاد می‌شود لذا به این نوع یادگیری، «یادگیری معنادار» می‌گویند. از ویژگی‌های این الگو می‌توان یک سویه بودن انتقال اطلاعات، عدم روابط میان گروهی بین شاگردان و محدود بودن شرایط و منابع در حد مدرسه و کتاب درسی اشاره کرد.

۴- الگوی حل مسئله: این الگو شاگرد محور است و اطلاعات علمی مستقیماً به او انتقال داده نمی‌شود. معلم با طرح مسئله، شاگرد را به فعالیت وادار کرده، او را در جهت حل مسئله راهنمایی می‌کند. هرچند این الگو از الگوهای جدید و دارای محاسنی همچون وجود روابط میان گروهی بین شاگردان، انتقال دوسویه اطلاعات (بین معلم و شاگرد) و عدم محدودیت شرایط و منابع آموزشی به کلاس و کتاب درس می‌باشد، با این وجود برای آموزش تمامی دروس قابل استفاده نیست.

۵- الگوی عمومی تدریس: این الگو، الگوی ساده و قابل اجرا در تمامی سطوح و مراحل مختلف آموزشی است. از این رو آن را می‌توان بهترین و کاربردی‌ترین الگو برای آموزش تمامی دروس و تمامی معلمان، به‌ویژه معلمان کم‌تجربه دانست. لذا جهت استفاده بیشتر معلمان عزیز، ضمن معرفی کلیات این الگو، در فصل‌های آینده هر یک از مراحل و مهارت‌های لازم آن به تفصیل توضیح داده می‌شود.



## الگوی عمومی تدریس<sup>۲۷</sup>

معروفترین الگو برای تدریس، الگوی عمومی تدریس است. این الگو نخستین بار توسط "رابرت گلنر" در سال ۱۹۶۱ میلادی مطرح شد و بعدها افراد دیگری همچون "راجر رابینسون" در سال ۱۹۷۱ میلادی تغییراتی در آن به وجود آوردند. این الگو در عین سادگی، فرآیند تدریس را به خوبی توصیف کرده و در تمام سطوح آموزش و پرورش و همه دروس قابل اجراست، به همین دلیل این الگو را، "الگوی عمومی تدریس" نامیده‌اند. از دیگر ویژگیهای مهم این الگو، قابل استفاده بودن آن در تمامی فرآیند آموزش از جمله طراحی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح مراحل تدریس، می‌باشد.

\* در این الگو فرآیند تدریس به ۵ مرحله تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱- تعیین هدفهای تدریس و هدفهای رفتاری: معلم باید پیش از آغاز تدریس، براساس انتظاراتی که در پایان درس از فراگیر دارد، هدفهای تدریس خود را به صورت عینی و قابل اندازه‌گیری تعریف و مشخص کند. به عبارت دیگر، اطلاعات، مفاهیم، اصول و سایر مطالب و محتوای درس باید به صورت هدفهای کاملاً صریح و روشن بیان شده باشد.

۲- تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی: در این مرحله، پیش از آغاز تدریس و بعد از تعیین هدفهای رفتاری، معلم باید به تعیین رفتار ورودی مورد نیاز برای یادگیری هدفهای رفتاری اقدام کند و از طریق طراحی ارزشیابی تشخیصی مناسب، توانایی‌های مورد انتظار فراگیران را برای آموختن هدفهای رفتاری معین سازد. این مرحله همان مرحله تعیین آمادگی فراگیران است، اما به صورت دقیق و عینی. اصطلاح رفتار ورودی در اینجا منعکس کننده تمامی یادگیری‌های گذشته فراگیران، توانایی‌های عقلی، وضع انگیزشی و برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در یادگیری و میزان رشد آنان است.

۳- تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس: در این مرحله معلم باید شیوه‌ها و وسایل تدریس خود را با توجه به مفاهیم درس و شرایط و امکانات و ویژگی‌های فراگیران انتخاب کند. او می‌تواند با آگاهی از شرایط و موقعیت آموزشی، یک یا چند روش از روش‌های تدریس مانند روش سخنرانی، روش آزمایشی، روش ایفای نقش و... را انتخاب و وسایل تدریس را نیز با توجه به موضوع درس، شرایط موجود و ویژگیهای فراگیران برگزیند.



۴- سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی: معلم باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، از زمان و امکانات موجود حداکثر استفاده را در امر تدریس و تحقق اهداف آموزشی ببرد. او نخست باید خود را برای تدریس آماده کند و سپس به آماده کردن کلاس و محیط آموزشی بپردازد. همچنین او باید تجارب لازم را برای فعالیتهای آموزشی کسب کرده و فراگیران را برای کسب چنین تجربی هدایت نماید.

۵- سنجش و ارزشیابی عملکرد: معلم در این مرحله علاوه بر ارزشیابی‌های معمولی می‌تواند عملکرد شاگردان را در موقعیتهای متعدد، مانند انجام دادن پروژه، شرکت در فعالیتهای آموزشی و ... را ارزیابی کند و در صورت عدم موفقیت با توجه به نتایج ارزشیابی به ترمیم و اصلاح مراحل قبلی الگو اقدام نماید.<sup>۲۸</sup>

### مراحل فعالیتهای آموزشی

با توجه به الگوی عمومی تدریس درمی‌یابیم که فعالیتهای آموزشی معلم منحصر به کلاس درس نبوده و در واقع این فعالیت‌ها پیش از آغاز دوره و پیش از ورود به کلاس و تدریس در آن، شروع می‌شود و پس از انجام تدریس‌های کلاسی و برگزاری ارزشیابی پایان دوره به انتها می‌رسد. در واقع از زمانی که معلم، مسئولیتش در قبال تدریس در دوره مشخص گشت تا زمان اتمام دوره، او سه مرحله اصلی فعالیت باید انجام دهد که این مراحل عبارتند از:

مرحله اول: فعالیتهای پیش از تدریس (پیش از آغاز دوره و شروع فرآیند تدریس)

مرحله دوم: فعالیتهای حین تدریس (پس از آغاز دوره و در کلاس)

مرحله سوم: فعالیتهای پس از تدریس (در کلاس و پس از پایان دوره)

اکنون مجموعه فعالیتهای هر مرحله به اختصار بیان می‌گردد.

**مرحله اول: فعالیتهای پیش از تدریس** (پیش از آغاز دوره و شروع فرآیند تدریس)

معلم در این مرحله باید پیش از آغاز رسمی تدریس و حضور در کلاس، ابتدا از آمادگی فردی خود جهت تدریس اطمینان حاصل نموده، نقائص و ضعفهای احتمالی را مرتفع سازد و سپس تمامی



مقدمات لازم برای شروع کلاس و تدریس موفق را، در قالب برنامه ریزی آموزشی و تدوین طرح درس پیش‌بینی نماید.

\* مجموعه فعالیت‌های ذیل این مرحله که در قالب برنامه ریزی آموزشی و تدوین طرح درس انجام می‌شود عبارتند از:

- ۱-۱- کسب آمادگی‌های فردی لازم از سوی معلم، جهت تدریس و رفع نقائص و ضعف‌های احتمالی
- ۱-۲- تحلیل دقیق اهداف آموزشی نهایی (اعم از کلی، جزئی، رفتاری و عملیاتی) و تعیین حیطه‌های اهداف رفتاری (اعم از عاطفی، شناختی و روانی- حرکتی)
- ۱-۳- تعیین اهداف ورودی و ویژگی‌های ورودی فراگیران
- ۱-۴- طراحی نحوه سنجش آغازین
- ۱-۵- تعیین روش‌های تدریس مناسب و متناسب با درس و مخاطبان
- ۱-۶- تعیین و تدارک وسایل و منابع آموزشی
- ۱-۷- پیش‌بینی روش‌های ارزشیابی مناسب و متناسب برای انجام ارزشیابی‌های مرحله‌ای کلاسی (تکوینی) و ارزشیابی جامع پایانی

\* بسیاری از فعالیت‌های این مرحله در فصول سوم تا ششم کتاب توضیح داده شده است و تشریح انواع روش‌های تدریس و چگونگی تدوین طرح درس در فصول بعد خواهد آمد.

#### مرحله دوم: فعالیتهای حین تدریس (پس از آغاز دوره و در کلاس)

معلم در این مرحله رسماً فرآیند آموزش موضوع درسی را بر مبنای اهداف دوره و برنامه‌ریزی‌های انجام شده با ورود به کلاس در اولین جلسه آموزشی آغاز و آن را تا آخرین جلسه آموزشی ادامه می‌دهد. محوریت فعالیت‌های معلم در این مرحله تدریس و آموزش محورهای درسی تعیین شده است.

\* مجموعه فعالیتهای ذیل این مرحله عبارتند از:

- ۱-۱- ایجاد ارتباط صمیمی و به دور از اضطراب با فراگیران.
- ۱-۲- انجام ارزشیابی تشخیصی و تعیین سطح ویژگیهای ورودی فراگیران.
- ۱-۳- انجام آموزش ترمیمی جهت رفع مشکلات شناختی و ابتدائی فراگیران با توجه به ارزشیابی تشخیصی.
- ۱-۴- ایجاد انگیزه و آمادگی روحی و ذهنی در فراگیران برای آشنایی با موضوع درس و ورود به درس (با استفاده از ساخت شناختی و اطلاعات پیشین فراگیران).



۵-۱- معرفی اهداف و محورهای آموزشی درس و شروع آموزش با بهره‌گیری از روش‌های فعال و متنوع تدریس از قبیل توضیحی، اکتشافی، نمایشی، ایفای نقش، بحث گروهی، آموزش فردی، آموزش برنامه‌ای، آزمون و خطا و غیره.

۶-۱- بهره‌گیری از وسایل و منابع آموزشی جهت یادگیری بهتر.

۷-۱- انجام تمرینات متنوع و مکرر فردی و گروهی در خصوص موضوع درس.

۸-۱- مشخص نمودن چارچوب آزمون‌های پایانی دوره و انجام ارزشیابی‌های مرحله‌ای کلاسی (تکوینی) پس از تدریس هر یک از محورهای آموزشی.

۹-۱- پیش‌بینی و انجام فعالیتهای متنوع گروهی و کلاسی (اعم از سوال و پاس‌خهای مکرر، مباحثه های گروهی، تمرینات گروهی و...) و پاسخگویی به سوالات.

۱۰-۱- جمع‌بندی پایانی درس و رفع اشکالات احتمالی فراگیران و ارائه تکلیف.

\* بسیاری از فعالیتهای این مرحله در فصول سوم تا ششم کتاب تبیین شده است و توضیحات تکمیلی در ادامه کتاب خواهد آمد.

#### مرحله سوم: فعالیتهای پس از تدریس (در کلاس و پس از پایان دوره)

فعالیت معلم در این مرحله معطوف به سنجش و ارزیابی سطح یادگیری فراگیران است. آزمون وسیله‌ای برای ارزیابی سطح یادگیری فراگیران و نیز میزان موفقیت تدریس و کارکرد معلم است. با این توضیح، هرچند آزمون اصلی و رسمی دوره در پایان دوره آموزشی انجام می‌شود ولی از آنجا که انجام ارزشیابی و آزمون‌ها، علاوه بر تعیین سطح یادگیری مخاطبان، نقائص یادگیری ایشان را نیز تا حدود زیادی مشخص می‌سازد از این رو ضروری است علاوه بر آزمون پایانی دوره، آزمون‌های مرحله‌ای (یا تکوینی) دیگری از سوی معلم در هر مرحله از تدریس - در جلسات آموزشی - صورت گیرد تا ضمن اینکه معلم از سطح یادگیری فراگیران و میزان موفقیتش در تدریس آگاه می‌شود، مقدمات لازم برای بازنگری معلم در شیوه‌های تدریسش و رفع مشکلات و نقائص یادگیری فراگیران مهیا گردد. از نکات مهم در طراحی و انجام ارزشیابی‌ها، لزوم مطابقت آن‌ها با اهداف آموزشی دوره و مشخص و متعارف بودن آن‌ها است.

اغلب آزمون‌های مرحله‌ای به صورت شفاهی و عملی صورت می‌گیرد. برای مستند نمودن و رسمیت بخشیدن به آزمون‌های مرحله‌ای، می‌توان در هر چند جلسه یک آزمون شفاهی رسمی و یک آزمون کتبی را نیز طراحی و اجرا نمود. البته در آموزش قرآن و به ویژه علوم و فنون قرائت و





حفظ قرآن، اصل بر برگزاری آزمون شفاهی - هم در ارزشیابی‌های مرحله‌ای و هم پایانی - است و آزمون کتبی نقش بسیار کم‌رنگی ایفا می‌کند.

\* مجموعه فعالیت‌های ذیل این مرحله عبارتند از:

۱-۱- انجام ارزشیابی‌های مرحله‌ای (تکوینی) پس از تدریس هر یک از محورهای درسی.

۱-۲- انجام ارزشیابی‌های مرحله‌ای (تکوینی) در پایان هر جلسه و اخذ آزمون‌های میان دوره رسمی پس از هر چند جلسه.

۱-۳- رفع مشکلات و نقائص آموزشی فراگیران با توجه به ارزشیابی‌های مرحله‌ای.

۱-۴- ارزیابی میزان موفقیت شیوه‌های تدریس با توجه به نتایج ارزشیابی‌های مرحله‌ای و بازنگری‌های در آنها.

۱-۵- طراحی و انجام ارزشیابی‌های جامع پایانی.

\* انواع آزمون‌ها:

آزمون‌ها با توجه به موضوع آموزش معمولاً به سه شیوه شفاهی، کتبی و عملی صورت می‌گیرند. آزمون‌های شفاهی در قالب پرسش و پاسخ‌های رو در روی معلم و فراگیر انجام می‌شود. آزمون‌های کتبی در قالب سوالات مکتوب صورت گرفته و خود انواع گوناگونی همچون (تشریحی، چند گزینه‌ای، صحیح و غلط، تطبیقی، طبقه‌بندی، شناخت وسایل و علائم، تکمیلی، درک مطلب و ...) را شامل می‌شود. آزمون‌های عملی نیز برای سنجش مهارت‌های عملی مانند اره کردن، رسم کردن، خواندن و ... استفاده می‌شود.



## خلاصه فصل

نقش عمده تدریس، پدید آوردن یادگیرندگان قدرتمند است. معلمان موفق به شاگردان خود نحوه ذخیره‌سازی اطلاعات به دست آمده از آموزه‌ها، مشاهدات و صحبت‌ها و از آن خود ساختن آنها را آموزش می‌دهند. تعاریف گوناگونی برای تدریس ارائه شده است اما کامل‌ترین آنها عبارتست از: «فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری، از سوی آموزگار طرح‌ریزی و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل و هدفمند، جریان می‌یابد.»

برنامه ریزی آموزشی در واقع تفکر قبل از عمل و تهیه برنامه و الگوی آموزشی جامعی برای هدایت فراگیر از وضع موجود به وضع مطلوب آموزشی است. نقش برنامه ریزی آموزشی همانند تهیه نقشه مهندسی برای ساختمان است. طراحی آموزشی، برای سیستم‌های کلان آموزشی از سوی دولت و دستگاه‌های سیاستگذار امور آموزشی کشور صورت می‌گیرد ولی طراحی آموزشی، در سطح دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی عمدتاً به عهده مجریان و به ویژه معلمان آنها است. در فرآیند طراحی می‌توان از الگوهای مختلف استفاده کرد. الگوی تدریس، چارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند. صاحب‌نظران، الگوهای تدریس متعددی را ارائه داده‌اند که ۵ نمونه از معروفترین آنها عبارتند از:

- ۱- الگوی ماشین‌نگری یا معلم‌مداری
- ۲- الگوی سازمانی‌نگر
- ۳- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده
- ۴- الگوی حل مسئله
- ۵- الگوی عمومی تدریس

معروف‌ترین الگو برای تدریس، الگوی عمومی تدریس است. این الگو نخستین بار توسط "رابرت گلیزر" در سال ۱۹۶۱ میلادی مطرح شد. در این الگو فرآیند تدریس به ۵ مرحله تقسیم می‌شود که عبارتند از:

- ۱- تعیین هدف‌های تدریس و هدف‌های رفتاری
- ۲- تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی
- ۳- تعیین شیوه‌ها و وسایل تدریس
- ۴- سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی



#### ۵- سنجش و ارزشیابی عملکرد

با توجه به الگوی عمومی تدریس درمی‌یابیم که فعالیتهای آموزشی معلم منحصر به کلاس درس نبوده و در واقع این فعالیت‌ها پیش از آغاز دوره و پیش از ورود به کلاس و تدریس در آن، شروع می‌شود و پس از انجام تدریس‌های کلاسی و برگزاری ارزشیابی پایان دوره به انتها می‌رسد. در واقع از زمانی که معلم، مسئولیتش در قبال تدریس در دوره مشخص شد تا زمان اتمام دوره، او سه مرحله اصلی فعالیت باید انجام دهد که این مراحل عبارتند از:

**مرحله اول: فعالیتهای پیش از تدریس (پیش از آغاز دوره و شروع فرآیند تدریس)**

**مرحله دوم: فعالیتهای حین تدریس (پس از آغاز دوره و در کلاس)**

**مرحله سوم: فعالیتهای پس از تدریس (در کلاس و پس از پایان دوره)**

معلم در مرحله اول باید پیش از آغاز رسمی تدریس و حضور در کلاس، ابتدا از آمادگی فردی خود جهت تدریس اطمینان حاصل نموده، نقائص و ضعفهای احتمالی را مرتفع سازد و سپس تمامی مقدمات لازم برای شروع کلاس و تدریس موفق را، در قالب برنامه ریزی آموزشی و تدوین طرح درس پیش‌بینی نماید.

معلم در مرحله دوم رسماً فرآیند آموزش موضوع درسی را بر مبنای اهداف دوره و برنامه‌ریزی‌های انجام شده با ورود به کلاس در اولین جلسه آموزشی آغاز و آن را تا آخرین جلسه آموزشی ادامه می‌دهد. محوریت فعالیتهای معلم در این مرحله تدریس و آموزش محورهای درسی تعیین شده است.

فعالیت معلم در مرحله سوم معطوف به سنجش و ارزیابی سطح یادگیری فراگیران است. آزمون وسیله‌ای برای ارزیابی سطح یادگیری فراگیران و نیز میزان موفقیت تدریس و کارکرد معلم است. از نکات مهم در طراحی و انجام ارزشیابی‌ها، لزوم مطابقت آنها با اهداف آموزشی دوره و مشخص و متعارف بودن آنها است.

در آموزش قرآن و به ویژه علوم و فنون قرائت و حفظ قرآن، اصل بر برگزاری آزمون شفاهی-هم در ارزشیابی‌های مرحله‌ای و هم پایانی- است و آزمون کتبی نقش بسیار کم رنگی ایفا می‌کند. آزمون‌ها با توجه به موضوع آموزش معمولاً به سه شیوه شفاهی، کتبی و عملی صورت می‌گیرند. آزمون‌های شفاهی در قالب پرسش و پاسخ‌های رو در روی معلم و فراگیر انجام می‌شود. آزمون‌های کتبی در قالب سوالات مکتوب صورت گرفته و خود انواع گوناگونی همچون (تشریحی، چند



گزینه‌ای، صحیح و غلط، تطبیقی، طبقه بندی، شناخت وسایل و علائم، تکمیلی، درک مطلب و ... )  
را شامل می‌شود. آزمون‌های عملی نیز برای سنجش مهارت‌های عملی مانند اره کردن، رسم کردن،  
خواندن و ... استفاده می‌شود.

## خودآزمایی فصل هفتم

- ۱- تدریس را تعریف کنید.
- ۲- طراحی آموزشی چیست؟ انواع آن را بیان کنید.
- ۳- ضمن تعریف الگوی تدریس، پنج نمونه از الگوهای تدریس را ذکر کنید.
- ۴- الگوی عمومی تدریس و مراحل آن را به اختصار شرح دهید.
- ۵- مراحل سه‌گانه فعالیت‌های آموزشی را به اجمال بیان کرده، ۵ فعالیت از هر یک را ذکر کنید.
- ۶- انواع آزمون‌ها را نامبرده به اختصار توضیح دهید.

## فصل هشتم: طرح درس (سالانه یا دوره‌ای و روزانه)

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- طرح درس را تعریف کند.
- مراحل تهیه و تدوین جدول طرح درس سالانه یا دوره آموزشی را به اجمال توضیح دهد.
- نمونه‌ای از جدول طرح درس سالانه یا دوره‌ای را برای یک دوره فرضی تکمیل نماید.
- مهمترین ویژگیهای طرح درس روزانه را توصیف کند.
- مراحل نگارش و تنظیم اجزای طرح درس روزانه را بیان نماید.
- نمونه‌ای از جدول طرح درس روزانه را برای یک درس فرضی تکمیل نماید.

### طرح درس

همانگونه که در فصل گذشته اشاره شد برنامه ریزی آموزشی، تفکر قبل از عمل و تهیه برنامه و الگوی آموزشی جامعی برای هدایت فراگیر از وضع موجود به وضع مطلوب آموزشی است که این برنامه در چارچوب طرح درس و فرم‌هایی که به این منظور طراحی شده یا می‌شود تدوین می‌گردد. طرح درس مشابه یک فیلمنامه که تمامی جوانب ساخت یک فیلم و وقایع و نقش بازیگران و شخصیت‌های آن را از پیش و مرحله به مرحله و لحظه به لحظه مشخص می‌نماید، تمامی اطلاعات لازم در خصوص ویژگی‌های دوره، فراگیران، محل آموزش، تعداد جلسات، موضوعات درسی و اهداف آموزشی، وسایل و منابع و شیوه‌های آموزشی و عناوین یا شرح رویدادها و فعالیتهای مورد نظر در فرآیند آموزش شامل شروع، ارائه و اتمام درس و نیز وظایف معلم و فراگیران را مشخص می‌کند. طرح درس در واقع نقشه راه و نظام نامه فعالیتهای کلاسی در جهت نیل به اهداف آموزشی در زمان تعیین شده است. طرح درس در دو قالب یکی برای کل دوره و دیگری منحصراً برای تک تک جلسات آموزشی تهیه می‌شود. طرح درس دوره‌ای یا سالانه با توجه به ماهیت آن بسیار کلی است و توزیع محورهای درسی دوره را در بین جلسات و اطلاعات کلی دوره، زمانبندی و موضوع جلسات،



عناوین روش‌ها و منابع و وسایل آموزشی را تیتروار مشخص می‌کند ولی طرح درس روزانه یا جلسه‌ای به صورت مفصل تمامی اطلاعات کلاس و جلسه و رویدادها و فعالیتهای متقابل معلم و فراگیران را شامل می‌شود.

با طراحی و تدوین دقیق طرح درسهای دوره ای و روزانه، معلم خواهد توانست به آموزش خود نظم داده و از اتمام به موقع آموزش محورهای آموزشی در جلسات تعیین شده مطمئن شود. همچنین پیشاپیش می‌تواند وسایل مورد نیاز برای آموزش هر درس را مهیا نموده، خود را نیز برای تدریس مؤثر آن درس آماده نماید. همچنین معلم می‌تواند با ارائه طرح درس دوره به شاگردان ایشان را به نظام‌مند بودن کلاس امیدوار نموده، آنها را برای انجام مطالعات پیش از کلاس آماده نماید. در ادامه به ترتیب به چگونگی تهیه و تدوین طرح درسهای سالانه یا دوره‌ای و روزانه یا جلسه‌ای اشاره می‌شود.

### مراحل تهیه و تدوین جدول طرح درس سالانه یا دوره آموزشی

برای تهیه یک طرح درس سالانه یا دوره‌ای برای یک درس خاص باید مراحل زیر به ترتیب به اجرا درآید.

#### (۱) پیش‌بینی تقویم زمانی جلسات دوره

تقویم طرح درس سال تحصیلی یا دوره ای را باید با محاسبه تعداد هفته‌ها و ایام برگزاری جلسات که در طول سال تحصیلی برای تدریس درس مورد نظر پیش‌بینی شده است محاسبه و تنظیم کرد. در تنظیم جلسات باید، تعطیلی‌های رسمی احتمالی در روزهای برگزاری جلسات مورد توجه قرار گیرد. همچنین حداقل سه جلسه در طول دوره برای مرور و رفع اشکال فراگیران و آزمون میان دوره و جبران عقب افتادگی‌های احتمالی درسی در نظر گرفته شود.

#### (۲) توزیع موضوعات و محورهای درسی بین جلسات

پس از مشخص شدن تعداد و زمان دقیق جلسات تدریس، باید موضوعات و محورهای درسی برحسب تقدم و تأخر منطقی و متناسب با هدفهای آموزشی و منبع یا منابع آموزشی تعیین شده، بین کل ساعات و جلسات آموزشی تقسیم شده و حتی المقدور شماره صفحات منبع آموزشی نیز درج گردد. لازم است پیش از توزیع محتوا و موضوعات بین جلسات، ابتدا جلساتی برای مرور و جبران عقب افتادگیهای احتمالی دروس و رفع اشکالات و اخذ آزمون یا آزمونهای میان دوره و آزمون پایان



دوره مشخص شده و این جلسات از مجموع جلسات کسر شده و سپس محتوا با توجه به زمان لازم برای تدریس و تمرین آنها، بین دیگر جلسات توزیع شود.

### ۳) تعیین هدف آموزشی هر جلسه

با توجه به هدف کلی کل دوره و موضوعات و محورهای درسی تعیین شده برای هر جلسه، باید هدف‌های کلی آموزشی هر جلسه مشخص شود. تفصیل این اهداف در طرح درس‌های روزانه انجام خواهد شد.

### ۴) پیش‌بینی روش‌های تدریس متنوع و متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی

پس از تعیین موضوعات و اهداف آموزشی هر جلسه لازم است عناوین روش‌های تدریس مناسب و متناسب با سطح مخاطبان و موضوعات و اهداف آموزشی هر جلسه، در جدول طرح درس دوره درج گردد. در فصل آینده به اهم روش‌های تدریس به اجمال اشاره خواهد شد.

### ۵) پیش‌بینی وسایل آموزشی متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی

با توجه به وجود وسایل آموزشی مفید و فناوری‌های نوین آموزشی و تأثیرگذاری آنها در جذب بیشتر و ارتقاء سطح یادگیری مخاطبان، ضروری است معلمان در کنار بهره‌گیری از امکانات سنتی و روش‌های معمول آموزش، نسبت به پیش‌بینی استفاده از وسایل آموزشی موجود و حتی طراحی و بکارگیری وسایل ابداعی همت گمارند. با این توضیح ضروری است در جدول طرح درس به وسایل آموزشی قابل استفاده نیز اشاره شود.

### ۶) پیش‌بینی فعالیت‌های تکمیلی آموزشی متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی

منظور از فعالیت‌های تکمیلی، فعالیت‌هایی است که در کنار فعالیت‌های معمول آموزشی موجب افزایش علاقه و ارتقاء کیفی آموزشها می‌شود و کلاس را از روال عادی و خسته کننده خارج می‌سازد. الگوی شماره یک، طرح درس سالانه یا دوره‌ای را در یک جدول زمان‌بندی شده نشان می‌دهد.



### الگوی شماره (۱) - نمونه جدول طرح درس سالانه یا دوره‌ای

سال تحصیلی: ..... نام مرکز آموزشی: ..... نام معلم: .....

نام کتاب درسی: ..... نام درس: ..... موضوع درس: .....

تعداد فراگیران: ..... مدت تدریس: ..... پایه و مقطع آموزشی: .....

هدف نهایی دوره: ..... شماره طرح درس: .....

ماه	هفته	تاریخ	جلسه	فصل	موضوع درس	هدف کلی درس	فعالیت تکمیلی
...	اول		۱				
			۲				
	دوم		۳				
		۴					
...	سوم		۵				
			۶				
	چهارم		۷				
			۸				
...	پنجم		۹				
			۱۰				
	ششم		۱۱				
			۱۲				
...	هفتم		۱۳				
			۱۴				
	هشتم		۱۵				
			۱۶				
...	نهم		۱۷				
			۱۸				





## روش نگارش و تنظیم طرح درس روزانه

همانگونه که اشاره شد طرح درس روزانه یا جلسه‌ای، طرح درسی است که به صورت مفصل تمامی اطلاعات کلاس و جلسه و رویدادها و فعالیت‌های متقابل معلم و فراگیران را برای یک جلسه آموزشی معین همانند یک فیلمنامه بیان می‌دارد. معلم با طراحی و تدوین طرح درس‌های روزانه، خواهد توانست به آموزش خود نظم داده و از انجام به موقع آموزش‌ها در جلسات تعیین شده مطمئن شده، پیشاپیش وسایل مورد نیاز برای آموزش هر درس را مهیا و خود را نیز برای تدریس موثر آن درس آماده نماید. ارائه طرح درس دوره به شاگردان، آنها را برای انجام مطالعات پیش از حضور در کلاس آماده نماید.

\* طرح درس روزانه، دارای دو بخش کلی است.

بخش اول، شامل اطلاعات کلی دوره مشتمل بر ویژگی‌های دوره، فراگیران، محل آموزش، تعداد جلسات، موضوعات درسی و اهداف آموزشی، وسایل و منابع و شیوه‌های آموزشی و دیگر عناوین اصلی است.

بخش دوم، شامل اطلاعات فرآیند آموزش مشتمل بر چگونگی ایجاد ارتباط با مخاطبان، آداب شروع کلاس، انجام ارزشیابی تشخیصی، محورهای درسی و فرآیند انگیزه سازی و شیوه‌های تدریس آنها، اجرای تمرینات متنوع، فعالیت‌های تکمیلی و ارزشیابی‌های تکوینی و پایان کلاس و نیز وظایف متقابل معلم و فراگیران می‌باشد.

## مراحل نگارش و تنظیم اجزای طرح درس روزانه (جلسه)

همانگونه که اشاره شد طرح درس روزانه دارای دو بخش اطلاعات کلی و اطلاعات فرآیند آموزش می‌باشد که هر یک از بخش‌های آن نیز دارای اجزائی است که عناوین و توضیحات ضروری هر یک از این موارد در ادامه ارائه می‌گردد.

الف) بخش اول طرح درس روزانه: اطلاعات کلی

اجزاء بخش اطلاعات کلی طرح درس روزانه عبارت از موارد زیر است:

- |                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| ۱- موضوع درس               | ۴- اهداف کلی و رفتاری جلسه |
| ۲- منبع آموزشی و صفحات درس | ۵- روش‌های تدریس مناسب     |
| ۳- شماره و مدت جلسه        | ۶- وسایل آموزشی            |



- |                    |                              |
|--------------------|------------------------------|
| ۷- شماره طرح درس   | ۱۰- جنسیت و تعداد فراگیران   |
| ۸- نام مرکز آموزشی | ۱۱- سطح سنی و تحصیلی مخاطبان |
| ۹- نام معلم        | ۱۲- سال تحصیلی               |

ب) بخش دوم طرح درس روزانه: اطلاعات فرآیند آموزش

اجزاء بخش اطلاعات فرآیند آموزش طرح درس روزانه عبارت از موارد زیر است:

#### ۱- آداب شروع کلاس

اولین چیزی که در این بخش از جدول طرح درس روزانه درج می‌شود، مشتمل بر عناوین کلی فعالیت‌های معطوف بر آداب شروع کلاس بوده و عبارتند از:

ذکر و نوشتن بسم الله ... / سلام و احوال پرسی / ذکر حدیث، آیه و پند اخلاقی و تربیتی کوتاه / ایجاد ارتباط روحی و عاطفی با فراگیران از طریق گفتگوهای صمیمی و توجه دیداری به همه فراگیران و احترام متقابل به ایشان / حضور و غیاب / بازیابی تکالیف / ...

#### ۲- تعیین و نگارش اهداف ورودی و ارزشیابی تشخیصی

پس از انجام فعالیت‌های مقدماتی و آداب شروع درس، معلم باید از فراگیری دروس پیشین و به ویژه آموزش‌ها و مهارت‌های پیش نیاز درس جدید، توسط فراگیران اطمینان حاصل کند. از این رو ضروری است اهداف ورودی یا رفتارهای ورودی مورد انتظار فراگیران را پیش بینی و در این بخش از جدول طرح درس بنویسد و سپس بر مبنای این اهداف، نوع و چگونگی اجرای ارزشیابی‌های متناسب با آن اهداف را طراحی و در جدول درج نماید.

برای مثال، در قسمت هدف ورودی درس فتحه (برای فارسی زبانان با سواد)، باید توانایی خواندن کلمات دارای فتحه در فارسی و شناخت حروف الفبا و علامت فتحه در فارسی درج گردد.

#### ۳- پیش بینی طرق آماده سازی و انگیزش برای ورود به درس

آماده سازی فعالیتی است که بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای فراگیران با هدف‌های آموزشی کلاس ارتباط برقرار کند. معلم پیش از ارائه درس جدید باید فراگیران را از طرق مختلف به فراگیری درس علاقمند نموده، با ایجاد ارتباط دانسته های قبلی به درس جدید او را برای یادگیری سهل تر و سریعتر آماده نماید. آگاه نمودن فراگیر به حساسیت درس مورد نظر و دلایل فراگیری آن و نیز یادآوری موضوعات پیش دانسته مرتبط با درس جدید، به همراه معطوف کردن توجه فراگیران به



اشتراکات و افتراقات دروس قدیم و جدید، تاثیر بسزایی در پذیرش و یادگیری سریع درس خواهد داشت.

هدف از آماده سازی، تمرکز بخشی حواس فراگیران، معرفی ضمنی غیرمستقیم موضوع درس، ایجاد علاقه و انگیزه و در نتیجه آسان سازی یادگیری با استفاده از اطلاعات مرتبط قبلی فراگیران است. با این توضیح یکی از بخشهای جدول طرح درس به این مهم اختصاص یافته و معلم باید با مطالعه دقیق و کشف نقاط مشترک آموزشی بین دانسته های پیشین فراگیران با درس جدید، مقدمه ای را جهت تمرکز بخشی حواس مخاطبان به درس و پس از آن روشی را برای آماده سازی و انگیزش ایشان طراحی و در این بخش از جدول طرح درس یادداشت کند.

برای مثال، در قسمت آماده سازی و انگیزش برای ورود به درس فتحه (برای فارسی زبانان با سواد)، می‌توان یادآوری کلمات فارسی دارای فتحه و سپس یادآوری شکل فتحه در فارسی و مشابهت دادن آن به فتحه عربی و تعمیم آن به روخوانی قرآن و کلمات قرآنی را درج کرد.

#### ۴- درج عنوان درس و معرفی محورها و هدف‌های کلی، جزئی و رفتاری درس

پس از آشنایی اجمالی فراگیران به درس و ایجاد آمادگی در ایشان، معلم باید عنوان اصلی و عناوین احتمالی درس را پای تخته، نوشته و ایشان را از مجموعه محورها و اهداف کلی، جزئی و رفتاری درس مورد نظر آگاه نماید. لذا لازم است با توجه به موضوع اصلی تعیین شده برای جلسه ای که جدول طرح درس آن نگاشته می شود، محورها و اهداف کلی، جزئی و رفتاری آن مشخص و در این قسمت از جدول درج گردد.

برای مثال، در قسمت درج عنوان درس و معرفی محورها و هدف‌های کلی، جزئی و رفتاری درس فتحه، باید عنوان درس: فتحه - ؛ محورها: آشنایی با شکل، جایگاه، اسم و تلفظ فتحه، یک بخش بودن، اصطلاح «مفتوح» برای حرف دارای فتحه، صحیح خوانی حروف و کلمات دارای فتحه، ضربخوانی و کلمه‌خوانی کلمات دارای فتحه؛ هدف کلی: شناخت و تلفظ صحیح فتحه و کلمات دارای فتحه؛ اهداف جزئی: مشابه محورها ؛ اهداف رفتاری: پس از اتمام جلسه انتظار می‌رود قرآن آموز بتواند فتحه را به صورت تکی و یا با هر یک از حروف و در قالب کلمات و جملات قرآنی تشخیص داده و به درستی با رعایت کشش صحیح و به صورت شمرده بخواند.



### ۵- نگارش مراحل ارائه درس و اجرای تدریس

در این قسمت، باید مراحل مختلفی که برای تدریس محورهای درسی و حصول اهداف رفتاری، جزئی و کلی آموزشی- که در قسمت قبل اشاره شد- لازم است اجرا شود، طراحی و به ترتیب اولویت و اهمیت نوشته شود. این مراحل عبارتند از:

#### ۱-۵- درج شیوه‌های تدریس هر یک از محورهای آموزشی

ضروری است در طراحی و نوشتن این قسمت به ساخت شناختی مخاطبان و استفاده حداکثری از دانسته‌های گذشته ایشان برای معرفی و تدریس هر یک از محورهای درسی، توجه ویژه شود. همچنین ضروری است از شیوه‌های متنوع، فعال و نوین تدریس در طراحی فرآیند ارائه درس استفاده شده و شیوه‌ها به صورت تفصیلی با ذکر وظایف و فعالیتهای مورد انتظار معلم و فراگیران نوشته شوند.

#### ۲-۵- درج روش‌های متنوع و کارآمد تمرین و کارورزی

پیش‌بینی و درج روش‌های متنوع و کارآمد تمرین و کارورزی محورهای درسی از مهمترین و شاخص‌ترین قسمتهای تدوین طرح درس روزانه است و هر قدر این قسمت کامل‌تر و متنوع‌تر و مطابق با اهداف تعیین شده طراحی شود، موفقیت آموزشی و یادگیری فراگیران تضمین خواهد شد. در طراحی تمرینات کلاسی چند نکته بسیار مهم است.

اول: رعایت شیب صعودی از ساده به مشکل در ارائه مثالها و انجام تمرینات و کارورزی‌ها.

دوم: جامعیت و مطابقت مثالها و تمرینات با شرایط و نمونه‌های واقعی موضوع درسی.

سوم: حتی المقدور در انجام تمرینات و انجام سوالات، فرآیند چهار مرحله‌ای بدین ترتیب صورت گیرد که در زمان شروع تمرینات جمعی و فردی، ابتدا تمرین و پاسخگویی جمعی و گروهی انجام شود تا کسی دچار تنش و اضطراب نشود، سپس به صورت داوطلب از افراد درخواست انجام تمرین و پاسخگویی شود، در مرحله بعد تمرین و پاسخگویی به صورت ردیفی و یکی پس از دیگری انجام شود و در مرحله آخر به صورت گزینشی و انتخابی اجرای تمرین از نفرات مختلف خواسته شود.

چهارم: در زمینه انجام تمرینات کلاسی درس آموزش قرآن ضروری است سه نوع تمرین در تمامی جلسات اجرا شود. اول، تمرین بر مبنای مثالهای متنوع و از پیش تهیه شده توسط معلم که بر روی تخته درج می‌شود و همه حواسها را به یک نقطه مشترک و آن هم تخته و معلم معطوف می‌دارد. دوم، تمرین از روی مثالهای کتاب درسی و منبع آموزشی و سوم، تمرین از روی قطعات و



سور منتخب قرآن که موجب قرابت و انس قرآن آموز با قرآن شده و واژه‌های احتمالی او از قرائت قرآن را مرتفع خواهد نمود.

پنجم: نکته بسیار مهم دیگر در زمینه انجام تمرینات کلاسی درس آموزش روخوانی قرآن، آموزش و تمرین بخش خوانی، کلمه خوانی و روانخوانی برای فراگیری کلمات و عبارات مشکل است. همچنین توجه به تنگیم و آهنگین خواندن مثالها توسط معلم برای جمع خوانی های کلاسی در ترغیب و نشاط کلاسی شاگردان بسیار مؤثر خواهد بود.

### ۳-۵- درج نقش وسایل آموزشی

پیش بینی و درج وسایل آموزشی مناسب برای کمک به تسریع و افزایش سطح یادگیری فراگیران و تبیین دقیق نقش و نحوه استفاده از آنها در تدریس، در این قسمت نوشته می‌شود.

### ۴-۵- درج نحوه اجرای فعالیت‌های تکمیلی

معلم جهت ایجاد تنوع در روند فعالیت‌های کلاس و ترغیب بیشتر فراگیران و یا کمک به افزایش سطح آگاهی و مهارت ایشان می‌تواند فعالیت‌های ابداعی و متنوعی را پیش بینی و در این قسمت بنویسد. انجام مسابقات گروهی یا انفرادی در خصوص موضوع درس، انجام تحقیق و پژوهش، پخش فیلم آموزشی، انجام جمع خوانی قرآن یا ارائه قرائت‌های تقلیدی و اموری از این دست را می‌توان در این قسمت نوشت.

### ۶- خلاصه کردن و نتیجه گیری و ارائه تکلیف

معمولاً برخی از توضیحات معلم در زمان تدریس به علل مختلف از جانب فراگیران دریافت نمی‌شود و یا اشکالاتی برایشان پیش می‌آید که ممکن است به علت کم رویی از معلم درخواست توضیح مجدد را نکنند و گذشته از این چون معلم درس را مرحله به مرحله ارائه می‌دهد شاید بعضی از فراگیران نتوانند بدرستی کلیت درس را در ذهنشان متصور شوند، با این توضیح ضروری است معلم در این قسمت چگونگی مرور و جمع بندی درس و اشاره کلی به محورهای آموزشی را پیش بینی کند تا با اجرای آن ضمن تثبیت بیشتر درس در ذهن شاگردان، مشکلات احتمالی را نیز برطرف سازد. بهتر است خلاصه کردن و جمع بندی با مشارکت شاگردان انجام شده و عناوین محورهای اصلی نیز بر روی تخته درج گردد. همچنین به جهت حفظ فرآیند آموزش در منزل، باید تکالیفی مختصر و مفید برای انجام در منزل پیش بینی شود.



## ۷- ارزشیابی

معلم علاوه بر پیش بینی ارزشیابی تشخیصی در آغاز درس جدید برای تشخیص سطح آمادگی فراگیران، باید ارزشیابی‌های مرحله‌ای (تکوینی) و پایانی را نیز برای اجرا در حین تدریس و پایان درس طراحی و در طرح درس درج نماید. انجام این ارزشیابی‌ها برای اندازه گیری کیفیت کار معلم در تدریس و همچنین میزان پیشرفت و یادگیری فراگیران و در نتیجه رفع اشکالات مشاهده شده بسیار ضروری و مفید است. توضیح بیشتر ارزشیابی‌های مرحله ای و پایانی به قرار زیر است ...

۱- ارزشیابی مرحله‌ای (تکوینی): شامل تمامی آزمون‌ها و ارزیابی‌های معلم در حین تدریس است که پس از آموزش هر یک از محورهای اهداف جزئی آموزشی و به تناسب موارد آموزش داده شده در بین یا پایان هر جلسه برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف رفتاری اخذ می شود. این ارزیابی اغلب در دوره‌های آموزش قرآن به صورت شفاهی و آزمون قرائت عملی از آیات و عبارات منتخب طراحی و به اجرا درمی آید.

۲- ارزشیابی پایانی (آزمون اصلی): این آزمون به منظور کسب میزان تحقق اهداف آموزشی در پایان یک دوره آموزشی انجام می شود. این آزمون معمولاً به صورت ترکیبی و به صورت کتبی، شفاهی و عملی به اجرا درمی آید که البته در دوره‌های آموزش قرآن بیشترین نمره برای آزمونهای شفاهی منظور می گردد.

ارزشیابی از نتیجه تدریس، دارای ۴ مرحله است:

۱- تعیین هدف ارزشیابی

۲- انتخاب بهترین شیوه‌های سنجش و ارزشیابی که متناسب با اهداف رفتاری باشد.

۳- تجزیه و تحلیل نتایج ارزشیابی

۴- استفاده از نتایج به دست آمده، به منظور تشویق و ارتقاء مخاطبان یا بهبود کیفیت آموزش.



## الگوی شماره (۲) - نمونه جدول طرح روزانه

اطلاعات کلی کلاس		شماره طرح درس: ..... سال تحصیلی: ..... نام مرکز آموزشی: ..... نام معلم: .....					
		تعداد فراگیران: ..... پایه و مقطع آموزشی: ..... نام درس: ..... نام کتاب درسی: .....					
		مدت تدریس: ..... هدف نهایی کلاس: .....					
		عناوین درسی					
		هدف کلی آموزشی					
اطلاعات فرآیند آموزش		اهداف جزئی آموزشی					
		اهداف رفتاری آموزشی					
		فضای آموزشی					
		وسایل و رسانه‌ها					
		روش‌ها					
زمان							
اطلاعات فرآیند آموزش		آداب شروع کلاس					
		ارزشیابی تشخیصی					
		آماده سازی و انگیزش	رئوس مطالب				
			فعالیت‌های معلم و روش‌های مربوطه				
			فعالیت‌های شاگردان				
		ارائه درس به شیوه جدید	رئوس مطالب				
			فعالیت‌های معلم و روش‌های مربوطه				
			فعالیت‌های شاگردان				
		فعالیت‌های تکمیلی	رئوس مطالب جمع‌بندی				
			تمرین و کارورزی				
			فعالیت‌های جانبی				
				ارزشیابی تکوینی و پایانی			
				تعیین تکلیف			
		---	* نکات مهم و مرتبط با درس				
		---	---	---	---	---	---



## خلاصه فصل

برنامه‌ریزی آموزشی، تفکر قبل از عمل و تهیه برنامه و الگوی آموزشی جامعی برای هدایت فراگیر از وضع موجود به وضع مطلوب آموزشی است که این برنامه در چارچوب طرح درس و فرم‌هایی که به این منظور طراحی شده یا می‌شود تدوین می‌گردد. طرح درس در واقع نقشه راه و نظام نامه فعالیت‌های کلاسی در جهت نیل به اهداف آموزشی در زمان تعیین شده است. طرح درس در دو قالب یکی برای کل دوره و دیگری منحصراً برای تک تک جلسات آموزشی تهیه می‌شود. طرح درس دوره ای یا سالانه با توجه به ماهیت آن بسیار کلی است و توزیع محورهای درسی دوره را در بین جلسات و اطلاعات کلی دوره، زمان بندی و موضوع جلسات، عناوین روش‌ها و منابع و وسایل آموزشی را تیتروار مشخص می‌کند ولی طرح درس روزانه یا جلسه ای به صورت مفصل تمامی اطلاعات کلاس و جلسه و رویدادها و فعالیتهای متقابل معلم و فراگیران را شامل می‌شود. برای تهیه یک طرح درس سالانه یا دوره‌ای برای یک درس خاص باید مراحل زیر به ترتیب به اجرا درآید.

- (۱) پیش‌بینی تقویم زمانی جلسات دوره
  - (۲) توزیع موضوعات و محورهای درسی بین جلسات
  - (۳) تعیین هدف آموزشی هر جلسه
  - (۴) پیش‌بینی روش‌های تدریس متنوع و متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی
  - (۵) پیش‌بینی وسایل آموزشی متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی
  - (۶) پیش‌بینی فعالیتهای تکمیلی آموزشی متناسب با موضوعات و اهداف آموزشی
- طرح درس روزانه دارای دو بخش اطلاعات کلی و اطلاعات فرآیند آموزش می‌باشد که هر یک از بخشهای آن نیز دارای اجزائی است که عناوین هر یک از این موارد در زیر ارائه می‌گردد.
- الف) بخش اول طرح درس روزانه: اطلاعات کلی
- اجزاء بخش اطلاعات کلی طرح درس روزانه عبارت از موارد زیر است:
- ۱- موضوع درس
  - ۲- منبع آموزشی و صفحات درس
  - ۳- شماره و مدت جلسه
  - ۴- اهداف کلی و رفتاری جلسه
  - ۵- روش‌های تدریس مناسب
  - ۶- وسایل آموزشی





- |                    |                              |
|--------------------|------------------------------|
| ۷- شماره طرح درس   | ۱۰- جنسیت و تعداد فراگیران   |
| ۸- نام مرکز آموزشی | ۱۱- سطح سنی و تحصیلی مخاطبان |
| ۹- نام معلم        | ۱۲- سال تحصیلی               |

ب) بخش دوم طرح درس روزانه: اطلاعات فرآیند آموزش

اجزاء بخش اطلاعات فرآیند آموزش طرح درس روزانه عبارت از موارد زیر است:

- ۱- آداب شروع کلاس (ذکر و نوشتن بسم الله ... / سلام و احوال پرسى / ذکر حدیث، آیه و پند اخلاقی و تربیتی کوتاه / ایجاد ارتباط روحی و عاطفی با فراگیران از طریق گفتگوهای صمیمی و توجه دیداری به همه فراگیران و احترام متقابل به ایشان/ حضور و غیاب / بازیابی تکالیف / ...)
- ۲- تعیین و نگارش اهداف ورودی و ارزشیابی تشخیصی
- ۳- پیش بینی طرق آماده سازی و انگیزش برای ورود به درس
- ۴- درج عنوان درس و معرفی محورها و هدفهای کلی، جزئی و رفتاری درس
- ۵- نگارش مراحل ارائه درس و اجرای تدریس
- ۱-۵- درج شیوه های تدریس هر یک از محورهای آموزشی
- ۲-۵- درج روش های متنوع و کارآمد تمرین و کارورزی
- ۳-۵- درج نقش وسایل آموزشی
- ۴-۵- درج نحوه اجرای فعالیت های تکمیلی
- ۶- خلاصه کردن و نتیجه گیری و ارائه تکلیف
- ۷- ارزشیابی

### همخودآزمایی فصل هشتم

- ۱- منظور از طرح درس چیست؟ انواع آن را نام ببرید.
- ۲- مراحل تهیه و تدوین طرح درس سالانه یا دوره آموزشی را به اختصار توضیح دهید.
- ۳- با استفاده از الگوی شماره (۱) نمونه طرح درس سالانه، به مدت (۶) ماه، از ابتدای سال تا پایان شهریور برای یک کلاس روخوانی طراحی کنید.
- ۴- طرح درس روزانه از چند بخش تشکیل شده است؟ توضیح دهید.
- ۵- مراحل طرح درس روزانه را نام برده و به اختصار توضیح دهید.
- ۶- بخش اول طرح درس روزانه یعنی اطلاعات کلی شامل چه اجزائی است؟
- ۷- در آداب شروع، چه فعالیتهایی باید انجام شود؟



- ۸- مراحل ارائه درس و اجرای تدریس را بیان کنید.
- ۹- در طراحی تمرینات کلاسی چه نکاتی مهم است؟
- ۱۰- انواع ارزشیابی پس از آغاز تدریس را نام برده، توضیح دهید.
- ۱۱- ارزشیابی از نتیجه تدریس، دارای چه مراحل است؟
- ۱۲- با استفاده از الگوی شماره (۲)، طرح درس روزانه‌ای برای درس‌های "تنوین"، "حروف ناخوانا" و "اشباع" بنویسید.

## فصل نهم: روش‌ها و فنون تدریس<sup>۲۹</sup>

- با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:
- تعریف اصطلاحی فن را در تدریس تعریف کند.
  - تقسیم‌بندی روش‌های تدریس را نامبرده، به اجمال توضیح دهد.
  - مهمترین روش‌های تدریس متداول و نوین را نامبرده، تعریف کند.
  - چگونگی به کارگیری روش‌های متنوع تدریس را در امر آموزش قرآن بیان نماید.
  - حداقل ده نوع از روش‌های تدریس را به صورت عملی به اجرا درآورد.

### روش‌های تدریس

درس معلّم ار بود زمزمه محبتی  
جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را  
(نظیری نیشابوری)

«روش‌ها و فنون تدریس و کلاس‌داری» از اهمّ مهارت‌ها و علومى است که یک معلّم جهت نیل به اهداف آموزشی می‌بایست فراگیرد، تا در جایگاه تعلیم و تربیت بتواند، نقش خود را به نحو احسن ایفا نماید، اصولاً در چرخه آموزشی که از سه محور (معلّم، مخاطب و محتوای آموزشی) تشکیل شده است، محوری‌ترین عامل ایجاد ارتباط در این چرخه، «تدریس معلّم» است. تدریس را می‌توان به فعالیت‌های دو جانبه‌ای که بین معلّم و شاگردان جریان دارد و هدفش انتقال معلومات و مهارت‌ها است، تعریف کرد. همچنین، تدریس یک «کنش متقابل» بین معلّم و شاگردان است. یعنی اینکه معلّم با آموزش خود بر شاگردان اثر می‌گذارد و برعکس شاگردان هم فعالیت او را تحت تاثیر وجود خویش قرار می‌دهند. البته این اثر متقابل نیز ممکن است غیرمستقیم باشد.

---

۲۹. ر. ک. شعبانی، حسن - مهارت‌های آموزشی و پرورشی - جلد اول؛ ۱۳۸۶ و صفوی، امان‌اله - کلیات روش‌ها و فنون تدریس؛ ۱۳۸۱ و سیف، علی اکبر - روانشناسی پرورشی نوین - ۱۳۸۹.



برای اینکه تأثیر معلم به هنگام تدریس و سایر فعالیت‌های تربیتی شاگردان بیشتر شود، او باید به دو عامل مسلط باشد، یکی نحوهٔ صحیح ارائه درس و دیگری موضوعی که می‌خواهد تدریس کند. از آنجا که معلم با روح و روان و احساسات افراد مواجه است، چنانچه به درستی عمل نکند، امکان دارد زیانهای جبران‌ناپذیری بر مخاطب خود وارد نماید که اثرات آن تا پایان عمر او باقی بماند. لذا لازم است معلم در تمام زمینه‌هایی که به شغل معلمی مربوط است، اطلاعات صحیح و مفید را کسب نموده و مهارت‌های لازم را نیز به دست آورد. با این توضیح در این بخش مجموعهٔ مختصری از اطلاعات و مهارت‌های لازم در این خصوص، ارائه می‌شود.

### تعریف فن

این واژه که معادل واژهٔ «تکنیک» به کار رفته است در زبان فارسی به راه، روش، شیوه، مهارت و صنعت معنا شده و از نظر اصطلاحی به «راه به کارگیری مهارت‌های اساسی یا روش انجام ماهرانهٔ کاری» تعریف شده است.

در امر تدریس مجموعهٔ تمهیدات و وسایلی که به منظور ارائه روش و تسهیل روند یادگیری به کار می‌روند فن گفته می‌شود.

### تقسیم‌بندی روش‌های تدریس

روش‌های تدریس به دو دسته کلی؛ روش‌های تاریخی یا سنتی و روش‌های متداول و نوین تقسیم می‌شوند.

«روش‌های تاریخی یا سنتی» روش‌هایی است که در گذشته‌های بسیار دور به کار می‌رفته‌اند و «روش‌های متداول و نوین»، روش‌هایی هستند که متکی بر یافته‌های روانشناسی و علوم تربیتی جدید و ابداعی می‌باشند.

### الف) روش‌های تاریخی یا سنتی

از میان این روش‌ها، دو روش در ایران بیش از دیگر روش‌ها شهرت دارند که عبارتند از «روش سقراطی» و «روش مکتبی».



## ۱- روش «سقراطی»

سقراط فیلسوف شهیر یونانی بوده که در سال‌های (۴۷۰ - ۳۹۹) قبل از میلاد مسیح می‌زیسته است. روش او مبتنی بر اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان بود. او ابتدا با استفاده از سؤال و جواب و مجادله، خطای مخاطب را مشخص نموده و سپس با ادامه گفتگو و پرسش و پاسخ، مخاطب را تا به کشف حقیقت راهنمایی می‌کرد.

در این روش، معلّم صحبت نمی‌کند، بلکه او سوال می‌کند و شاگردان پاسخ می‌گویند. البته سوالها به گونه‌ای چینش و طرح می‌شوند که شاگرد را از جهل خویش به موضوع آگاه گردانند و سپس اندیشه او را برای یافتن حقیقت، به تحرک و کنکاش وادارند. روش سقراط «استقرایی» بود، یعنی از جزئیات به کلیات می‌رسید.

## ۲- روش «نظام مکتبی ایران»

این نظام از چند اصل و روش تشکیل شده که به آنها اشاره می‌شود:

### ۲/۱- آزادی‌ها

«مکتب» که فلسفه آن باسواد شدن است، یک نوع نظام آموزشی ابتدایی مبتنی بر آزادی است. آزادی حمل در مکتب خانه‌های قدیم شامل آزادی‌های (سنّی، شروع، مدت تحصیل و اصل آزادی فردی) بود، که مختصراً به آنها اشاره می‌شود.

آزادی سنّی: هر فرد با توجه به شرایط خاص زندگی فردی، خانوادگی و شغلی می‌توانست، زمان آغاز تحصیلات ابتدایی خود را آزادانه انتخاب کند، هرچند برای آن یک حد طبیعی (۶ تا ۱۰ سال) نیز وجود داشت.

آزادی شروع: علاوه بر آزادی سنّی، فرد در هر فصل و زمانی از سال و حتی هر ماه و هر روز و ساعت که بخواهد، می‌تواند رفتن به مکتب را آغاز نماید.

آزادی مدت تحصیل: این اصل مبتنی بر وجود اختلاف در استعداد یادگیری افراد بود و افراد می‌توانستند در هر مدتی که توانایی داشته باشند درسها را بیاموزند و دوره مکتب را تمام کنند، البته هر چه زودتر، بهتر.



**اصل آزادی فردی:** مکتب برخلاف مدارس کنونی، برحسب هفته، ماه، فصل و سال کلاس‌بندی و برنامه‌ریزی ثابت ندارد و هر شاگردی می‌توانست بر حسب زمانی که شروع کرده است و استعدادی که در فراگیری دارد، آهنگ پیشرفت درسی خود را تنظیم کند. بدین گونه، هر فرد در عین حال که در جمع است، خود استقلال دارد.

#### ۲/۲- خلیفه:

«خلیفه» دستگیری است که از میان شاگردان انتخاب می‌شود تا در کلیه امور به معلم و همکلاسان خود یاری رساند.

#### ۲/۳- درسه‌ها:

درسه‌های مکتب براساس دو پایه اصلی مذهب و فرهنگ انتخاب می‌شود. پس از ورود اسلام به ایران، قرآن به عنوان سنگ زیر بنای معنویت ایران، کتاب اصلی تعلیم مکتب است.

### ب) روش‌های متداول و نوین

در این قسمت به معرفی روش‌های متداول و جدید پرداخته می‌شود، هرچند ممکن است برخی از آنها، مانند روش سخنرانی، سابقه تاریخی نیز داشته باشند، اما از آنجا که این روش‌ها هنوز متداول بوده و با روش‌های کاملاً جدید آمیخته شده‌اند، جزء روش‌های نوین محسوب می‌شوند.

#### ۱- روش توضیحی

روش توضیحی عبارت است از انتقال مستقیم اطلاعات به دانش‌آموزان با استفاده از مطالب چاپی مانند کتاب، جزوه و یا به وسیله سخنرانی. در این روش معلم ضمن توضیح مطالب درسی کتاب یا جزوه و... هم اصول و هم راه‌حل مسائل را ارائه می‌کند و تمام مطالب آموزشی را به دانش‌آموزان عرضه می‌دارد. در آموزش قرآن اغلب معلمان از این شیوه به همراه شیوه‌های دیگر برای آموزش استفاده می‌کنند.

#### \* محاسن و معایب روش توضیحی:

هر چند این روش فرصت مناسبی در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد تا اطلاعات منظم و سازمان یافته‌ای را از معلم دریافت کند، ولی چون دانش‌آموز مطالب را حاضر و آماده دریافت می‌کند، در



کشف حقایق، فعال نیست و ناچار است مطالبی را که به وی عرضه می‌شود به اجبار تکرار و حفظ کند و اگر مطالب را به کار نبندند در کوتاهترین زمان ممکن آنها را فراموش خواهد کرد. توضیح خوب آن است که دقیق بوده و شامل نکات اصلی مطلب موردنظر باشد و حتی‌المقدور ساده و کوتاه بوده و از مثال‌ها، تصاویر، فیلم و سایر وسایل برای جالب، ساده و منطقی شدن توضیح استفاده شود. لازم است معلم نیز طریقه توضیح دادن خود و نحوه گوش دادن را به دانش‌آموزان یاد دهد.

#### \* ارزشیابی مهارت توضیح:

ارزشیابی مهارت توضیح به دو صورت می‌تواند انجام شود و هدف، انجام کار عملی و تمرین معلّمی است. یکی اینکه مخاطب در یک کلاس درس به عنوان تمرین، «مهارت توضیح» معلّمی را که در حال تدریس است را بتواند ارزشیابی کند و دیگر اینکه خود وی به طور آزمایشی تدریس کرده و از همکلاسان خود بخواهد، با استفاده از جدول زیر مهارت توضیح او را ارزشیابی کنند:

جدول ارزشیابی مهارت توضیح معلم

۱	۲	۳	۴	۵	ملاک‌های ارزشیابی
ضعیف	متوسط	خوب	عالی	ممتاز	
					۱- توضیح معلّم روشن و قابل درک بود. ۲- توضیح نکات اصلی و اساسی را در برداشت. ۳- توضیح کافی و دقیق بود. ۴- توضیحات ساده و کوتاه بود. ۵- برای توضیح مثال از وسایل کمک آموزشی مانند تصویر و... استفاده شد. ۶- معلّم با دقت به سخنان دانش‌آموزان گوش می‌داد و به هنگام توضیح از گفتار آنها استفاده می‌کرد.
					جمع کل امتیازات (از ۳۰)

#### ۲- روش سخنرانی

روش سخنرانی جزء روش توضیحی محسوب می‌شود اما از آنجا که این روش سابقه و هویت تاریخی دارد، به عنوان روشی مستقل نامبرده می‌شود. در روش سخنرانی، از بیان شفاهی برای توضیح و تفهیم مطالب استفاده می‌شود و در آن معلّم کم و بیش بدون وقفه در کلاس صحبت می‌کند. شاگردان صرفاً به سخنان معلّم گوش می‌دهند و



گاهی نیز یادداشت برمی‌دارند و سپس درباره سخنان معلّم می‌اندیشند ولی با او گفتگو نمی‌کنند. ممکن است در نهایت امر بین معلّم و شاگردان چند سؤال و جواب ردّ و بدل شود، که البته این سؤال و جواب‌ها برای روشن شدن منظور است و جنبه بحث و تبادل نظر ندارد.

\* **مراحل سخنرانی:** سخنرانی عموماً دارای چهار بخش (مرحله آمادگی، مقدمه سخنرانی، متن و محتوای سخنرانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری) است.

۱- **مرحله آمادگی:** در این بخش سه نوع آمادگی باید توسط فرد تدارک دیده شود.

اول آمادگی از نظر تجهیزات (یعنی تدارک وسایل مورد نیاز توسط معلم).

دوم آمادگی عاطفی (یعنی معلم باید خود را از نظر اعتماد به نفس و آسودگی به حد مطلوب برساند).

سوم آمادگی از نظر زمان (یعنی معلم باید زمان کافی را جهت آماده شدن برای سخنرانی آموزشی مطلوب در اختیار داشته باشد).

۲- **مقدمه سخنرانی:** این بخش با دو هدف «ایجاد رابطه بین معلم و شاگرد» و «جلب توجه شاگردان» صورت می‌گیرد. از این‌رو معلم در آغاز صحبت خود باید سعی نماید تا با جملاتی صمیمی، ارتباط با فراگیران را به‌وجود آورده و با فعالیت‌هایی همچون سؤال، بحث و گفتگو و استفاده از وسایل بصری، در جلب توجه مخاطبان بکوشد.

برای ایجاد ارتباط بهتر، معلم باید با توجه به سن، جنس، وضع اجتماعی-اقتصادی و غیره، علایق و خواسته‌های شاگردان را تشخیص داده و بر مبنای آنها انگیزه‌سازی نماید و هدف‌ها و نکات مهم سخنرانی و آموخته‌های قبلی مرتبط با موضوع درس را جهت جلب توجه دانش‌آموزان، یادآوری کند.

۳- **متن و محتوای سخنرانی:** این بخش، بخش اصلی سخنرانی است، لذا باید اولاً تمام اهداف آموزشی را در بر داشته و جامع باشد، ثانیاً از سازماندهی منطقی و ارتباط مناسب بین اجزای آن برخوردار باشد و ثالثاً همواره با استفاده از «تنوع به‌کارگیری محرک‌ها» مثل حرکات و حالات چهره و تن صدا و همچنین «تغییر کانال‌های ارتباطی سمعی و بصری» یا «استفاده از طنز و مهارت‌های دیگر»، توجه شاگردان را در طول سخنرانی به خود معطوف دارد.

۴- **جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:** در بخش پایانی معلّم باید مطالب و اطلاعات ارائه شده را به یکدیگر ربط داده، مطالب را جمع‌بندی و با ذکر نکات مهم خلاصه کند و به سؤالات احتمالی پاسخ گفته و در





صورت لزوم برای آنها تکلیف درسی نیز تعیین کند. جملات پایانی باید کوتاه، برانگیزاننده و با روح بیان شوند.

\* عوامل مؤثر در سخنرانی: سخنرانی مطلوب به عواملی از قبیل، تنوع در صدا، اشارات حساب شده و حرکات به موقع بدن به هنگام سخن گفتن بستگی دارد. در این میان نقش صدا مهمتر است و باید واضح و رسا بوده و زیاد آهسته یا بلند و یا یکنواخت نباشد و جملات به سرعت زیاد و یا با کندی نامتعادل بیان نشوند.

#### \* محاسن و معایب روش سخنرانی:

گرچه روش سخنرانی می‌تواند تعداد زیادی از مخاطبان را تحت پوشش قرار داده و مطالب نسبتاً زیادی را در مدت زمانی کوتاه به افراد منتقل کند، از این رو اقتصادی است و می‌تواند با ارائه توضیحات بیشتر فهم درس را بیشتر کند ولی به علت متکلم وحده بودن معلّم و غیرفعال بودن دانش‌آموزان و ضعف در آموزش مهارت‌های عملی به دانش‌آموزان و همچنین ضعف در ایجاد مهارت‌های ذهنی در سطوح بالای یادگیری مانند درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و... روش کاملی نیست.

مهارت سخنرانی: روش سخنرانی، چنانچه به درستی و با اصول صحیح به کار رود، از معایب آن کاسته شده و بر محاسن این روش افزوده می‌گردد. استفاده از رهنمودهای زیر به کیفیت کار معلّم در استفاده از این روش می‌افزاید:

۱- سخنران پیش از آنکه لب به سخن بگشاید باید دقیقاً بداند که هدفش چیست، چه نکاتی را می‌خواهد بگوید، با چه نظم و ترتیبی می‌خواهد سخنان خود را عرضه کند، و چه تأکیدی در سخنان خود داشته باشد و برای این کار باید قبلاً طرح واضح و روشنی از موضوع، مطلب و جریان سخنرانی را در ذهن ترسیم کرده و تمام آنها را روی کاغذ آورد و یا حداقل یکبار در ذهن مرور نماید.

۲- مطالب سخنرانی باید با پایه تحصیلی و سن مخاطبان تناسب داشته باشد (به مصداق کلمه النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ)

۳- مطالب سخنرانی نباید آن‌چنان طولانی باشد که مخاطبان را خسته کند و در پایان آن نیز وقت کافی جهت پاسخ به سوالات شنوندگان اختصاص یابد.

۴- مثالهای مناسب و مستدل و گاهی بذله‌گویی، لطف خاصی به سخنرانی می‌دهد.

۵- معلّم باید پیش از سخنرانی حداقل یک بار آن را تمرین کند.



۶- مخاطبان را نسبت به وظایف خود در جریان سخنرانی آگاه نموده و در صورت امکان، آنها را از پیش در مورد رئوس مطالب یا سؤالاتی که در طول سخنرانی به آنها پاسخ داده خواهد شد آگاه کند.

۷- معلم باید پیش از ارائه مطلب اصلی، مخاطبان را برای شنیدن سخنان خود آماده سازد.

۸- به هنگام سخنرانی مهارت صدا و بیان را مورد توجه قرار داده و از واژه‌هایی استفاده کند که برای همگان قابل فهم باشد.

۹- لازم است معلم محترم، نکات مهم و پیچیده را با استفاده از مثال، ترسیم شکل و نمودار و وسایل کمک آموزشی توضیح دهد.

۱۰- مکث کوتاه و نگاه کردن به همه مخاطبان و اطراف کلاس موجب جلب توجه آنان شده و فرصت می‌دهد تا به سخنان معلم خود توجه بیشتری نموده و مطالب در ذهن آنان جای گیرد.

۱۱- سرعت بیان به گونه‌ای باشد که مخاطبان بتوانند، سخنان را دنبال نموده و یادداشت بردارند.

۱۲- سخنرانی نباید خیلی شمرده و کلمه به کلمه ایراد شود، زیرا سخنرانی حالت جزوه گفتن به خود می‌گیرد.

۱۳- سخنان سخنران باید قابل تقسیم‌بندی به جمله، پاراگراف و بخش باشد.

۱۴- از مهارت «تمرکز بخش» برای جلب حواس مخاطبان استفاده نماید.

۱۵- هنگام سخنرانی گاهی لازم است معلم جای خود را تغییر دهد تا نگاه مخاطبان از دوخته شدن به یک نقطه جلوگیری کرده و به آنان تنوع تصویری ببخشد (همانند تکنیکهای تصویربرداری از صحنه‌های فیلمبرداری)

۱۶- معلم محترم سخنرانی را با یک اختتام خوب، موثر و مربوط به موضوع خاتمه داده و در صورت لزوم برای مخاطبان تکلیف درسی معین نماید.

### ۳- روش اکتشافی

یادگیری اکتشافی فرآیندی است که در آن دانش آموز باید مسئله، موردنظر را مشخص کرده، راه‌حل‌های ممکن را برای آن در نظر گیرد. سپس این راه‌حل‌ها را با توجه به شواهد آزمایش نموده، نتیجه‌گیری مناسبی را با توجه به این آزمایش به دست آورد. آنگاه این نتیجه‌گیری‌ها را در موقعیتهای جدید به کار گیرد و سرانجام به قوانین کلی و قابل تعمیم برسد.



از حیث روش تدریس، یادگیری اکتشافی به آن دسته از موقعیت‌های آموزشی اشاره دارد که در آنها شاگرد با راهنمایی محدود معلم و یا بدون آن به هدف موردنظر نایل می‌آید. در یادگیری اکتشافی، معلم در به خاطر آوردن اصول مربوط و کاربرد آنها به شاگرد کمک می‌کند. در این معنی، معلم اصول را شرح می‌دهد اما درباره راه‌حل چیزی نمی‌گوید.

#### \* محاسن و معایب روش اکتشافی:

هرچند یادگیری اکتشافی، توانایی ذهنی را تقویت کرده، انگیزه درونی مخاطبان را افزایش می‌دهد و او را خلاق و کاوشگر بار آورده و موجب دوام بهتر آموخته‌های وی می‌شود ولی موفقیت این روش وابسته به درصد وضوح و انسجام دانش و معلومات ارائه شده بوده و اجرای آن نیاز به زمان بیشتری نسبت به روش‌های قبل دارد.

#### \* مثالی قرآنی برای روش اکتشافی با تفکر استقرایی:

معلم تعدادی از کلمات فارسی را که با حرکات کوتاه کشیده شروع می‌شوند، یا دارای علائمی همچون سکون و تشدید می‌باشند را - همانند زیر - به صورت گروهی، روی تخته می‌نویسد:

گروه ۱: ابر - مشهد - مرکز - شب - رفت - شهر - اشک

گروه ۲: اسم - عشق - انسان - ابراهیم - کلاس - نگاه - دل - یک

گروه ۳: معلم - پرسش - نکته - گلابی - گنجشک - گل - شد - مختلف

گروه ۴: آمد - آبان - آب - آش - آنان - آبادان - آسایشگاه - آرزو

گروه ۵: این - ریز - میز - شیرین - سینی - شیعه - سب - شیشه

گروه ۶: او - بود - مور - قوری - گونی - لوله - مو - رو - شومینه - سودان

گروه ۷: من - ابر - اشک - در - سر - فرفره - شرشر - مستکبر - مشکل

گروه ۸: نجار - قصاب - بنا - اطلاع - مطلع - اول - حنانه - دباغی - فعال

سپس از شاگردان می‌خواهد پس از کمی تفکر یا مباحثه گروهی مشخص کنند که در ۶ گروه اول، حرف اول با چه صدایی شروع شده است؟ یا در گروه‌های ۷ و ۸، حرف دوم دارای چه علامت یا حالتی است؟ در مرحله سوم گروهی از کلمات ساده قرآنی به افراد ارائه شده و از ایشان خواسته می‌شود که حروف دارای حرکت یا علامت مشابه با کلمات فارسی - موضوع درس - را در آنها مشخص کرده و همانند فارسی آنها را قرائت نمایند.



در مرحله چهارم کلماتی را که دارای علائم یا حرکات فرا گرفته هستند از ساده به مشکل پای تخته نوشته و می‌خواهیم با کمی توجه، ابتدا به صورت حرف حرف - در ذهن یا در کلام - آنها را هجی کرده و سپس به صورت یکجا بخوانند.

در مرحله پنجم، پس از آشنایی و تسلط نسبی شاگردان به تعلیم حرکت یا علامت از فارسی به عربی، معلم با بهره‌گیری از نمونه‌های عینی و ملموس لهجه عربی آنها را نیز به همراه کشش صحیح حرکات، آموزش داده و می‌خواهد تا شاگردان سعی نمایند با رعایت این نکات مجدداً کلمات و عبارات را بخوانند. (البته نباید سخت‌گیری شود تا شاگرد با آمادگی روحی بیشتری به فراگیری و تمرین ادامه دهد).

در این روش معلم به شاگردان می‌آموزد که چگونه با یک تفکر نظام‌مند و مرحله‌ای، از دانسته‌های پیشین خود برای فراگیری و اکتشاف موضوعات جدید - در اینجا صحیح‌خوانی کلمات قرآنی - بهره‌جسته و خود موضوعات درسی را کشف نمایند.

#### ۴- روش حل مسئله

حل مسئله فرایندی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راههایی که به یک هدف یا یک راه‌حل منتهی می‌شود.

عامل اصلی در حل مسئله، عبارت است از کاربرد تجربه قبلی فرد برای رسیدن به راه‌حل و پاسخی که پیش از آن برای انسان شناخته شده نبوده است. تجربه، دانش و مهارت گذشته پیش نیاز حل مسئله محسوب می‌شود.



### \* راههای حل مسئله

حل مسئله از طریق آزمایش و خطا: این روش برای حل مسائلی که، قاعده و اصول از پیش شناخته شده‌ای برای حلشان در اختیار نباشد، به کار می‌رود.

حل مسئله از طریق بینش و شناخت: این روش برای حل مسائلی که عناصر و روابط مربوط به آنها شناخته شده باشند، به کار می‌رود. رفتار توأم با بینش دارای دو شرط است: ۱- باید اصول اصلی شناخته و فهمیده شوند. ۲- منابع و وسایل موجود تغییر یابند و یا انطباق داده‌شوند تا حل مسئله از طریق بینش عملی گردد.

حل مسئله با روش تحلیلی: تحلیل تدریجی و گام به گام در جهت رسیدن به حل مسئله به فهم کامل کلیه مراحل و روابط مربوط نیاز دارد. این روش آمیزه‌ای از روش آزمایش و خطا و بینش و تفکر منطقی است.

حل مسئله با روش «دیویی»: جان دیویی فرایند حل مسئله را با پیدا کردن عواملی که موجب مسئله شده‌اند آغاز می‌کند.

روش دیویی دارای پنج مرحله به شرح زیر است:

- ۱- مشخص کردن مسئله
- ۲- حدس زدن یا مشخص کردن علل مسئله
- ۳- در نظر گرفتن راه‌های ممکن
- ۴- انتخاب بهترین راه‌حل
- ۵- اجرای راه‌حل انتخابی و اجرای آن.

\* نتیجه‌گیری: حل مسئله یا روش «دیویی» و روش «اکتشافی»، مراحل مشابه و یکسانی دارند ولی در روش دیویی تأکید بر آن است که شاگرد مستقلاً و با طی مراحل فوق، مسئله را حل کند.

\* مثالی قرآنی برای استفاده از روش حل مسئله از طریق آزمون و خطا:

شاگردان کلاس روخوانی قرآن در جلسه دوم با ورود به کلاس متوجه می‌شوند مجموعه‌ای از کلمات و عبارات روی تخته نوشته شده و مجموعه‌ای هم روی میزشان گذارده شده و روی تخته نوشته شده «کلمات و عبارات را بخوانید و هر کدام را که برایتان مشکل است مشخص کنید.» قرآن آموزان با استفاده از دانسته‌های پیشین خود در باره فتحه-که در فارسی آموخته‌اند- طریقه قرائت کلمات و عبارات با حرکت فتحه را خوانده و کلماتی را که مشکل است یادداشت می‌نمایند.



معلم پس از دقایقی از شاگردان می‌خواهد تا کلمات مشکل خود را اعلام کنند. وقتی قرآن آموزی کلمه یا عبارتی را بیان می‌کند معلم می‌پرسد چند نفر دیگر در همان کلمه مشکل داشته‌اند؟ سپس او از دیگر شاگردانی که در آن کلمه مشکلی نداشته‌اند می‌خواهد تا به صورت داوطلبانه آن را خوانده و سپس همه آن را تکرار کنند و در آخر با ذکر توضیحات مختصری محورهای ضروری و کاربردی درس را به شاگردان آموزش می‌دهد.

در این روش معلم با تکالیفی که تعیین می‌کند می‌خواهد قرآن آموزان بدانند در یک محیط یادگیری قرار دارند. معلم امور را با طرز کاری که تهیه کرده است به جریان می‌اندازد. او وقت را صرف بیان نحوه رفتار شاگردان نمی‌کند بلکه در واقع خود شاگردان را دست به کار کرده، آنان را بلافاصله وارد جریان یادگیری فعال می‌نماید و به تناسب همراهی شاگردان، کلاس را مدیریت می‌کند. او در شاگردان اطمینان به خود را بروز می‌دهد و یادگیری روخوانی را بسیار آسان می‌نماید.

### ۵- روش مباحثه و انواع آن

روش مباحثه یکی از کهن‌ترین روش‌هایی است که در طول تاریخ تعلیم و تربیت به کار رفته است. روش سقراطی که مشهورترین روش‌های بحثی است و جنبه تاریخی دارد، در ابتدای این فصل معرفی شد. در اینجا روش‌های جدید معرفی می‌شود.

الف) بحث کنترل شده توسط معلم: الگوی بحث کنترل شده به شکل (معلم - شاگرد - معلم) است.

ابتدا معلم دانش‌آموزان را به طرح مسئله یا سؤال ترغیب کرده، سپس یکی از ایشان موضوعی را با اجازه معلم مطرح، و معلم در رابطه با آن، پاسخ می‌دهد. گفتگوی بین آن دو تا جایی که معلم لازم بداند ادامه پیدا می‌کند و سپس با اجازه معلم و توسط شاگرد دیگری این گفتگوی دو جانبه ادامه می‌یابد.

ب) بحث آزاد: در این روش معمولاً معلم با طرح یک سؤال یا بیان مطلبی، بحثی را آغاز کرده و مخاطبان را برای مشارکت در بحث آزاد می‌گذارد.

ج) روش بحث گروهی: بحث گروهی، گفتگویی است سنجیده و منظم پیرامون موضوعی که مورد علاقه مشترک افراد شرکت کننده می‌باشد. تعداد افرادی که در بحث گروهی شرکت می‌کنند معمولاً بین ۶ تا ۲۰ نفر می‌تواند باشد. قاعدتاً بحث گروهی را یک نفر به نام رهبر گروه اداره می‌کند.



## ۶- روش پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ، فنی است که می‌تواند در کلیه روش‌های تدریس و فعالیتهای آموزشی به کار رود. به ویژه، هنگامی که معلم می‌خواهد دانش‌آموز را به تفکر درباره مفهومی جدید با بیان مطلبی که آموخته شده است، تشویق کند. این فن ممکن است برای مرور مطالب تدریس شده قبل یا جهت ارزشیابی میزان درک دانش‌آموزان از دروس ارائه شده، مورد استفاده قرار گیرد. این روش به صورت ترکیبی با روش‌های توضیحی و سخنرانی در کلاسهای آموزش قرآن استفاده می‌شود.

## ۷- روش واحد کار (پروژه)

«واحد کار» فعالیتی است که از نظر آموزشی و پرورشی دارای ارزشی است و متوجه هدف معینی می‌باشد. واحد کار معمولاً مستلزم بررسی، جمع‌آوری اطلاعات و یافتن راه‌حل، مطالعه و انجام کار عملی است و اغلب در خارج از مکان تدریس صورت می‌گیرد. در جریان انجام واحد کار روال معمول و تصنعی کلاس از میان رفته و معلم و دانش‌آموز با هم همکاری می‌کنند و کار فردی و گروهی جای فعالیت‌های کلاس را می‌گیرد و کلاس به صورت کارگاه در می‌آید و محدودیت زمانی برداشته می‌شود. واحد کار موجب توسعه علایق شخصی دانش‌آموز می‌گردد. واحد کار در جایی شروع می‌شود که درس خاتمه می‌یابد.

## ۸- روش گروه‌های کوچک

در این روش شاگردان کلاس به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و هر یک مستقلاً به فعالیت یادگیری می‌پردازند. در چنین موقعیتی معلم انتقال دهنده دانش نیست، بلکه نقش هماهنگ کننده فعالیت‌ها را بر عهده دارد. در گروه‌های کوچک هر یک از شاگردان می‌توانند نقش فعلی بپذیرند. گروه‌های کوچک به شکل‌های مختلفی می‌توانند فعالیت کنند. به عنوان مثال همه گروه‌ها می‌توانند فعالیت مشترکی داشته باشند، یا اینکه هر گروه فعالیت ویژه و متفاوتی از سایر گروه‌ها را انجام دهد. این روش به آمادگی کافی و تهیه مواد و مطالبی که برای مطالعه گروه‌ها لازم است، نیاز دارد. هرچند این روش برای تقویت حس همکاری و دوستی و تقسیم کار آموزش بین گروه‌ها و مشارکت ایشان مفید است ولی در کلاس‌های پرجمعیت و کلاس‌های با فضای محدود قابل اجرا نیست و معلم جهت اجرای آن باید دارای مهارت بالایی باشد.



در کلاس‌های آموزش قرآن، معلم می‌تواند با تقسیم شاگردان به گروه‌های کوچک و دادن تکلیف تمرینی و یا ارائه مسئله‌هایی برای تفکر و یافتن گروهی پاسخ مسائل، آنان را در دست یافتن به الگویی عملی برای رفع مشکلات از طریق مشارکت گروهی و همفکری کمک می‌کند. در ضمن اطمینان به نفس ایشان به توانایی‌های خود بیشتر می‌شود.

### ۹- روش یادگیری فردی (آموزش انفرادی)

این یادگیری فرایندی است که جنبه انفرادی دارد و در درون فرد انجام می‌شود. معمولاً نتایج یادگیری را با تغییراتی که در رفتار انسان به وجود می‌آید اندازه‌گیری می‌کنند. با این روش، برای هر فرد فعالیت یادگیری ویژه‌ای که با سرعت پیشرفت او مطابقت داشته باشد، معین می‌شود. روش یادگیری فردی با سطح توانایی و علایق هر شاگرد مطابقت می‌یابد. شکلی از این روش، در مکتب‌خانه‌های قدیم ایران به کار می‌رفت و امروزه هم در برخی مراکز آموزشی با استفاده از بسته‌های آموزشی «کیت» (kit) که ویژه این نوع یادگیری است، از این روش استفاده می‌شود (مانند بسته‌های آموزش مکاتبه‌ای قرآن). یادگیری فردی موجب تقویت استقلال فکری و توانایی تصمیم‌گیری می‌شود.

روش یادگیری فردی به جز «بسته‌های آموزشی» انواع مختلف دیگری، همچون «آموزش برنامه‌ای» - که بر مبنای تهیه و تدوین برنامه‌های آموزش انفرادی، مانند برنامه‌های آمادگی کنکور است - و «آموزش‌های متکی بر فن‌آوری رایانه و اینترنت» و «تدریس خصوصی» را نیز شامل می‌شود.

### ۱۰- روش آزمایشی

اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار است. در این روش موقعیت و شرایطی فراهم می‌شود تا شاگردان از طریق آزمایش و پژوهش، خود جواب مسئله را کشف کنند. این روش، فعالیتی است که در جریان آن فراگیران با به کار بردن وسایل و مواد بخصوص، درباره مفهومی خاص عملاً تجربه کسب می‌کنند. این روش می‌تواند کیفیت یادگیری را افزایش داده، موجب ارضای حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشاف و اختراع و پرورش تفکر انتقادی فراگیران گردد و بدین ترتیب





اعتماد به نفس و رضایت خاطر را در دانش‌آموزان ایجاد کند. نقش معلم در این روش، هدایت شاگردان و نظارت بر کار آنها است.

چون یادگیری در این روش از طریق تجارب مستقیم حاصل می‌شود، یادگیری با ثبات‌تر و مؤثرتر است ولی احتیاج به وسایل و امکانات فراوان به نسبت دیگر روش‌ها دارد و گاه ممکن است نتیجه آزمایش غلط باشد و موجب غلط‌آموزی شود. همچنین معلمان در این روش باید آگاه‌تر و مجرب‌تر بوده، خود با روش آزمایش آشنایی کامل داشته‌باشند.

### ۱۱- روش نمایشی

روش نمایشی براساس مشاهده و دیدن استوار است. افراد مهارت‌های خاصی را از طریق مشاهده و دیدن فرا می‌گیرند. ابتدا معلّم عملاً جریان کاری را در برابر چشم فراگیران انجام می‌دهد و آنگاه فراگیران همان کار را مشخصاً تکرار کرده، انجام می‌دهند. با استفاده از این روش می‌توانیم مهارتی را به تعداد زیادی از افراد و در طی زمانی کوتاه ارائه نمائیم. نباید فراموش کرد که برای استفاده از روش نمایشی دادن، ناچار به استفاده از روش سخنرانی نیز هستیم.

**\* روش نمایشی از چهار مرحله تشکیل یافته است:**

۱- **مرحله آمادگی:** در این مرحله وسایل کار، قبل از نمایش در کلاس آماده می‌شود.

۲- **مرحله توضیح:** قبل از نمایش ابتدا هدف از آن نمایش، تشریح می‌شود. سپس دقیقاً به توضیح آنچه که فراگیران باید انجام دهند پرداخته می‌شود و اینکه در هنگام انجام آن با چه مسائلی برخورد خواهند کرد و در این مرحله باید نکات مهم و کلید را تأکید، تکرار و خلاصه کرد و در پایان این مرحله، فراگیران را به طرح سوالاتی در زمینه نکات مبهم آن مهارت که خوب متوجه نشده‌اند تشویق کرد.

۳- **مرحله نمایش دادن:** در این مرحله معلّم باید عملیات ضروری جهت انجام مهارت را به فراگیران نشان دهد. او همچنین باید روش صحیح کار را که فراگیران بایستی به منظور رسیدن به نتایج یادگیری انجام دهند، نمایش دهد. گاهی مرحله توضیح و مرحله نمایش در هم ادغام می‌گردد و در حالیکه معلّم به توضیح و بیان جریان نمایش مشغول است دانش‌آموزی نمایش را انجام می‌دهد.

۴- **مرحله آزمایش و سنجش:** به فراگیران اطمینان دهید که پس از مرحله توضیح و نمایش، آنان عملاً آن کار را انجام خواهند داد. بعد از اینکه از تمام فراگیران از مهارت مورد تدریس، امتحان عملی



به عمل آمد سوالات شفاهی را باید ضمیمه امتحان عملی نمود. این سوالات شفاهی موجب تقویت ادراک و یادگیری بهتر مخاطبان خواهد شد.

## ۱۲- روش گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس

«گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس» کاری است عملی که بیرون از کلاس، آزمایشگاه یا کتابخانه انجام می‌شود. و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسئله، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون پژوهشی و تحقیقی می‌باشد. تا از این طریق در مورد اعتبار فرضیه‌ها، تشخیص تغییرات یا درستی و صحت شرایط و موقعیتها، اطمینان حاصل شود.

اغلب دانشمندان در سه مکان کار می‌کنند: در آزمایشگاه، دفتر کار و محیط بیرون. بنابراین هر دانش‌آموزی هم چنانچه بخواهد به شیوه علمی تحصیل کند باید از روش دانشمندان پیروی نماید و او هم در سه مکان تحصیل کند. اول در محیط آموزشی، دوم در محیط خارج از کلاس و سوم در خانه.

به طور کلی در گردش‌های علمی رعایت نکات مهم زیر توصیه می‌شود:

- |                          |                              |
|--------------------------|------------------------------|
| * تعیین موضوع مورد تحقیق | * همراه داشتن دفترچه یادداشت |
| * نمونه‌گیری             | * تجزیه و تحلیل              |
| * تهیه گزارش             | * تشکیل پرونده               |

## ۱۳- روش بازی‌های تربیتی (ایفای نقش)

معمولاً بازی‌های تربیتی مکمل سایر روش‌های تدریس است. آموزش از طریق بازی، چند حسن دارد. در وهله نخست، دارای پاداشی ذاتی است، زیرا معمولاً شاگردان (به‌ویژه کودکان و نوجوانان) سرگرمی و بازی را دوست دارند و از روی میل و رغبت در آن شرکت می‌کنند. ثانیاً، اغلب بازیها موقعیت‌های پیچیده زندگی را که عناصر آن از زندگی واقعی گرفته شده است به شیوه‌های ساده و قابل فهم نمایش می‌دهند. از این رو بازی موجب می‌شود که افراد مفاهیم مربوط به زندگی را فراگیرند. از آنجایی که بازی مشارکت فعال کودکان را طلب می‌کند آنها دچار رخوت و سستی نمی‌شوند.



بازیهای تربیتی انواع مختلفی دارند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

- \* **روش ایفای نقش (نمایش):** ایفای نقش روشی است که برای تجسم عینی موضوعات و درسهایی که برای نمایش مناسب باشند، می‌توانند به کار روند. در این روش فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند. البته معلم نیز با ایفای بعضی از نقشها می‌تواند، آموزش بعضی نکات درسی را در قالب نمایش به اجرا درآورد.
- \* **بازیهای رقابتی:** بازیهای رقابتی بین دو یا چند نفر انجام می‌شود و طی آن دو طرف مسابقه با استفاده از قواعد و اصولی که منظور شده است به رقابت می‌پردازند.

#### ۱۴- فن تمرین

- تمرین، یکی از فنونی است که از دیرباز در امر آموختن به کار می‌رفته است. تمرین، انواع مختلفی دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:
- الف) **تمرین تکراری:** این نوع تمرین که با تکرار همراه است، صرفاً برای حفظ کردن صورت می‌گیرد و سهم تفکر و تعقل درباره آنچه تکرار می‌شود، اندک است. از جهتی می‌توان گفت تمرین تکراری، تمرین طوطی‌وار می‌باشد و کمتر با درک مفاهیم همراه است.
  - ب) **تمرین استنباطی:** تمرین استنباطی با علاقه، تفکر، استدلال، مباحثه و کاربرد مفاهیم و موقعیتهای تازه توأم است. در این نوع تمرین با وجود اینکه عامل تکرار وجود دارد، ولی این تکرار به شکل واحد صورت نمی‌گیرد، بلکه این تمرینها، ضمن داشتن تفاوت با یکدیگر، در اطراف یک موضوع و یا مفهوم همراه با تفکر و ادراک، دور می‌زنند.
  - ج) **مرور:** مرور کردن برای تقویت یادگیری مطالبی است که قبلاً آموخته شده‌اند و معمولاً با مهارتهایی از قبیل خلاصه کردن، یادداشت نمودن (نُت برداری) و ترسیم و طراحی همراه است.
  - د) **تمرینهای عملی:** این تمرینها، همان طور که از نام آنها پیداست، همراه با آزمون و خطا و نتیجه‌گیری، به منظور کسب مهارت‌های حرکتی و فنی صورت می‌گیرند.

#### ۱۵- روش تدریس مفاهیم

یک مفهوم مجموعه‌ای از موضوعات یا حوادثی است که در خصوصیات و نام مشترک، سهیم هستند. کارشناسان آموزش توصیه می‌کنند که "آموزش مفهوم" باید پیرامون چهار عنصر "تعریف"،



"مثال"، "غیر مثال" و "مقایسه ساختار" داده شود. اینگونه است که همیشه زمان تدریس مفاهیم، یک تعریف و مثالهایی از آن مفهوم، همچنین اگر ممکن باشد غیرمثالها و مقایسه‌هایی ارائه می‌گردد.

\* "تعریف" مفاهیم: یک تعریف، ویژگیهای اساسی مفهوم را بیان می‌دارد.

\* "مثال" و "غیر مثال" مفاهیم: یک مثال، نمونه واقعی مفهوم است. بعد از ارائه تعریف، مفهوم به وسیله ارائه مثالها، عینی‌تر خواهد شد. به عبارت دیگر یک مثال خوب تعریف را به وسیله ارائه ویژگیهای مفهوم، عینی خواهد کرد. برعکس "یک غیر مثال"، نمونه ای از یک مفهوم تقریباً مرتبط است که می‌تواند با مفهوم درس اشتباه شود. زمانی که یادگیرندگان بتوانند تفاوت بین مثال و غیر مثال را بگویند، آنها مفهوم را فهمیده‌اند.

انتخاب انواع مختلف مثال و غیر مثال بسیار با اهمیت است. برای نمونه هرچند صداهای کوتاه "فتحه" و "ضمّه" هر دو برای "صدای کشیدهٔ واو مدّی"، غیرمثال می‌باشند، ولی کاربرد "صدای کوتاه ضمّه" بیش از "صدای کوتاه فتحه" به درک مفهوم "صدای کشیدهٔ واو مدّی" کمک می‌کند، چون به جز صدا بودن، دو مفهوم "فتحه" و "واو مدّی" ویژگیهای مشترک دیگری ندارند.

یک غیر مثال خوب، مفهومی است که علاوه بر اختلاف با ویژگیهای مفهوم، بیشترین همخوانی را با ویژگیهای آن مفهوم دارا بوده و می‌تواند بالقوه با مثالهای مفهوم قاطی شود.

\* "مقایسه (قیاس)" مفاهیم: یک مقایسه، ارائه مجددی است که با قالب و عملکرد یک مفهوم مطابقت دارد اما از جهات دیگر متفاوت است، برای مثال زمان تدریس کسرها در ریاضی، برای مقایسهٔ مفهوم "کسر"، می‌توان تصویر تقسیم‌شدهٔ یک شیرینی را به کار برد و با نشان دادن و مقایسه اینکه چطور شیرینی به یک‌دوم و سپس به یک‌چهارم و الی آخر بریده می‌شود، مفهوم را به فراگیران آموزش داد.

یک مقایسه موثر، مشابه چیزی خواهد شد که دقیقاً عملکردهای حساس و ویژگیهای مفهوم مورد نظر را ارائه می‌کند.

\* "نتیجه": زمان تدریس یک مفهوم، معلم باید تعریف، یک مثال، یک غیرمثال و یک مقایسه از مفهوم - که به ادراک یادگیرنده از مفهوم کمک می‌کند - ارائه نماید.



## نتیجه‌گیری مباحث فصل

کار یک معلم در زمینه استفاده از روش‌های مختلف تدریس را می‌توان به نحوه کار یک نقاش تشبیه کرد. همان‌طور که یک نقاش برای ترسیم و خلق یک تابلوی نقاشی از رنگ‌های مختلف استفاده می‌کند و هر گاه لازم باشد آنها را در می‌آمیزد به وسیله رنگ‌های موزون (هارمونی رنگارنگ)، اثر هنری خود را به بهترین شکل ممکن به وجود می‌آورد، یک معلم هم پس از اینکه با روش‌های مختلف تدریس آشنا شد، در عمل و به هنگام ارائه درس باید با تشخیص موقعیت، با انتخاب روش‌ها و فنون مناسب، کلاس درس خود را به گونه‌ای راهبری و هدایت کند که در کوتاهترین زمان ممکن و با استفاده از مهارت‌های روانشناختی و تدریس، تمامی مخاطبان خویش را به سر منزل مقصود رسانده و درصد موفقیت خود را در انجام وظیفه، ارتقا بخشد، به عبارت دیگر یک معلم همانند کاروانسالاری می‌ماند که باید افراد کاروان خویش را از مبدأ به صورتی حرکت دهد که از کوتاه‌ترین، امن‌ترین، مطبوع‌ترین راه‌های ممکن و با سرعتی معقول به مقصد برساند به طوری که حتی یک نفر از کاروان تدریس وی، جا نماند.



## خلاصه فصل

«روش‌ها و فنون تدریس و کلاس‌داری» از اهمّ مهارت‌ها و علومی است که یک معلّم جهت نیل به اهداف آموزشی می‌بایست فراگیرد، تا در جایگاه تعلیم و تربیت بتواند، نقش خود را به نحو احسن ایفا نماید، اصولاً در چرخه آموزشی که از سه محور (معلّم، مخاطب و محتوای آموزشی) تشکیل شده است، محوری‌ترین عامل ایجاد ارتباط در این چرخه، «تدریس معلّم» است. در امر تدریس مجموعه تمهیدات و وسایلی که به منظور ارائه روش و تسهیل روند یادگیری به کار می‌روند فنّ گفته می‌شود. روش‌های تدریس به دو دسته کلی؛ روش‌های تاریخی یا سنتی و روش‌های متداول و نوین تقسیم می‌شوند. «روش‌های تاریخی یا سنتی»، روش‌هایی است که در گذشته‌های بسیار دور به کار می‌رفته‌اند که از میان این روش‌ها، دو روش در ایران بیش از دیگر روش‌ها شهرت دارند که عبارتند از «روش سقراطی» و «روش مکتبی».

«روش‌های متداول و نوین»، روش‌هایی هستند که متکی بر یافته‌های روانشناسی و علوم تربیتی جدید و ابداعی می‌باشند. شایان ذکر است، هرچند ممکن است برخی از «روش‌های متداول و نوین»، مانند روش سخنرانی، سابقه تاریخی نیز داشته باشند، اما از آنجا که این روش‌ها هنوز متداول بوده و با روش‌های کاملاً جدید آمیخته شده‌اند، جزء روش‌های نوین محسوب می‌شوند.

مهمترین روش‌های تدریس نوین و متداول عبارتند از:

۱- روش توضیحی: روش توضیحی عبارت است از انتقال مستقیم اطلاعات به دانش‌آموزان با استفاده از مطالب چاپی مانند کتاب، جزوه و یا بوسیله سخنرانی.

۲- روش سخنرانی: روش سخنرانی جزء روش توضیحی محسوب می‌شود. اما از آنجا که این روش سابقه و هویت تاریخی دارد، به عنوان روشی مستقل نامبرده می‌شود. سخنرانی عموماً دارای چهار بخش (مرحله آمادگی، مقدمه سخنرانی، متن و محتوای سخنرانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری) است.

۳- روش اکتشافی: یادگیری اکتشافی فرایندی است که در آن دانش‌آموز باید مسئله، موردنظر را مشخص کرده، راه‌حلهای ممکن را برای آن در نظر گیرد. سپس این راه‌حلهای را با توجه به شواهد آزمایش نموده، نتیجه‌گیری مناسبی را با توجه به این آزمایش به دست آورد. آنگاه این نتیجه‌گیری‌ها را در موقعیتهای جدید به کار گیرد و سرانجام به قوانین کلی و قابل‌تعمیم برسد.



۴- روش حل مسئله: حل مسئله فرایندی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راه‌هایی که به یک هدف یا یک راه‌حل منتهی می‌شود. عامل اصلی در حل مسئله، عبارت است از کاربرد تجربه قبلی فرد برای رسیدن به راه‌حل و پاسخی است که پیش از آن برای انسان شناخته شده نبوده است. تجربه، دانش و مهارت گذشته پیش نیاز حل مسئله محسوب می‌شود.

۵- روش مباحثه و انواع آن: روش مباحثه یکی از کهن‌ترین روش‌هایی است که در طول تاریخ تعلیم و تربیت به کار رفته است. روش سقراطی که مشهورترین روش‌های بحثی است و جنبه تاریخی دارد، در ابتدای این فصل معرفی شد. در اینجا روش‌های جدید معرفی می‌شود. الف) بحث کنترل شده توسط معلم / ب) بحث آزاد / ج) روش بحث گروهی

۶- روش پرسش و پاسخ: پرسش و پاسخ، فنی است که می‌تواند در کلیه روش‌های تدریس و فعالیت‌های آموزشی به کار رود. به ویژه، هنگامی که معلم می‌خواهد دانش‌آموز را به تفکر درباره مفهومی جدید با بیان مطلبی که آموخته شده است، تشویق کند.

۷- روش واحد کار (پروژه): «واحد کار» فعالیتی است که از نظر آموزشی و پرورشی دارای ارزشی است و متوجه هدف معینی می‌باشد. واحد کار معمولاً مستلزم بررسی، جمع‌آوری اطلاعات و یافتن راه‌حل، مطالعه و انجام کار عملی است و اغلب در خارج از مکان تدریس صورت می‌گیرد.

۸- روش گروه‌های کوچک: در این روش شاگردان کلاس به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند و هر یک مستقلاً به فعالیت یادگیری می‌پردازند. در چنین موقعیتی معلم انتقال دهنده دانش نیست، بلکه نقش هماهنگ کننده فعالیت‌ها را بر عهده دارد. در گروه‌های کوچک هر یک از شاگردان می‌توانند نقش فعلی بپذیرند.

۹- روش یادگیری فردی (آموزش انفرادی): این یادگیری فرایندی است که جنبه انفرادی دارد و در درون فرد انجام می‌شود. معمولاً نتایج یادگیری را با تغییراتی که در رفتار انسان به وجود می‌آید اندازه‌گیری می‌کنند. با این روش، برای هر فرد فعالیت یادگیری ویژه‌ای که با سرعت پیشرفت او مطابقت داشته باشد، معین می‌شود.

۱۰- روش آزمایشی: اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار است. در این روش موقعیت و شرایطی فراهم می‌شود تا شاگردان از طریق آزمایش و پژوهش، خود جواب مسئله را کشف کنند.



۱۱- روش نمایشی: روش نمایشی براساس مشاهده و دیدن استوار است. افراد مهارت‌های خاصی را از طریق مشاهده و دیدن فرا می‌گیرند. ابتدا معلّم عملاً جریان کاری را در برابر چشم فراگیران انجام می‌دهد و آنگاه فراگیران همان کار را مشخصاً تکرار کرده، انجام می‌دهند.

۱۲- روش گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس: «گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس» کاری است عملی که بیرون از کلاس، آزمایشگاه یا کتابخانه انجام می‌شود. و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسئله، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون پژوهشی و تحقیقی می‌باشد. تا از این طریق در مورد اعتبار فرضیه‌ها، تشخیص تغییرات یا درستی و صحت شرایط و موقعیتها، اطمینان حاصل شود.

۱۳- روش بازی‌های تربیتی (ایفای نقش): معمولاً بازیهای تربیتی مکمل سایر روش‌های تدریس است. بازیهای تربیتی انواع مختلفی دارند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

\* روش ایفای نقش (نمایش): ایفای نقش روشی است که برای تجسم عینی موضوعات و درسهایی که برای نمایش مناسب باشند، می‌توانند به کار روند. در این روش فرد یا افرادی از دانش‌آموزان موضوعی را به صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند. البته معلّم نیز با ایفای بعضی از نقشها می‌تواند، آموزش بعضی نکات درسی را در قالب نمایش به اجرا درآورد.

\* بازی‌های رقابتی: بازیهای رقابتی بین دو یا چند نفر انجام می‌شود و طی آن دو طرف مسابقه با استفاده از قواعد و اصولی که منظور شده است به رقابت می‌پردازند.

۱۴- فنّ تمرین: تمرین، یکی از فنونی است که از دیرباز در امر آموختن به کار می‌رفته است. تمرین، انواع مختلفی دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف) تمرین تکراری / ب) تمرین استنباطی / ج) مرور / د) تمرینهای عملی

۱۵- روش تدریس مفاهیم: یک مفهوم، مجموعه‌ای از موضوعات یا حوادثی است که در خصوصیات و نام مشترک، سهیم هستند. کارشناسان آموزش توصیه می‌کنند که "آموزش مفهوم" به ترتیب طی چهار مرحله "تعریف"، "ارائه مثال"، "ارائه غیر مثال" و "مقایسه ساختار" تدریس شود.





## کھودآزمایی فصل نهم

- ۱- ضمن بیان سه اصل چرخه آموزش، محوری‌ترین عامل ایجاد ارتباط در این چرخه را معین کنید.
- ۲- منظور از "فن" در امر تدریس، چیست؟
- ۳- روش‌های تدریس به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شود؟
- ۴- روش نظام مکتبی ایران دارای چه اصولی بوده است؟
- ۵- محاسن و معایب روش توضیحی را بیان کنید.
- ۶- پنج نمونه از ملاک‌های ارزشیابی مهارت توضیح را با توجه به «جدول ارزشیابی مهارت توضیح معلم» بنویسید.
- ۷- مراحل و عوامل مؤثر در سخنرانی را به اختصار توضیح دهید.
- ۸- ده مورد (از ۱۶ مورد) رهنمودهای کیفیت‌بخشی به سخنرانی را بیان کنید.
- ۹- روش اکتشافی دارای چه محاسن و معایبی است؟
- ۱۰- راه‌های حل مسئله کدامند؟ به اختصار توضیح دهید.
- ۱۱- روش مباحثه، چه پیشینه تاریخی و چه انواعی دارد؟
- ۱۲- برای اجرای روش واحد کار یا پروژه، چه مراحل باید طی شود؟
- ۱۳- روش تدریس گروه‌های کوچک را توضیح دهید.
- ۱۴- روش‌های «یادگیری فردی» و «آزمایشی» را به اختصار بیان کنید.
- ۱۵- مراحل اجرای روش نمایشی را به ترتیب نام برده، توضیح دهید.
- ۱۶- رعایت چه نکاتی در گردش‌های علمی ضروری است؟
- ۱۷- دو نمونه از بازیهای تربیتی را توضیح دهید.
- ۱۸- انواع مختلف تمرین را به اختصار شرح دهید.
- ۱۹- در راستای آموزش دقیق مفاهیم، چه مواردی باید ارائه شوند؟



## فصل دهم: مهارت‌های آموزشی و کلاس‌داری

- با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:
- مهارت‌های آموزشی را توضیح دهد.
- انواع مهارت‌های آموزشی را به اجمال بیان کند.
- مفهوم مهارت‌های کلاس‌داری را بیان دارد.
- ارتباط را تعریف کرده عوامل مخل آن را نیز بیان کند.
- منظور از مهارت در تمرکز بخشی را توضیح دهد.
- ویژگی‌های صدای خوب در تدریس را برشمرد.
- مهارت آماده سازی را تعریف کند.
- عوامل مخل برقراری نظم و انضباط کلاسی را ذکر نماید.
- چند نمونه از شیوه های برقراری انضباط را بیان کند.
- گزیده‌ای از راهبردهایی که در انگیزه‌سازی آموزشی موثرند نام ببرد.

### مهارت‌های آموزشی

منظور از مهارت‌های آموزشی، مجموعه فعالیت‌های آموزشی است که توسط معلم در فرآیند آموزش جهت رساندن فراگیر از مبدأ «اهداف ورودی» تا مقصد «اهداف رفتاری» صورت می‌پذیرد. این مهارت‌ها همانگونه که در فصول قبل اشاره شد، با توجه به مجموعه فعالیت‌های مورد انتظار معلم در پیش، حین و پس از فرآیند تدریس اجرا شده و به سه دسته تقسیم می‌شوند که توضیحات آنها پیشتر ارائه شده است. این مهارت‌ها به اختصار عبارتند از:

- ۱- مهارت‌های آموزشی پیش از تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی پیش از تدریس عبارتند از: «تعیین اهداف آموزشی»، «طراحی برنامه‌های سالانه (دوره‌ای)»، «تعیین ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان و ارزشیابی تشخیصی»، «تعیین محتوا، روش‌ها و وسایل آموزشی و نظام ارزشیابی» و



«کسب مهارت اجرای انواع روش‌های تدریس» که در فصول «چهارم» تا «نهم» این کتاب به آنها اشاره شد.

۲- مهارت‌های آموزشی حین تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی حین تدریس نیز عبارتند از «ارزشیابی تشخیصی»، «ذکر مقدمه و انگیزه‌سازی»، «ارائه درس جدید با استفاده از روش‌های مختلف»، «خلاصه کردن و نتیجه‌گیری» و «ارزشیابی تکوینی و انجام فعالیت‌های تکمیلی» که توضیح آنها در فصل‌های «هشتم» و «نهم» کتاب گذشت.

۳- مهارت‌های آموزشی پس از تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی پس از تدریس نیز شامل فعالیت‌هایی است که که معلم پس از تدریس، جهت ارزیابی میزان موفقیت فرآیند تدریس و اندازه‌گیری درصد دستیابی فراگیران به هدفهای آموزشی دوره، انجام می‌دهد که در واقع همان «ارزشیابی پایانی» است و در فصل هشتم کتاب به این مهارت نیز به اختصار اشاره گردید.

### مهارت‌های کلاسداری

علاوه بر مهارت‌های آموزشی فرآیند تدریس که در فصلهای گذشته به آنها اشاره شده است، مهارت‌های ضروری دیگری تحت عنوان مهارت‌های کلاسداری وجود دارند که در ادامه، توضیح شش مهارت از مهمترین آنها به قرار زیر خواهد آمد:

۱. مهارت در برقراری ارتباط
۲. مهارت در تمرکز بخشی
۳. مهارت آماده‌سازی
۴. مهارت در برقراری نظم و انضباط کلاسی
۵. مهارت در انگیزه‌سازی
۶. مهارت در بکارگیری اشارات حساب شده

#### (۱) مهارت در برقراری ارتباط

عمده‌ترین مسئله و مهمترین مهارت کلاسداری، برقراری ارتباط صحیح بین معلم و شاگردان است. چنانچه این رابطه به خوبی برقرار شود، هدفهای آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می‌یابند.



ارتباط در امر تدریس فرآیندی است بین پیام‌دهنده (معلم) و پیام‌گیرنده (دانش‌آموز) که به منظور ارسال و دریافت پیام (محتوای آموزش) برقرار می‌شود.

\* بنابراین در جریان برقراری ارتباط این عوامل وجود دارند: پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده، وسیلهٔ پیام، شرایط محیطی و خود پیام.

در واقع، تدریس به معنی یک کنش و واکنش پیچیده انسانی بین معلم و شاگردان است و در این روابط متقابل، به احتمال زیاد «عوامل مخل و سربار» مانع از انجام دقیق آن می‌شوند و شرایط آرمانی برای برقراری ارتباط را به مخاطره می‌اندازند. بنابراین معلم باید این عوامل را شناخته و در صدد رفع آنها برآید. عوامل مخل ممکن است مربوط به پیام‌دهنده (معلم)، پیام‌گیرنده (دانش‌آموز)، خود پیام (مطلب درسی)، وسایل و ابزار و شرایط و موقعیت مربوط به به محیط باشد که مختصراً به آنها اشاره می‌شود.

\* عوامل مخل مربوط به پیام‌دهنده (معلم): نارسایی صدا، نامفهوم بودن پیام، بی‌حوصلگی و کسالت، داشتن لهجه، ضعف شنوایی و بینایی، عدم آشنایی کافی با اصول و فنون معلمی، عدم تسلط کافی به مطالبی که تدریس می‌کند و غیره.

\* عوامل مخل مربوط به پیام‌گیرنده (دانش‌آموز): مشکلات روانی و شخصیتی از قبیل حواس‌پرتی، نگرانی و اضطراب، کمرویی و خودنمایی، ضعف بودن در درس، ضعف در بینایی و شنوایی، مشکل بیان و غیره.

\* عوامل مخل مربوط به خود پیام (مطلب درسی): خود پیام ممکن است مبهم و نارسا، بسیار مشکل و یا بیش از حد آسان باشد، همچنین ممکن است پیام مطابق با ذوق و علاقه دانش‌آموزان تهیه و تنظیم نشده باشد.

\* عوامل مخل مربوط به وسایل و محیط: ممکن است وسایلی که معلم قصد استفاده از آنها را دارد خراب باشد. ممکن است محیط داخل و خارج از کلاس در کار تدریس اختلال ایجاد نماید. به عنوان نمونه، صدای زیاد بخاری یا کولر در داخل یا سر و صدای شاگردان در حیاط مدرسه و یا صدای بوق و موتور و غیره در خارج از کلاس می‌توانند از موانع برقراری ارتباط در کلاس درس باشند.



## ۲) مهارت در تمرکز بخشی

معلم باید با مهارت‌های ویژه‌ای که کسب می‌نماید، عوامل مخمل را برطرف و فکر و ذهن و حواس دانش‌آموزان را به موضوع درس متمرکز کند. در اینجا چند نمونه از فنونی که برای جلب توجه دانش‌آموزان و تمرکز بخشی حواس آنها به کار می‌رود، معرفی می‌شوند:

\* توجه به نقش صدا و نحوه بیان معلم به هنگام تدریس: بدیهی است صدای جالب و مناسب با موضوع درس، صدای صمیمی، دلچسب و دوستانه در مقایسه با صدای خشن، تند، گوش خراش، نامفهوم و... در امر یادگیری و جلب توجه دانش‌آموزان نتیجه یکسان نخواهد داشت؛ بنابراین صدا نقش موثر در ایجاد ارتباط دارد که توجه به آن، میزان بهره‌گیری از فرآیند آموزشی را افزایش می‌دهد.

\* ویژگی‌های صدای خوب: صدای معلم باید اولاً: صاف، رسا و دلنشین باشد، دوم: آهنگ (تن) صدا متغیر بوده و یکنواخت و کسل کننده نباشد، سوم: حالت‌های عاطفی صدا رعایت شده، هر جمله به اقتضای معنا و ساخت دستور آن بیان شود و چهارم: شدت صدا با موقعیت مکانی شنوندگان مطابقت داشته باشد، یعنی به گونه‌ای باشد که همه بتوانند بدون زحمت صدای او را بشنوند. البته نباید صدا به قدری بلند باشد که گوش خراش و آزاردهنده شود.

\* حرکت در کلاس: جابجایی و حرکت معلم در کلاس یکی از فنونی است که توجه دانش‌آموزان را به خود جلب کرده، برقراری ارتباط را بهتر می‌کند.

\* توجه دادن کلامی و غیر کلامی: با استفاده از حرکات کلامی و غیر کلامی می‌توان توجه دانش‌آموزان را جلب کرد.

- نمونه‌های کلامی: "به تابلو نگاه کنید"، "چه کسی جواب این سؤال را می‌داند" ...

- نمونه‌های غیر کلامی: استفاده از چوب اشاره، تکان دادن دست، پا و سر به مقاصد مختلف کوبیدن روی تخته (با گچ یا ماژیک).

\* ایجاد تنوع در برقراری رابطه بین افراد کلاس: معلم با ایجاد و تغییر در شکل رابطه متقابل بین افراد کلاس می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به جریان تدریس جلب نماید. (مثلاً می‌تواند با درخواست مباحثه ۲ یا ۳ نفره شاگردان، پیرامون موضوع تدریس شده، این فضا را ایجاد نماید).



\* سکوت: معلم می‌تواند بنا به موقعیت و تشخیص خود، با سکوت چند ثانیه‌ای یا بیشتر، موجب تمرکز حواس دانش‌آموزان شود.

\* به کارگیری حواس مختلف: معلم با توجه به موضوع درس و در نظر گرفتن موقعیت می‌تواند از حواس بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی استفاده کند و از این طریق نیز توجه دانش‌آموزان را به درس جلب نماید.

### ۳) مهارت آماده سازی

«آماده‌سازی فعالیتی است که معلم از طریق آن سعی می‌کند ارتباطی معنادار بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای شاگردان با هدف‌های آموزشی برقرار کند.» به عبارتی دیگر معلم پیش از آنکه مطلب اصلی را به دانش‌آموزان ارائه کند باید ذهن و حواس آنها را برای آموختن درس جدید آماده سازد.

به طور کلی هدف از آماده سازی عبارت است از: متمرکز نمودن حواس دانش‌آموزان، معرفی ضمنی و غیر مستقیم موضوع درس، ایجاد علاقه، انگیزه و کنجکاوی در دانش‌آموز برای یادگیری مطلب جدید.

معلم باید سعی نماید تا با استفاده از معلومات و تجربه‌های قبلی دانش‌آموزان به مباحث درس جدید ورود یابد و برای این امر می‌تواند از ابتکارات خود استفاده کند یا از روش‌های مشابهی که تجربه شده است بهره گیرد.

### ۴) مهارت در برقراری نظم و انضباط کلاسی

برای دستیابی به این مهارت باید ابتدا با عواملی که موجب برهم زدن نظم کلاس می‌شوند آشنا شد و سپس شیوه‌های برخورد صحیح با آن عوامل را به کار بست.

\* عواملی که نظم کلاس را برهم می‌زنند:

عواملی که نظم کلاس را برهم می‌زنند به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- ۱- عوامل ناشی از رفتار معلم
- ۲- عوامل ناشی از رفتار دانش‌آموزان
- ۱- عوامل ناشی از رفتار معلم: شامل تحقیر دانش‌آموزان، اجرای مقررات خشک و افراطی، تنبیه غیر منطقی، توجه خاص به عده خاصی از دانش‌آموزان و عدم توجه به سایرین، تشویق‌های مبالغه‌آمیز



و مکرر، صحبت خصوصی با برخی دانش‌آموزان، عدم توجه به اختلاف‌های فردی دانش‌آموزان، عدم توجه به کوشش‌های دانش‌آموزان، تهدید به کم نمره دادن، بداخلاقی و غیره.

۲- عوامل ناشی از رفتار دانش‌آموزان: شامل رفتارهای حرکتی (بی‌نظمی‌های حرکتی دانش‌آموزان مثل بلند شدن، راه رفتن و ...) و رفتارهایی که موجب تولید صدا می‌شوند (کوبیدن مداد و غیره روی میز، کف زدن، پاکوبیدن و ...)، رفتارهای تهاجمی (قاییدن اشیاء از دیگران، انداختن کتاب بغل دستی، سیلی زدن و ...) رفتارهای مربوط به تغییر جهت (توجه به بغل دستی، نشان دادن اشیاء به دیگران و ...) رفتارهای کلامی نابجا (بی‌اجازه صحبت کردن، صدا کردن معلم، گریه کردن، آواز خواندن و ...)، بی‌اعتنایی (بی‌توجهی به سوال یا دستور معلم، بازی با مداد و قلم و ...)، وضعیت‌های نادرست بدنی (درست ننشستن و ...)، رفتارهای ناشی از ناراحتی‌های جسمی و عصبی (جویدن انگشت و ناخن، جویدن لب، تیکه‌های مختلف و ...)، رفتار قدرت طلبانه (بلند خواندن کتاب برای خود و یا دیگران، تقلید نقش معلم و ...) و ...

\* رهنمودهایی برای برقراری انضباط:

— در رفتارهای خود و دانش‌آموزان دقیق شده و انواع مشکلات رفتاری خویش و آنان را یادداشت و برای آن قوانین و مقررات خاصی وضع نموده و سعی کنید آنها را روی ورق یا مقوایی با خط درشت و واضح نوشته و در محل مناسبی از کلاس نصب نمایید.

— تذکرات را به صورت مثبت بیان کنید مثلاً به جای "حرف نزنید" بگویید: "موقع تدریس آرام و ساکت باشید."

— پیش از شروع درس انتظارات خود را از شاگردان، به طور مشخص بیان کنید و آنان را در پیروی آنها تشویق کنید.

— برای تدریس آمادگی کافی داشته باشید و بدون طرح درس وارد کلاس نشوید.

— بین شاگردان تبعیض قائل نشوید.

— چنانچه دچار اشتباه در تدریس شدید، از اعتراف به آن نهراسید.

— از جدی بودن بیش از حد و در عین حال از شوخیهای بی‌مورد پرهیز کنید.

— اسامی شاگردان خود را به خاطر سپرده، آنان را به اسم کوچک نام ببرید.

— انتظاراتی که شاگردان از شما دارند در نظر بگیرید و به مشکلات آنان توجه کنید.

— به دانش‌آموزان احترام گذاشته، کسی را تحقیر یا از کلاس بیرون نکنید.

— برخی رفتارهای ناپسند را نادیده بگیرید، مانند از جا برخاستن، جابجا شدن و ...

— با توجه بیشتر به دانش‌آموزان و نزدیکی و صمیمی تر شدن با ایشان، در کاهش رفتارهای ناپسند و تقویت رفتارهای خوب آنان بکوشید.





## ۵) مهارت در انگیزه سازی

قبلاً اشاره‌ای اجمالی به بحث "انگیزش" شد و در اینجا با توجه به اهمیت آن به عنوان یکی از مهارت‌های کلاس‌داری، توضیحات کاملتری ارائه می‌شود. واژه "انگیزه" به عنوان جهت دهنده و تسریع کننده به رفتار انسانی تعریف شده است. معلم با "انگیزه‌سازی" در ابتدا و در خلال آموزشها می‌تواند همواره، توجه و علاقه دانش‌آموزان را به فراگیری درس در حد مطلوب نگاه‌دارد. از این رو در این قسمت به برخی راهبردهایی که در انگیزه‌سازی آموزشی موثرند اشاره می‌شود.

### \* دانش‌آموزان را در تعیین اهداف درگیر کنید.

درگیر کردن دانش‌آموزان در اهداف کلی و جزئی، به آنها حس توانمندی و صلاحیت در دوره‌های کوتاه و بلند مدت می‌دهد و این دو همواره به عنوان عوامل ایجاد کننده علاقه و تعهد و کوشش در دانش‌آموزان پذیرفته شده است.

### \* اهداف آموزشی را فردی کنید.

اهداف فردی پذیرفته شده بیان می‌کنند که هر دانش‌آموز با دانش‌آموز دیگر متفاوت و یادگیری او بر طبق توانایی‌اش به میزان و سرعت متفاوتی است. به دانش‌آموزان وظایفی بدهید که قادر به انجام آن باشند و بر اساس مهارتشان در انجام آن وظایف آنها را ارزیابی کنید. در این مورد به مقایسه توفیق دانش‌آموزان در انجام آن وظایف نسبت به وظایف قبلی او بپردازید، زیرا که این امر وازدگی دانش‌آموزان کندتر را کاهش داده و در عین حال برای دانش‌آموزان باهوش‌تر نیز خسته کننده نخواهد بود. این تکنیک تحرک و انگیزه هردو را افزایش می‌دهد.

### \* اولویت‌ها را در محتوای آموزشی مشخص کنید.

با تعیین اولویت‌های یادگیری و اهمیت دادن بیشتر به اولویتهای آموزشی، می‌توان ادراکات دانش‌آموزان را نسبت به فراگیری آنها حساس‌تر نمود و انگیزه یادگیری ایشان را تقویت کرد.

### \* ارتباط دادن مطالب با آینده دانش‌آموزان

هرچند دانش‌آموزان نادان نیستند ولی همه چیز را هم نمی‌دانند، لذا این نه تنها یک وظیفه حرفه‌ای، بلکه وظیفه اخلاقی معلمین است که به دانش‌آموزان اهمیت فراگیری مطالب و تاثیر آن در زندگی آینده‌شان را گوشزد نمایند.

### \* به دانش‌آموزان چگونه یادگرفتن را بیاموزید

یادگیری بسیاری از دانش‌آموزان اثر بخش و عمیق نیست. نه اینکه فاقد توانایی یادگیری هستند، بلکه آنها نسبت به روش‌های صحیح یادگیری ناآگاه می‌باشند. در چنین مواردی این مسئولیت



معلمان است که به آنها مهارت‌های مطالعه موثر مانند آمادگی قبلی یادداشت برداری، روخوانی مطالب، دوره کردن و خلاصه کردن را آموزش بدهند. مجهز شدن به این مهارت‌ها به دانش‌آموزان انگیزه می‌دهد که در حل مشکلات درسی و پژوهش‌ها با روش‌های ثمربخش و عملی تلاش نمایند.

**\* باید اولین تجربه‌ها برای دانش‌آموزان جالب شود.**

وقتی دانش‌آموزان برای بار اول مطلبی را تجربه می‌کنند، تاثیراتی را در ذهن خویش شکل می‌دهند که در دراز مدت باقی خواهد ماند. لذا معلمان باید تلاش‌های ویژه‌ای به عمل آورند تا از رضایت‌بخش بودن تاثیرات نخستین آموزش‌ها در ذهن دانش‌آموزان اطمینان یابند.

**\* برای معرفی ناشناخته‌ها از شناخته‌ها استفاده کنید.**

تحقیقات اهمیت استفاده از دانش و تجربه‌های قبلی دانش‌آموز را به عنوان کمک به یادگیری تأیید کرده است. پس ضروری است معلمان همیشه این واقعیت را به خاطر بسپارند که زندگی خارج از کلاس دانش‌آموزان مملو از تجربیاتی است که بسیاری از آنان می‌توانند موجب ایجاد یا افزایش علاقه ایشان نسبت به مسائل درسی و مهارت‌های مرتبط گردند.

**\* برای رسیدن دانش‌آموزان به موفقیت، برنامه‌ریزی کنید.**

بدیهی است تکالیف و وظایف دانش‌آموزان باید چالش‌انگیز باشد، اما باید به آنها فرصت موفقیت‌های معقول داده شود. محققین دریافته‌اند که دانش‌آموزان کوچکتر و به خصوص یادگیرندگان کندتر، زمان بیشتری برای ادراک و فراگیری موضوعات آموزشی دارند، از این رو معلم باید میزان محتوای آموزش، سطح آسانی و سختی آن و تمرینات فراگیری را متناسب با مخاطبان برنامه‌ریزی نموده و از ارائه یک نمونه کلیشه‌ای برای تمامی سطوح مخاطبان خودداری نماید.

**\* دانش‌آموزان را برای موفقیت آنان تحسین و تشویق کنید.**

یکی از مستندترین اصول انگیزش این است که "موفقیت، موفقیت می‌آورد." زمانی که فراگیران و به ویژه نوجوانان برای مهارت‌های پیشین خود به طور رضایت‌بخش تحسین شوند، برانگیخته خواهند شد که برای انجام وظایف جدید بیشتر تلاش کنند. در واقع معلمان نیاز دارند که دو مطلب را به خاطر بسپارند، اول اینکه با دانش‌آموزان با گشاده‌رویی برخورد کرده و یا با دادن نمره خوب از آنان قدردانی کنند و دوم آنکه نیاز دانش‌آموزان برای پیشرفت‌های کوچک و بزرگ را در نظر بگیرند.

**\* دانش‌آموزان را برای تلاش‌هایشان - به دور از نتیجه‌های به دست آمده - تشویق کنید.**



دانش‌آموزان همواره برای هر کار جدید با به کارگیری روش جدید و تمرکز بر روی محتوای جدید تلاش می‌کنند و مربیان می‌توانند با قدردانی مثبت از آن دسته از تلاش‌ها که ناموفق و ناقص است، ایشان را برای تلاش بیشتر و ادامه تلاش‌هایشان ترغیب کنند و آینده‌ای روشن را به آنان نوید دهند.

**\* دانش‌آموزان را در آموزش درگیر کنید.**

هیچ اصل آموزشی شایسته‌تر از توجه به مشارکت فعال دانش‌آموزان در تمام مراحل آموزش، از کمک به تنظیم اهداف تا هدایت به درگیری در ارزیابی نیست.

**\* از فنون متنوع تدریس استفاده کنید.**

معلمانی که اطلاعات را به روش‌های مختلف ارائه می‌کنند، هوش‌های مختلف مخاطبان از جمله هوش‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری و ... را فعال کرده و می‌تواند سطح فراگیری مخاطبان را به حداکثر رسانده و اعتماد آنان را نسبت به توانایی‌هایشان در فراگیری آموزش‌ها، افزایش دهند.

**\* یک دوست خوب برای دانش‌آموزانتان باشید.**

علاقه و دوستی از مهمترین عوامل و نیروهای انگیزشی در کلاسها است. پس معلم باید از این خصوصیت عاطفی برای ایجاد ارتباط و تاثیرگذاری بیشتر بر دانش‌آموزان در جهت جلب و افزایش توجه ایشان به درس و محیط آموزشی بهره گیرد.

## ۶) مهارت در بکارگیری اشارات حساب شده

یکی از مهارت‌های مهم در تدریس مهارت به کارگیری "اشارات حساب شده" است. اشارات از دیرباز نقش بسیار مهم و اساسی در زندگی بشر داشته و در واقع یکی از اولین راه‌های ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر پس از نقاشی، زبان اشاره بوده است و هم‌اکنون نیز این زبان به عنوان یکی از زبانهای بین‌المللی برای ارتباط با ناشنوایان بوده و علاوه بر آن از این راه ارتباطی، نیروهای نظامی در کمینگاه‌های عملیات جنگی استفاده می‌کنند.

از مهمترین موارد استفاده اشارات می‌توان به حرکات حساب شده دست، دهان، صورت و ابروی سخنرانان حرفه‌ای اشاره نمود. چنانچه انجام تمرینات مستمر و تخصصی برای دستیابی به اشارات حساب شده، یکی از ملزومات دستیابی به مهارت سخنرانی حرفه‌ای شمرده شده است.

از آنجا که انجام حرکات و اشارات حساب شده توسط معلم می‌تواند فراگیری بسیاری از مواد آموزشی را برای دانش‌آموزان سهل نموده و در به‌خاطر سپاری آن به ایشان کمک نماید، لذا ضروری است معلمان به بهترین وجه از این مهارت در تدریس خود بهره گیرند.



به عنوان مثال معلم با کشش دست خود در مسیری شبیه شکل "مد" می‌تواند تصویری از "کشش" را در ذهن قرآن‌آموز ترسیم نموده و با به وجود آوردن مجاورت ذهنی «کشش دست» با «شکل مد»، کشش صوتی حروف مدی با علامت مدّ را در ذهن فراگیر تداعی نماید.

### خلاصه فصل

منظور از مهارت‌های آموزشی، مجموعه فعالیت‌های آموزشی است که توسط معلم در فرآیند آموزش جهت رساندن فراگیر از مبدأ «اهداف ورودی» تا مقصد «اهداف رفتاری» صورت می‌پذیرد. این مهارت‌ها همانگونه که در فصول قبل اشاره شد، با توجه به مجموعه فعالیت‌های مورد انتظار معلم در پیش، حین و پس از فرایند تدریس انجام شده و به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- مهارت‌های آموزشی پیش از تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی پیش از تدریس عبارتند از: «تعیین اهداف آموزشی»، «طراحی برنامه‌های سالانه (دوره‌ای)»، «تعیین ویژگی‌های ورودی یادگیرندگان و ارزشیابی تشخیصی»، «تعیین محتوا، روش‌ها و وسایل آموزشی و نظام ارزشیابی» و «کسب مهارت اجرای انواع روش‌های تدریس» که در فصول «چهارم» تا «نهم» این کتاب به آنها اشاره شد.

۲- مهارت‌های آموزشی حین تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی حین تدریس نیز عبارتند از: «ارزشیابی تشخیصی»، «ذکر مقدمه و انگیزه سازی»، «ارائه درس جدید با استفاده از روش‌های مختلف»، «خلاصه کردن و نتیجه گیری» و «ارزشیابی تکوینی و انجام فعالیت‌های تکمیلی» که توضیح آنها در فصل‌های «هشتم» و «نهم» کتاب گذشت.

۳- مهارت‌های آموزشی پس از تدریس: مهمترین مهارت‌های آموزشی پس از تدریس نیز شامل فعالیت‌هایی است که که معلم پس از تدریس، جهت ارزیابی میزان موفقیت فرآیند تدریس و اندازه‌گیری درصد دستیابی فراگیران به هدفهای آموزشی دوره، انجام می‌دهد که در واقع همان «ارزشیابی پایانی» است و در فصل هشتم کتاب به این مهارت نیز به اختصار اشاره گردید.

علاوه بر مهارت‌های آموزشی فرایند تدریس که در فصل‌های گذشته به آنها اشاره شده است، مهارت‌های ضروری دیگری تحت عنوان مهارت‌های کلاس‌داری وجود دارند که در ادامه، توضیح شش مهارت از مهمترین آنها به قرار زیر خواهد آمد:

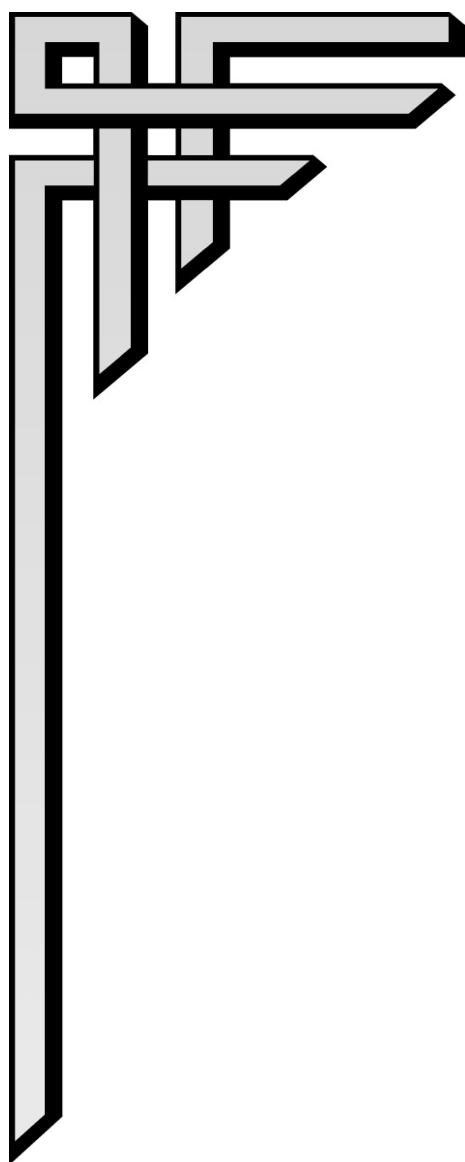


۱. مهارت در برقراری ارتباط: عمده‌ترین مسئله و مهمترین مهارت کلاس‌داری، برقراری ارتباط صحیح بین معلم و شاگردان است. ارتباط در امر تدریس فرایندی است بین پیام‌دهنده (معلم) و پیام‌گیرنده (دانش‌آموز) به منظور ارسال و دریافت پیام (محتوای آموزش) برقرار می‌شود.
۲. مهارت در تمرکز بخشی: معلم باید با مهارت‌های ویژه‌ای که کسب می‌نماید، عوامل مخل را برطرف و فکر و ذهن و حواس دانش‌آموزان را به موضوع درس متمرکز کند.
۳. مهارت آماده‌سازی: "آماده‌سازی فعالیتی است که معلم از طریق آن سعی می‌کند ارتباطی معنی‌دار بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای شاگردان با هدف‌های آموزشی برقرار کند." به عبارتی دیگر معلم پیش از آنکه مطلب اصلی را به دانش‌آموزان ارائه کند باید ذهن و حواس آنها را برای آموختن درس جدید آماده سازد.
۴. مهارت در برقراری نظم و انضباط کلاسی: برای دستیابی به این مهارت باید ابتدا با عواملی که موجب برهم زدن نظم کلاس می‌شوند آشنا شد و سپس شیوه‌های برخورد صحیح با آن عوامل را به کار بست.
۵. مهارت در انگیزه‌سازی: واژه "انگیزه" به عنوان جهت دهنده و تسریع کننده به رفتار انسانی تعریف شده است. معلم با "انگیزه‌سازی" در ابتدا و در خلال آموزش‌ها می‌تواند همواره، توجه و علاقه دانش‌آموزان را به فراگیری درس در حد مطلوب نگاهدارد.
۶. مهارت در بکارگیری اشارات حساب شده: از آنجاکه انجام حرکات و اشارات حساب شده توسط معلم می‌تواند فراگیری بسیاری از مواد آموزشی را برای دانش‌آموزان سهل نموده و در به‌خاطر سپاری آن به ایشان کمک نماید، لذا ضروری است معلمان به بهترین وجه از این مهارت در تدریس خود بهره گیرند.



## بخودآزمایی فصل دهم

- ۱- مهارت‌های آموزشی و انواع آن را به اختصار بیان کنید؟
- ۲- مهارت‌های کلاس‌داری چیست؟
- ۳- عوامل ارتباط و مخل آن را نام برده به اختصار شرح دهید.
- ۴- ویژگیهای صدای خوب برای تدریس چیست؟
- ۵- چهار نمونه از طرق تمرکز بخشی را نام برده و توضیح دهید.
- ۶- منظور از مهارت آماده سازی چیست؟
- ۷- عواملی که نظم کلاس را برهم می‌زنند به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ نام ببرید.
- ۸- چه راهکارهایی را برای برقراری انضباط در کلاس می‌توان به کار بست؟ (۵ مورد را بیان کنید)
- ۹- شش راهبرد برای انگیزه‌سازی بیان کنید.
- ۱۰- مهارت در بکارگیری اشارات حساب شده را توضیح دهید؟



بخش سوم:

کاربرد

روانشناسی

پرورشی در

تدریس





## فصل یازدهم: کلیات و تعاریف روانشناسی پرورشی

- با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:
- روانشناسی پرورشی را تعریف کند.
- تفاوت تدریس با آموزش دادن را بیان دارد.
- تعریف محرک و کنترل محرک را ذکر کند.
- اصطلاحات محرک تمیزی و اس - دلتا و تمیز محرک را توضیح دهد.
- مفهوم تعمیم محرک و شیب محرک را تبیین نماید.
- کاربردهای آموزشی شیب محرک را بیان دارد.
- زنجیره کردن، نشانه دهی و مطابقه را شرح دهد.
- حذف محرک و شکل دهی محرک را تعریف کند.
- مفهوم اصطلاحات فعالسازی و سرمشق دهی را تبیین نماید.

### روانشناسی پرورشی<sup>۳۰</sup>

روانشناسی پرورشی، شاخه‌ای از علم روانشناسی است که در خدمت پرورشکاران قرار دارد. روانشناسی خود یکی از شاخه‌های علوم تجربی و علوم تجربی نیز یکی از دانشها یا معرفت‌های بشری است. هدف روانشناسی پرورشی کمک به پرورشکاران در برخورد درست با مسائل پرورشی است. روانشناسی را به عنوان علم مطالعه رفتار و فرایندهای شناختی و ذهنی زیربنای رفتار، تعریف کرده‌اند و روانشناسی پرورشی عمدتاً به مطالعه ویژگیهای یادگیرندگان، در یادگیری و آموزش می‌پردازد. اگر به صحیح یاد دادن و درست تدریس کردن علاقمند باشیم، باید قادر به سنجش درک دانش‌آموزانمان بوده و در این راه از مسائلی که بر رفتارشان تاثیر می‌گذارد تا حدودی آگاهی داشته



باشیم. راه رسیدن به این آگاهی، بهره‌گیری از تجربه و عقل سلیم و استفاده از علم روان‌شناسی می‌باشد.

«روانشناسی» مطالعه علمی رفتار انسان است. این علم به ما می‌آموزد که برای فهمیدن این که چرا یک شخص به روش مشخصی رفتار می‌کند ما باید سرشت و طبیعت، درجه هوش، سن، موقعیت فعلی، مزاج و تندرستی، تجارب گذشته، رویدادهای زمان فعلی، و غیره مخاطب خویش را در نظر داشته باشیم. این باعث می‌شود که دریا بایم رفتار فرد، زاینده ترکیب همه عوامل فوق خواهد بود. هر چه شخص بیشتر مستعد انجام یک رفتار مشخص و معینی باشد، به همان اندازه تحریک کمتری برای بروز آن نوع رفتار لازم است.

برای مثال اگر فردی احساس خوشحالی می‌کند، خنداندن او کار آسانی خواهد بود و برعکس هر چه شخص زمینه کمتری برای انجام یک رفتار معین داشته باشد، تحریک بیشتری برای به وجود آمدن آن نوع رفتار لازم خواهد بود. در مجموع می‌توان به این مطلب تأکید نمود که یک معلم، با تسلط بر علم روانشناسی و تشریح و تحلیل رفتار مخاطبان خویش خواهد توانست به بسیاری از عواملی که موجب آن رفتار شده است اشراف یابد و همچنین در مواقع مختلف خواهد توانست تا حدود زیادی رفتار مخاطبان را - با توجه به درس مورد تدریس - به سمتی که می‌خواهد سوق دهد.

### تفاوت "تدریس" با یاد دادن<sup>۳۱</sup>

تدریس یا آموزش دادن، سلسله فعالیتهای منظم و مرتبی است که از قبل طراحی شده است و هدف آن ایجاد شرایط مطلوب برای تغییر و تسهیل یادگیری توسط فراگیران است. تدریس بدون تعامل معلم و شاگرد بی‌معنی است. تدریس آن فعالیت است که با حضور معلم انجام می‌شود. در تعریفی دیگر تدریس عبارتست از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (میزان موفقیت روش تدریس به معلومات و مهارت‌های تخصصی معلم در زمینه‌های روانشناسی پرورشی، تسلط بر موضوع درسی و اصول و فنون تدریس و کلاس‌داری) بستگی دارد.



«درس دادن» با «یاد دادن» یکی نیست. وقتی که درس می‌دهیم فعالیت‌هایی نظیر صحبت کردن، نوشتن روی تخته، رسم کردن نمودار، شرح دادن مطالب، پرسیدن یا سوال کردن و مقرر کردن تمرین انجام می‌دهیم و هنگام یاد دادن نه تنها به اعمال ذکر شده می‌پردازیم، بلکه دانش‌آموزان را نیز متقاعد می‌کنیم که آنها را انجام دهند. به عبارتی «یاد دادن» یعنی تحریک و تشویق دیگران به همراهی معلم تا حصول نتیجه. (شامل: اظهار نظر کردن، ارتباط دادن، یادآوری و استدلال).

### اصطلاحات روانشناسی پرورشی<sup>۳۲</sup>

#### \* " محرک<sup>۳۳</sup>

«هر رویداد مشخص و قابل مشاهده در محیط، در یک نقطه زمانی خاص محرک نامیده می‌شود» و هر فردی می‌تواند آن واقعه را به عنوان یک عامل مشخص در زمان و مکان ادراک کند. یک محرک می‌تواند هر چیزی باشد که در درون یا بیرون اتفاق می‌افتد و شخص وجود آن را با گفتن «بلی، آن در حال وقوع است» تصدیق می‌کند. (مثل صدای معلم، لغات نوشته شده، حالت چهره و ...)

#### \* " کنترل محرک<sup>۳۴</sup>

«زمانی که یک رویداد مشخص، پاسخ یا واکنشی را از سوی شخصی برمی‌انگیزد، "کنترل محرک" صورت گرفته است». یک معلم پیش دبستانی به کودکان شیء قرمز رنگی را نشان می‌دهد و می‌گوید "این چه رنگی است؟" کنترل محرک زمانی محقق می‌شود که کودک کلمه "قرمز" را بگوید.

۳۲. ر. ک. نلسون، آنا بل - ترجمه رضا پور، یوسف - ۱۳۸۰؛ کتاب "طراحی برنامه درسی".

۳۳. Stimulus.

۳۴. Stimulus Control.



### \* "محرك تمیزی" ۳۵

«رویداد مشخص و قابل مشاهده‌ای که رفتاری ویژه را برمی‌انگیزد، "محرك تمیزی" نامیده می‌شود.» در موقعیتی که نور سبز چراغ راهنما موجب می‌شود که راننده کلاج را فشار دهد، نور سبز یک "محرك تمیزی" خوانده می‌شود و یک محرك قابل مشاهده است که رفتاری را بر می‌انگیزد.

### \* "اس - دلتا" ۳۶

«"اس - دلتا" رویدادهای قابل مشاهده در محیط است که رفتار ویژه‌ای را بر نمی‌انگیزد.» زمانی که نور سبز به عنوان علامت حرکت، محرك تمیزی است، نور زرد، نور قرمز، تیر چراغ برق، تابلوی اعلانات پشت چراغ برق، ماشین‌های اطراف، صدای یک مسافر در ماشین کناری و غیره، "اس - دلتا" به شمار می‌روند. در برقراری کنترل محرك، باید توجه شود که محرك تمیزی چیست و اس - دلتاها کدامند.

### \* "تمیز محرك" ۳۷

«پاسخ‌دهی به یک محرك به نحوی که متمایز از پاسخ به دیگر محرکها باشد "تمیز محرك" نامیده می‌شود.» به عبارت دیگر هرگاه "کنترل کننده محرك" (دانش‌آموز یا هر فرد دیگر) بتواند به درستی "محرك" را تشخیص داده و نسبت به آن واکنش متناسب نشان دهد، در واقع تمیز محرك صورت گرفته است. مثل واکنش صحیح قرآن‌آموز در مواجهه با علائم وقف و وصل در قرآن کریم و وقف نکردن بر روی کلمه‌ای که علامت (لا) دارد و درمقابل، وقف کردن بر روی کلمه‌ای که دارای علامت (م) می‌باشد.

۳۵. Discriminative Stimulus (SD).

۳۶. S- Delta.

۳۷. Stimulus Discriminative.



### \* "تعمیم محرک" ۳۸

«در تعمیم محرک، پاسخی که به یک محرک داده می‌شود، مشابه پاسخی است که به محرک دیگری داده شده است» به عبارت دیگر مهارت یا مفهوم تجربه شده، خارج از موقعیت یادگیری قبلی، و در موقعیتی جدید به کار می‌رود. هر قدر شباهت دو محرک به یکدیگر بیشتر باشد به همان اندازه شخص با احتمال بیشتری، عمل تعمیم پاسخ از یک محرک آشنا به محرک ناشناخته دوم را به عمل خواهد آورد. (قانون تعمیم محرک)

### \* "شیب محرک" ۳۹

«هرگاه محرکها در یک بعد و به صورت متوالی قرار گیرند، به گونه‌ای که هر محرک با تغییر اندکی به محرک جدید ولی نزدیک به محرک قبلی تبدیل شود، این حالت را "شیب محرک" گویند.» همانند شیب محرک در طیفی از رنگ‌های نزدیک به هم مثل نارنجی و قرمز و رنگ‌های بین آنها.

### \* "کاربردهای آموزشی شیب محرک" ۴۰

اگر معلّمی بخواهد تمایز بین محرکها را آموزش دهد، در این صورت دو محرکی که در شیب محرک بیشترین دوری را نسبت به هم دارند، باید انتخاب شوند.

### \* "زنجیره کردن" ۴۰

«مرتب کردن محرکها از ساده به پیچیده برحسب توانایی دانش‌آموز در ارائه پاسخ درست، "زنجیره کردن" نامیده می‌شود.» گام اول برای دانش‌آموز ساده‌تر از گام دوم است و گام دوم ساده‌تر از گام سوم و ... با به کارگیری درست روش زنجیره کردن، معلم قطعات کوچکتری از یک محتوا را آماده می‌کند تا فراگیر با جذب آسان آن بتواند به نحو پیش رونده‌ای به اکتساب کل مفهوم نائل گردد.

---

۳۸. Stimulus Generalization

۳۹. Stimulus Gradient

۴۰. Sequencing



## \* "نشانه دهی"

«به کارگیری روش‌هایی که احتمال پاسخ‌دهی درست از جانب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند، "نشانه‌دهی" نامیده می‌شود.» برای نشانه‌دهی پاسخ‌های درست، راه‌های زیادی وجود دارد که شامل "مطابقه"<sup>۴۱</sup>، شکل‌دهی محرک<sup>۴۲</sup>، حذف محرک<sup>۴۳</sup>، سرمشق‌دهی<sup>۴۴</sup> و فعال‌سازی<sup>۴۵</sup> است.

## \* "مطابقه"

«مطابقه عبارت است از قراردادن یک محرک تمیزی آشنا بر روی یک محرک جدید به نحوی که پاسخ آن محرک آشنا موجب تعمیم این پاسخ به محرک جدید بشود.» مبتنی بر این ایده اصلی است که محرکی پیدا شود که قبلاً یک محرک تمیزی بوده و بتواند مطابقه پاسخی مشابه با پاسخ مورد نظر معلم را ایجاد کند ... هدف، انتقال پاسخ از یک محرک تمیزی آشنا به محرکی است که برای دانش‌آموزان ناشناخته است. مثلاً با کشیدن حرف «ن» شبیه یک قرص نان و مطابقت دادن این دو به هم، می‌توان ذهن کودک یا نوآموز را از شکل نان به سوی شکل حرف «ن» تعمیم داد و او را به صورت ناخودآگاه جهت ابراز واکنش مورد نظر برای شناخت و تلفظ حرف «ن» هدایت نمود.

## \* "حذف محرک"

«حذف محرک عبارت است از افزودن یا کم کردن تدریجی بخش‌هایی از محرک». برای مثال کتابهای آموزشی خط و خوشنویسی که برای آموزش حروف و کلمات به دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرند نمونه‌ای از کاربردهای روش حذف محرک می‌باشند. ابتدا حروف موردنظر به صورت نقطه‌چین نوشته می‌شود؛ کار دانش‌آموز آن است که نقطه‌چین‌ها را به هم متصل کند. سپس طی چند مرحله نقطه‌چین‌ها حذف شده و دانش‌آموز مستقلاً حرف را می‌نویسد یا مانند بخش‌خوانی قبل از

۴۱. Super imposition.

۴۲. Stimulus shaping.

۴۳. Stimulus fading.

۴۴. Modeling.

۴۵. Prompting.



تسلط به کلمه‌خوانی و حذف مکث بین بخشها، پس از تسلط یافتن قرآن‌آموز و انجام کلمه‌خوانی بدون نیاز به بخش‌خوانی.

### \* "شکل‌دهی محرک"

«شکل‌دهی محرک عبارت است از تغییر تدریجی شکل یک محرک.» در شکل‌دهی محرک، شخص مراحل آموزش را با یک محرک آشنا شروع می‌کند و بعد به تدریج شکل آن تبدیل به یک شکل جدید و ناآشنا می‌شود. این شیوه متفاوت از روش‌های مطابقه و حذف محرک است، زیرا در هر کدام از این دو روش نشانه‌دهی، جنبه‌ای از محرک نهایی ارائه می‌شود ولی در فرایند شکل‌دهی، هر محرک تبدیل به محرکی دیگر می‌شود. مثلاً در آموزش خط پس از آموزش حرف «ر» به شاگرد، می‌توان با بهره‌گیری از شیوه شکل‌دهی محرک، کم‌کم شکل آن را به شکل «ن» درآورد و به همین ترتیب شکل «ن» را کم‌کم به شکل «ی» درآورد و از محرکی آشنا به تدریج به شکلی جدید رسید.

### \* "فعال‌سازی" و "سرمشق‌دهی"

«نشان دادن پاسخ مورد انتظار توسط شخص مورد علاقه فراگیر، ارائه پاسخ یا بخشی از آن توسط مربی، درست قبل و یا در حین پاسخ فراگیر، "فعال‌سازی" نامیده می‌شود.» از این روش معلم می‌تواند برای کمک به ارائه پاسخ درست توسط فراگیر استفاده کند. در این مورد، سخنان و اعمال معلم سرنخ‌هایی برای یادگیری هستند. در اغلب موارد، ابتدا سرمشقی ارائه می‌شود و سپس با برانگیختن توجه فراگیر به سرنخ‌های درست، پاسخ‌دهی فراگیر ادامه می‌یابد. «"سرمشق‌دهی" چگونگی حل یک مسئله یا شیوه پاسخ‌دهی به یک سوال را نشان می‌دهد.» "روش فعال‌سازی" نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در حل مسئله به فراگیر کمک کرد تا او در این کار مستقل شود.



## خلاصه فصل

روانشناسی را به عنوان علم مطالعه رفتار و فرآیندهای شناختی و ذهنی زیربنای رفتار، تعریف کرده‌اند و روانشناسی پرورشی عمدتاً به مطالعه ویژگی‌های یادگیرندگان، در یادگیری و آموزش می‌پردازد.

«درس دادن» با «یاد دادن» یکی نیست. وقتی که درس می‌دهیم فعالیت‌هایی نظیر صحبت کردن، نوشتن روی تخته، رسم کردن نمودار، شرح دادن مطالب، پرسیدن یا سوال کردن و مقرر کردن تمرین انجام می‌دهیم و هنگام یاد دادن نه تنها به اعمال ذکر شده می‌پردازیم، بلکه دانش‌آموزان را نیز متقاعد می‌کنیم که آنها را انجام دهند. به عبارتی «یاد دادن» یعنی تحریک و تشویق دیگران به همراهی معلم تا حصول نتیجه. (شامل: اظهار نظر کردن، ارتباط دادن، یادآوری و استدلال).

\* هر رویداد مشخص و قابل مشاهده در محیط، در یک نقطه زمانی خاص محرک نامیده می‌شود.

\* زمانی که یک رویداد مشخص، پاسخ یا واکنشی را از سوی شخصی برمی‌انگیزد، "کنترل محرک" صورت گرفته است.

\* رویداد مشخص و قابل مشاهده‌ای که رفتاری ویژه را برمی‌انگیزد، "محرک تمیزی" نامیده می‌شود.

\* "اس - دلتا" رویدادهای قابل مشاهده در محیط است که رفتار ویژه‌ای را بر نمی‌انگیزد.

\* پاسخ‌دهی به یک محرک به نحوی که متمایز از پاسخ به دیگر محرکها باشد "تمیز محرک" نامیده می‌شود.

\* در تعمیم محرک، پاسخی که به یک محرک داده می‌شود، مشابه پاسخی است که به محرک دیگری داده شده است.

\* قانون تعمیم محرک: هر قدر شباهت دو محرک به یکدیگر بیشتر باشد به همان اندازه شخص با احتمال بیشتری، عمل تعمیم پاسخ از یک محرک آشنا به محرک ناشناخته دوم را به عمل خواهد آورد.





- \* هرگاه محرکها در یک بعد و به صورت متوالی قرار گیرند، به گونه‌ای که هر محرک با تغییر اندکی به محرک جدید ولی نزدیک به محرک قبلی تبدیل شود، این حالت را "شیب محرک" گویند.
- \* مرتب کردن محرکها از ساده به پیچیده برحسب توانایی دانش‌آموز در ارائه پاسخ درست، "زنجیره کردن" نامیده می‌شود.
- \* به کارگیری روش‌هایی که احتمال پاسخ‌دهی درست از جانب دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند، "نشانه‌دهی" نامیده می‌شود.
- \* مطابقه عبارت است از قراردادن یک محرک تمیزی آشنا بر روی یک محرک جدید به نحوی که پاسخ آن محرک آشنا موجب تعمیم این پاسخ به محرک جدید بشود.
- \* حذف محرک عبارت است از افزودن یا کم کردن تدریجی بخشهایی از محرک.
- \* شکل‌دهی محرک عبارت است از تغییر تدریجی شکل یک محرک.
- \* نشان دادن پاسخ مورد انتظار توسط شخص مورد علاقه فراگیر، ارائه پاسخ یا بخشی از آن توسط مربی، درست قبل و یا در حین پاسخ فراگیر، "فعال‌سازی" نامیده می‌شود.
- \* سرمشق‌دهی "چگونگی حل یک مسئله یا شیوه پاسخ‌دهی به یک سوال را نشان می‌دهد.

### مختصات آزمایی فصل یازدهم

- ۱- روانشناسی پرورشی را در مقایسه با روانشناسی تعریف کنید.
- ۲- تفاوت «درس دادن» با «یاد دادن» را شرح دهید.
- ۳- "محرک" و "کنترل محرک" را در مقایسه با هم بیان کنید.
- ۴- "اس - دلتا" چیست؟
- ۵- تمیز محرک به چه معنا است؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۶- تعمیم محرک و قانون آن را بیان کنید. این قانون چه استفاده‌ای در تدریس دارد؟
- ۷- "شیب محرک" را تعریف کنید. کارایی آموزشی آن چیست؟
- ۸- "زنجیره کردن" در آموزش به چه معناست؟
- ۹- "نشانه‌دهی" را توضیح داده و پنج نمونه از آن را بیان نمایید.
- ۱۰- "مطابقه" به چه مفهوم است؟
- ۱۱- حذف محرک چه کمکی به آموزش می‌کند.



## فصل دوازدهم: اصول مهم تدریس از دیدگاه روانشناسی پرورشی<sup>۴۶</sup>

با مطالعه این فصل انتظار می‌رود خواننده بتواند:

- تفاوت مهارت به موضوع درسی با مهارت در تدریس موضوع درسی را بیان کند.
- یادگیری به روش شرطی شدن را بیان نماید.
- تاثیر کسب موفقیت دانش‌آموزان در اولین مراحل تعلیم بر فرآیند تعلیم را توضیح دهد.
- چگونگی تقویت مثبت آموزش از طریق ایجاد ارتباط روحی و عاطفی بین معلم و دانش‌آموز را ذکر کند.

- عوامل تعیین کننده توانایی فراگیری شاگرد در خصوص درس جدید را بیان نماید.
- اصل رسیدن به مجهولات از طریق معلومات را توضیح دهد.
- مواردی از طرق انگیزه سازی و تداوم آن را بیان دارد.
- ارتباط تناسب کار کلاسی با توان شاگردان و یادگیری را تشریح کند.
- چگونگی برانگیختن ادراک و توجه دانش‌آموزان نسبت به موضوعات درس را شرح دهد.
- راه‌های ایجاد و ارتقای «بینش» دانش‌آموزان جهت فهم بیشتر مطالب درسی را ذکر کند.
- شرایط تمرین‌های مؤثر را بازگو کند.
- فلات یا رکود فراگیری و نحوه رفع آن را بیان نماید.
- (حافظه) و عوامل مؤثر بر آن را به اختصار بازگو کند.

### آگاهی معلم از آنچه که یاد می‌دهد و آنچه که دانش‌آموز فرا می‌گیرد.

دانستن موضوع درس با دانستن آنچه که باید آموزش داد یکی نیست. تدریس هنگامی انجام می‌شود که دانش‌آموزان چیزی را یاد بگیرند، نه اینکه صرفاً معلم درس را ارائه نموده باشد. تمامی

---

۴۶. ر. ک. درویل، لئونور. ام. تی - ترجمه وصالی - ۱۳۶۴، ایرج - کتاب "کاربرد روانشناسی در تدریس".



معلم‌ان از آن چیزی که قصد تدریس آن را دارند، آگاهند ولی بسیاری از آنها کیفیت یادگیری دانش‌آموزان خود را نادیده گرفته و معلومات پایه، هوش و استعداد شاگردان خود را در نظر نمی‌گیرند. به عنوان مثال یک معلم تازه‌کار را در نظر بگیرید که می‌خواهد «قاعده رفع التقاء ساکنین» را آموزش دهد. او آن قدر در این مسئله تبحر دارد که از مشکلات قرآن‌آموزان در مواجهه با آن غافل شده و تنها با ارائه چندین مثال و بیان این نکته که «باید نون ساکن تنوین را به صورت مکسور ادا نماید، تا سنگینی التقاء ساکنین، رفع شود» و سپس با ادا و تلفظ مثالها، تدریس خود را انجام داده و سپس به سرعت مثالهای دیگری را به شاگردان ارائه می‌نماید و از ایشان انتظار دارد که به همان سهولت که او موارد را قرائت می‌کند، آنان نیز قرائت نمایند و بر این باور است که شاگردان به راحتی درس را فرا گرفته‌اند، غافل از آنکه لازمه آموزش این درس، ارائه مقدماتی همانند مراحل زیر است.

الف) یادآوری سکون و وابستگی حرف ساکن به حرف متحرک ماقبل در ادای آن.

ب) یادآوری تنوین و ساکن بودن آن.

ج) یادآوری همزه وصل و حذف آن در بین کلام، و سکون و تشدید بعد از آن.

د) ملموس نمودن طریقه ایجاد التقاء ساکنین و سنگینی ادای آنها هر گاه که یک کلمه تنوین دارد با یک کلمه که با همزه وصل شروع می‌شود، به صورت متوالی قرار می‌گیرند.

هـ) بیان قاعده و طریقه علمی ادای صحیح مثالها و کارورزی مکفی با مخاطبان.

دلیل این مسئله این بوده است که معلم به دلیل تسلط خویش بر موضوع، و وجود ارتباط منطقی و بدیهی بین موارد فوق در ذهن او، ایجاد آمادگی ذهنی و زمینه‌سازی برای فراگیری دانش‌آموزان را فراموش نموده است.

با این مثال تا اندازه‌ای تاثیر دانستن اصول یادگیری اثبات شده در روانشناسی پرورشی بر ارتقاء شیوه تدریس معلم ظاهر گردید، لذا در ادامه گزیده‌ای از اصول مهم تدریس از دیدگاه روانشناسی پرورشی ارائه می‌شود.

### یادگیری به روش شرطی شدن

حالت شرطی شدن بر پایه تشکیل عادت‌ها است و به عبارتی دیگر این روش یادگیری، روش غیر مستقیم می‌باشد. مثلاً فردی به علت برخورد بد و نامناسب یک معلم، علاوه بر معلم، از درس مورد تدریس آن معلم نیز متنفر می‌شود و یا به واسطه علاقه به یک معلم، به فراگیری درس مورد



تدریس او نیز عشق می‌ورزد و درس را بهتر می‌آموزد. بسیاری از مطالبی که ما یاد می‌گیریم به همین روش می‌باشد لذا معلم باید سعی نماید تا به صورت موثر و مفید از این روش استفاده نماید. به همین لحاظ است که توصیه می‌شود معلم محترم، در اولین جلسه تدریس با رفتار و کردار حساب‌شده، در دل شاگردان خود جا باز کرده و این دوستی و محبت را تا انتهای دوره آموزشی با ایشان ادامه داده و حفظ کند.

### توجه ویژه به کسب موفقیت دانش‌آموزان در اولین مراحل تعلیم

اگر خواهان نظر مساعد دانش‌آموزان نسبت به مطالبی که به آنها تدریس می‌کنیم باشیم، باید نهایت دقت را برای دسته‌بندی و ساده‌کردن مطالب، به ویژه در مراحل مقدماتی تعلیم داشته باشیم. این کار باعث می‌شود که اولین تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان توأم با موفقیت بوده و توجه و رغبت به درس و معلم بیشتر شده و با علاقه وافر به فراگیری و مرور درس ادامه دهند آنگاه که کم‌کم می‌توان دروس مشکل‌تر را ارائه نمود.

به عنوان مثال برای تدریس روخوانی قرآن کریم، ابتدا باید دلایل آسان بودن قرآن را برای مخاطبان فهرست کرده و پیرامون آن توضیح دهیم تا شاگردان ما - با آرامش خاطر- دروس را دنبال نمایند.

### ایجاد ارتباط روحی و عاطفی بین معلم و دانش‌آموز

همان‌گونه که قبلاً نیز در بخش شرطی شدن به آن اشاره شد، نظر یک دانش‌آموز نسبت به فراگیری درس، به صورت غیرمستقیم متأثر از علاقه یا تنفر او نسبت به کسی که آن را تدریس می‌کند نیز هست. مثلاً عدم علاقه یا تنفر او نسبت به درسی، ممکن است به خاطر عدم علاقه وی به معلم آن درس باشد. لذا معلم همواره باید سعی نماید تا با ایجاد ارتباط روحی و عاطفی معقول و حساب‌شده، دانش‌آموزان را به صورت غیرمستقیم به حضور در کلاس و لذت بردن از درس مورد نظر ترغیب نماید.

به عنوان مثال در تدریس قرآن کریم اگر معلم در اولین جلسه تدریس خود، نعمات خداوند را برای شاگردان کلاس قرآن ذکر کند و بذر محبت و عشق خداوند سبحان را در قلب افراد بکارد؛ به



طوری که غیر از او معبود و معشوق دیگری را در نظر نداشته باشند؛ یقیناً آنان با شور و شوق وافر و به فراگیری قرآن کریم خواهند پرداخت.<sup>۴۷</sup>

### توجه به توانایی مخاطبان و سطح رشد و معلومات ایشان

معلم باید درس را متناسب با توانایی دانش‌آموزان خود طرح نماید. لذا باید معلم از خود سوال نماید «آیا موضوعی که می‌خواهد تدریس کند و یاد دهد، با توانایی دانش‌آموزان متناسب است یا نه؟» پاسخ به این سوال به دو چیز بستگی دارد: الف) مرحله رشد؛ ب) زمینه معلومات.

#### الف) مرحله رشد

قدرت آموختن به سطح رشد و فهم بستگی دارد. شک نیست که هر چه بر سن شخص افزوده می‌شود، او پخته‌تر می‌شود، ولی رشد عقلی و سن تقویمی همواره با هم مطابقت ندارند و به علل گوناگون ممکن است مخاطبان نسبت به همسالان خود دارای رشد بیشتر و یا کمتری (از نظر فیزیکی یا روانی) باشند، لذا معلم باید در تدریس به این مهم باید توجه داشته باشد. برای مثال باید توجه داشت که اگر قبل از رشد لازم، سعی کنیم مطلبی را به کودکی بیاموزیم ممکن است عواقب زیان‌آوری داشته باشد و کودک به علت عدم پیشرفت مناسب، از درس متنفر شده و گاه باعث ترک همیشگی درس توسط آن کودک شود.

#### ب) زمینه معلومات

توانایی فراگرفتن در افراد مختلف، به زمینه معلومات آنها بستگی دارد. مثلاً لازمه آنکه فردی «تنوین» را به خوبی بیاموزد این است که او قبلاً با «حروف»، «حرکات کوتاه» و «سکون» آشنا شده باشد. گاه معلم کم‌تجربه به علت ناآگاهی‌اش از حدود توانایی و زمینه‌های علمی و مهارتی متعلمان، چرخه و برنامه آموزشی نامناسبی را برای شاگردانش اجرا نموده، موجب سردرگمی و تاخیر در یادگیری آنان می‌شود. جهت کسب حداکثر موفقیت در آموزش روخوانی قرآن در قرآن‌آموزان، معلم پیش از هر چیز باید از وجود توانایی‌های شناختی (دانش‌های پیش‌زمینه مرتبط) متناسب با سطح درس مورد نظر و مهارت‌های عملی پیش‌نیاز در ایشان، با انجام ارزشیابی تشخیصی مطمئن شده و سپس درس را بر پایه توانایی‌های موجود و ظرفیت ایشان آغاز نماید. بدیهی است بدون توجه به این امور فرآیند آموزش به یادگیری منجر نخواهد شد.

۴۷. «وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»؛ ابراهیم، ۳۴/ نحل، ۱۸.



## اصل رسیدن به مجهولات از طریق معلومات

معلم باید سعی نماید تا از دانسته‌های ملموس شاگردان برای رسیدن به مجهولات و تبیین و تدریس دروس جدید، به عنوان یک قاعده کلی بهره گیرد و مثلاً با استفاده از یادآوری حرکات فارسی به آموزش حرکات عربی برسد و یا با یادآوری نمونه‌هایی از حروف ناخوانای فارسی به حروف ناخوانای قرآن برسد و آنها را تدریس نماید. البته در این میان توجه به این نکته بسیار مهم است که آنچه را که ما با آن آشنایی داریم، لزوماً شاگردان نیز با آن آشنا نیستند، پس باید ابتدا سطح معلومات شاگردانمان را به تناسب موضوع درس، بسنجیم و سپس از طریق معلومات ذهنی ایشان مجهولات و موضوعات درسی را به آنان تفهیم نماییم.

## ایجاد انگیزه در ابتدای تدریس

نتایج آموزش به توانایی و کوشش بستگی دارد و توانایی بدون کوشش فاقد نتیجه خواهد بود. همین کوشش، همواره به وجود انگیزه وابسته است «انگیزه» یعنی میل و علاقه برای رسیدن به یک هدف معین و هر چه علاقه و تمایل بیشتر باشد کوشش نیز بیشتر خواهد شد. لذا یکی از مهم‌ترین اموری که معلم باید در تدریس مورد نظر قرار دهد، ایجاد انگیزه در فراگیری است، که می‌تواند به دو صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت پذیرد.

جهت ایجاد انگیزه به صورت مستقیم، معلم می‌تواند به عنوان مثال با ارائه پرسش یا تمرین در شروع درس، انگیزه دانش‌آموزان را جهت یافتن پاسخ آن، از طریق فراگیری موضوع درس، شکوفا نماید و یا با ایجاد رقابت بین افراد و در نظر گرفتن جایزه برای فراگیری درس، به صورت غیرمستقیم در ایشان ایجاد انگیزه نماید. به عنوان مثال برای تدریس درس الف مدی، معلم قبل از هر گونه توضیحی از شاگردان خود می‌خواهد که یک حرف همزه مفتوح را تلفظ کنند آنگاه از آنان درخواست کند که صدای آن را بکشند هنگامی که شاگردان این کار را انجام دادند معلم اظهار می‌کند که این صدای الف مدی بود و درس ما همین است، سپس توضیحات را ارائه کرده و تمرینات را انجام خواهد داد.



### تداوم انگیزش دانش‌آموزان در طول تدریس

معلم باید سعی نماید با مشارکت دادن فراگیران در جریان تدریس به وسیله پرسش و پاسخ، تحسین و تمجید، اشکال‌گیری و رفع آن، ایجاد رقابت جهت نمایش قدرت شاگردان، محول نمودن بعضی مسئولیتها به شاگردان، مانند غلط‌گیری دو به دو از قرائت یکدیگر و اخذ آزمونهای کوتاه شفاهی در بین کار یا پایان درس و از این قبیل، انگیزه و علاقه فراگیری دانش‌آموزان را تا پایان درس حفظ نماید.

### توجه به تناسب کار کلاسی با توان شاگردان

میزان کار کلاسی تعیین شده توسط معلم برای فراگیران، در فعالیت ایشان بسیار موثر خواهد بود. لذا معلم باید توجه داشته باشد تا با کار زیاد باعث دلسردی ایشان نشود و یا با ارائه کارها و تمرینات سهل و آسان که آنها را به سعی و کوشش جدی و انمی‌دارد نیز آنها را نسبت به موضوع درس بی‌تفاوت نگرداند.

### برانگیختن ادراک و توجه دانش‌آموزان نسبت به موضوعات درس

«ادراک» یعنی آگاه بودن از چیزهایی که در معرض حواس قرار می‌گیرند و درک کردن یا نکردن آنها بسته به توجهی است که به اشیا و اتفاقات پیرامون خود داریم. هر چه بیشتر به پدیده‌ای توجه کنیم بهتر آن را درک می‌کنیم، پس معلم از این ویژگی باید به بهترین وجه در تدریس خود بهره‌گیرد. با توجه به عوامل زیر می‌توان ادراک و توجه شاگردان را برانگیخت.

الف) «طبیعت محرک»:

طبیعت محرک به عوامل زیر وابسته است:

- اندازه و شدت: بزرگی، شدت و بلندی صدا، همه صفاتی هستند که جلب توجه می‌کنند.
- حرکت و تغییر: هر چیزی که در محیط ما حرکت می‌کند یا تغییر مکانی می‌یابد، ممکن است توجه ما را جلب کند.
- تکرار: تکرار تا حد معینی جلب توجه می‌کند ولی تکرار بیش از اندازه مانع جلب توجه می‌شود.





- تباین: هر گاه شی در بین اشیا دارای شکلی متفاوت باشد، توجه ما را به خود جلب می‌کند مثل بلندی یا کوتاهی و ... (مانند استفاده از رنگ متمایز در نوشتن بر روی تابلو توسط معلم در هنگام تدریس)

- تازگی: توجه ما در محیط زندگی، ممکن است به هر چیز غیرعادی جلب شود مثل کسی که با دستانش راه می‌رود.

(ب) «انگیزه بیننده»:

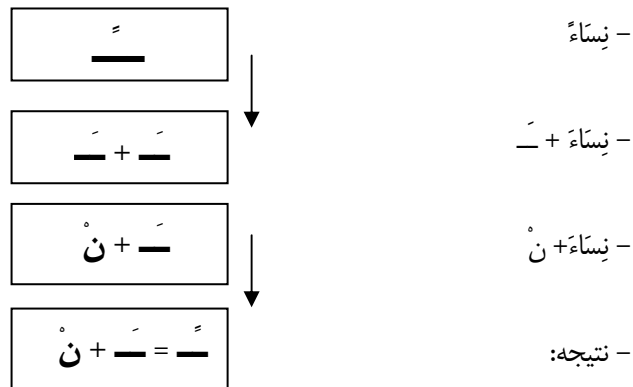
عبارت است از میزان علاقمندی فرد به چیزی خاص و به این علت است که گاه فردی به علت علاقمندی به چیزی، بیشتر به آن توجه می‌کند و از طرفی دیگر به علت عدم علاقه‌اش به چیزی به آن کمتر توجه می‌کند و یا اصلاً توجه نمی‌کند برای مثال وقتی فردی شاخه گل زیبایی را می‌بیند و دستش را برای گرفتن آن به سمت شاخه گل غافل می‌شود و وقتی شاخه را می‌گیرد ناگهان خارها در دستش فروود می‌روند. (یا مانند کشیدن تیر از پای امیرالمومنین علی ۷ در هنگام نماز) مهم است بدانیم که افراد نمی‌توانند در یک زمان به دو چیز توجه کنند. برای این که به دانش‌آموزان کمک کنیم تا فقط به درسشان توجه کنند باید مطمئن شویم که چیز دیگری وجود ندارد که توجه آنها را جلب کند (حواسشان را منحرف کند).

### ایجاد بینش در خصوص موضوعات درسی

واژه «بینش» اشاره است به توانایی ما برای درک اینکه به چه نحو مسئله‌ای با مسئله دیگر ارتباط دارد. این «بینش» به یادآوری آنچه که می‌آموزیم کمک می‌کند. معلم می‌تواند از راههای زیر برای ایجاد و ارتقای «بینش» دانش‌آموزان جهت درک و فهم بیشتر مطالب درسی استفاده کند.

(الف) نمودارها و مثالها

معلم با استفاده از ترسیم نمودارها و مثالها می‌تواند درس را برای شاگردان خویش ساده‌تر کند و بینش آنها را نسبت به درس افزایش دهد، مانند نمودار و یا مثال زیر برای آموزش تنوین نصب:



#### ب) سؤال:

طریق دیگری که به وسیله آن معلم می‌تواند بینش شاگردانش را بالا ببرد، پرسش به روش سقراطی است. یعنی از شاگرد به نوعی سؤال شود که او متوجه اشتباهش شود و جواب صحیح را خود پیدا نماید. برای مثال؛ اگر شاگرد کلمه «نَصْرُوهُ» را به غلط به صورت «نَصْرُوهُو» بخواند و بلافاصله به او گفته شود: «ضمه هاء» نباید اشباع شود، کمکی به یادگیری او نشده است، بلکه باید برای هدایت او بسوی کشف طریقه خواندن صحیح کلمه و رفع اشتباهش، به شکل زیر عمل شود:

معلم: یکبار دیگر کلمه را با توجه بخوان و بگو صدای قبل از «ه» چه صدایی است؟

قرآن‌آموز: صدای «و» (واو مدی).

معلم: این صدا، صدای کوتاه است یا کشیده؟

قرآن‌آموز: صدای کشیده.

معلم: حال با توجه به این قاعده که (هرگاه صدای قبل از هاء ضمیر، صدای کشیده باشد، هاء

ضمیر اشباع نمی‌شود.) آیا در این کلمه باید «ه» را «هُو» بخوانیم؟

قرآن‌آموز: خیر.

معلم: پس قرائت صحیح آن چه می‌شود؟

قرآن‌آموز: نَصْرُوهُ (بدون اشباع حرکت هاء ضمیر).



### ج) فرصت دادن برای آزمایش و خطا؛ همراه با تحلیل نتایج

یعنی به یادگیرنده فرصت دهیم تا خود برای رسیدن به جواب صحیح از طریق آزمایش و خطا اقدام نماید و کم‌کم خود به جواب صحیح برسد و ما در صورت خطا به او راههای دیگر و در نهایت راه صحیح را نشان دهیم.

مثلاً به شاگردان می‌گوییم: با توجه به قاعده بخش‌خوانی که هر حرف متحرک با حرکتش در یک بخش مستقل خوانده می‌شود و هر حرف ساکن می‌بایست با کمک حرف متحرک ماقبلش در یک بخش خوانده شود، حال فکر کنید و بیابید که کلماتی مانند (رَبَّ - إِيَّاكَ - يَشَقُّقُ) را - که دارای تشدید می‌باشند - چگونه باید بخش‌خوانی کرد؟ و ...

### د) دادن نشانه‌ها و اشاره‌ها

با ارائه کلیاتی از یک قالب درسی و توجه دادن به بعضی نشانه‌های خاص، شاگرد را به سوی شناخت قالب‌های مشابه رهنمون می‌شویم.

برای مثال، ابتدا برای شاگرد به کمک مثال‌های متداول در فارسی، همانند (مثلاً، اولاً، اصلاً) تنوین و به ویژه تنوین فتحه را یادآور می‌شویم و سپس با این توضیح که اگر دو فتحه که به شکل (ـَ) نوشته می‌شوند - مانند مثالهای فوق - (أَنَّ) خوانده شوند، حال اشکال دو کسره (ـِ) و دو ضمه (ـُ یا ـٌ) چگونه خوانده می‌شوند؟ قالب‌ها و شکل‌های دیگر را به کمک و نشانه‌های داده شده، آموزش می‌دهیم و اگر نتوانست به صورت صحیح آنها را ادا کند با اشاره به این مطلب که (حرکت تکراری دوم صدای نون ساکن می‌دهد) به آنها در رسیدن به «تلفظ صحیح» کمک می‌کنیم.

### ه) نمایش دادن

هرگاه معلم تشخیص دهد که شاگرد از طرق مختلف مثل آزمون و خطا یا ارائه نشانه‌ها و اشاره‌ها به مطلب و موضوع اصلی درس نمی‌رسد، لازم است به صورت عملی آن را اجرا نموده و به شاگردان نمایش دهد. به عنوان مثال انواع تنوین‌ها را توضیح داده، ترسیم و سپس قرائت صحیح آنها را ادا نماید و از شاگردان بخواهد که مانند او تکرار و یا تدریس تلفظ صحیح «ضمه» خود معلم لبها را به صورت غنچه درآورده و آن را ادا نماید و توجه شاگردان را نیز به طریقه جمع شدن لبها در خلال تلفظ «ضمه عربی» معطوف نموده، و از ایشان بخواهد تا این کار را اجرا نمایند.



### ارائه تمرینهای موثر

وقتی شاگرد در فعالیت خاصی بیش پیدا می‌کند، آمادگی می‌یابد تا مهارت خود را از طریق تمرین بهتر نماید؛ لذا معلم باید این موفقیت را با ارائه تمرین‌های موثر فراهم نماید، تمرین موثر بستگی دارد به:

الف) راهنمایی در ابتدا: یعنی در صورت بروز خطا و اشتباه، موارد در همان ابتدا از طریق معلم به شاگرد گوشزد شود تا موجب عادت غلط نشود.

ب) اطلاع از نتایج: دانش‌آموز باید به نحوی از پیشرفت کار خود مطلع گردد تا موجب تشویق بیشتر او گردد. لذا معلم در صورت اخذ تکالیف و تمرین‌های کتبی از ایشان، باید در اسرع وقت نسبت به تصحیح و اعلام نظر در خصوص آنها اقدام نماید.

ج) تمرین باید منظم باشد: زمان تمرین اگر مناسب و متعادل نباشد، موجب اتلاف وقت و تاثیر منفی خواهد بود. مثلاً ۲۰ تمرین در مقایسه با ۱۰ تمرین، آنگاه تاثیر مطلوبی خواهد داشت که به فواصل منظم و حساب شده به شاگرد داده شود، نه آنکه بدون برنامه و به صورت یکجا ارائه گردد.

د) طول زمان تمرین: زمان ارائه تمرین باید مناسب باشد. هر زمان که عملی را آغاز می‌کنیم اندکی وقت لازم است تا با آن آشنا شویم و به آنچه که انجام می‌دهیم علاقمند شویم. این مدت زمان را دوره گرم شدن (آمادگی) می‌گوییم. وقتی گرم شویم، سرعت و کارآمدی ما برای مدتی افزایش می‌یابد، اما اگر بیش از یک زمان معین به انجام تمرین ادامه دهیم خسته می‌شویم و از سرعت ما کاسته می‌شود. بنابراین وقت تمرین برای یادگیرنده باید آن قدر کافی باشد (به نقطه‌ای برسد) که او با علاقه و با سرعت کار کند و پیش از آن که خسته شود، مدت زمان تمرین تمام شود. هر چه سن مخاطب کمتر و کار دشوارتر باشد، باید مدت تمرین کوتاه‌تر شود.

ه) تمرین سراسری و جامع: تمرین باید جامعیت داشته باشد و تمامی حالات مختلف را دربرگیرد و تمارین باید از ساده به مشکل چپش شوند تا شاگرد موضوع مورد تدریس را به طور عملی در تمامی انواع آن تجربه و تمرین نماید. به عنوان مثال در تدریس حرکات و علائم روخوانی قرآن، در هر درس، معلم ابتدا باید هر حرف از حروف الفبا را با حرکت و یا علامت جدید مثال بزند سپس مثال‌های دو حرفی سپس سه حرفی، آنگاه مثال‌های چهار حرفی به بالا را برای شاگرد ارائه نماید.



و) تمرین در حالت واقعی: شرایط موجود در تمرینات باید در صورت امکان واقعیت خارجی داشته باشد. به طور مثال، در ارائه تمرین برای آموزش در خواندن قرآن باید سعی شود تمامی تمرینات ارائه شده اولاً از کلمات و عبارت قرآنی انتخاب شوند و ثانیاً قرآن آموز را عادت دهیم تا موارد را از روی قرآن بخواند و تمرین نماید، تا چشم و ذهن او با قرآن مانوس شود و نهایتاً ترس احتمالی او از قرائت آیات قرآن برطرف شود.

### توجه به فلات یا رکود فراگیری و سعی در رفع عوامل آن

اگر برنامه‌ریزی و راهنمایی درسی مناسب برای دانش‌آموز تنظیم شده باشد، در ابتدا (به نسبت پایداری) می‌توانیم انتظار پیشرفت بیشتری داشته باشیم، ولی بعد از مدتی احتمال قوی وجود دارد که یادگیرنده به مرحله‌ای برسد که در آن مرحله یادگیری متوقف شود. این مرحله را فلات (رکود) یادگیری می‌گویند.

\* متداول‌ترین دلایل رکود یادگیری: رکود در یادگیری دلایل گوناگونی دارد که به بعضی از متداول‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) کمبود و کاهش علاقه یادگیرنده به فراگیری درس مورد نظر.

ب) عدم درک مرحله‌ای اصلی از آموزش که پیشرفتهای آینده بر پایه و مبنای آن می‌باشد.

ج) رشد ناکافی ذهنی و جسمی یادگیرنده که تسلط بر مراحل جدید مهارت به آن بستگی دارد.

د) ایجاد عادت ناپسند که گرچه در مراحل اولیه یادگیری ایجاد مزاحمت نمی‌کند، ولی در مراحل بعدی مانع هرگونه پیشرفت تازه می‌شود. مانند عادت کردن قرآن آموز به تقلید صرف در قرائت قرآن، و یا عادت کردن وی به تلاوت صرف آیات سوره‌های انتهایی قرآن که او را از پیشرفت‌های آتی باز می‌دارد.

ه) زمانی که فرایند یکپارچگی در حال اجرا است. به این معنی که مهارت‌های گوناگون تا آن هنگام که به صورت مجزا به کار گرفته می‌شوند، مطلوبند ولی آنگاه که می‌بایست همه آنها به صورت یکپارچه و در سطح پیشرفته توسط دانش‌آموز یا قرآن آموز بهره‌گیری شوند، به علت ضعف در بعضی مهارت‌ها با پیشرفت هماهنگ و کلی دچار رکورد و اشکال می‌شود. (مانند خواندن بخش بخش قرآن توسط یک فرد مبتدی، هنگامی که می‌خواهد کلمات را به صورت روان و پشت سر هم قرائت کند دچار تپق یا اشکال می‌شود).



و) حد فیزیولوژیکی: گاهی عدم پیشرفت به این علت است که یادگیرنده به حد فیزیولوژیکی خود رسیده است، یعنی توانایی او در آن زمینه درسی و مهارت‌های خاص به انتهای رسیده و دیگر پیشرفت برایش ممکن نیست، این مورد البته بسیار نادر است.

### قدرت به خاطر سپاری و یادآوری متعلم (حافظه) و عوامل موثر بر آن

توانایی متعلمان در به خاطر سپاری و یادآوری موضوعات درسی که به آنها تدریس می‌شود متفاوت است باید توجه داشت گرچه هر اندازه متعلم باهوش‌تر باشد، نگهداری مطالبی که یاد می‌گیرد برای او راحت‌تر است ولی هوش یک متعلم تنها عامل موثر برای به خاطر سپردن درس‌هایش نیست، نوع و روش تدریس نیز تاثیر بسیاری در یادگیری و یا فراموشی او دارد. بنابراین اگر متوجه شدیم که قرآن آموزان ما مطالب تدریس شده را زود فراموش می‌کنند، می‌بایستی روش‌های تدریس خود را مورد مطالعه قرار دهیم و از خود سوال‌های زیر را بپرسیم:

- ۱- چگونه مطالب مورد تدریس را ارائه داده‌ام؟
- ۲- چه قدم‌هایی در راه کمک به دانش‌آموزان برای فهمیدن و به خاطر سپردن نکات اصلی و مهم درس برداشته‌ام؟
- ۳- امکان تجدیدنظر در مطالب درس و رفع اشکال را چگونه برای آنها فراهم کرده‌ام؟

### \* عوامل کمک کننده به حافظه

اگر خواستار افزایش قدرت به خاطر سپاری و یادآوری موضوعات (یعنی قدرت حافظه) هستیم باید در تدریس به اصول زیر توجه کنیم:

#### الف) تصویرسازی

«تصویر» در واقع به تجربه دوباره یک حس گذشته در ذهن است. هر یک از حواس ما روش تصویرسازی خاص خود را دارد، یعنی هرگاه، تصویر یک شیء، یا حالت و فرکانس صدایی خاص، یا بویی خاص و یا مزه یک غذا و یا نوع لمس یک شی را به خاطر می‌آوریم، بدین معناست که ما یک تصویر بصری، سمعی، بویایی، چشایی و یا بساوایی را از چیزی خاص، در گذشته درک کرده و از آن نمونه‌برداری نموده و در ذهنمان ضبط کرده‌ایم و حال تصویر آن را در ذهن مجسم می‌کنیم.



باید به این اصل روانشناسی در بهره‌گیری از تصویرسازی در تدریس توجه ویژه داشت تقریباً تمامی افراد از کارهایی که خود انجام داده و توسط حواس خود تجربه می‌کنند، به مراتب سریع‌تر و راحت‌تر از چیزها یا کارهایی که دیگران برایشان بیان کرده یا انجام می‌دهند، تصویرسازی می‌کنند، بنابراین در هنگام ارائه یک مطلب جدید به متعلمان و قرآن‌آموزان، این قاعده وجود دارد که به آنها فرصت دهیم تا آنجایی که ممکن است از حسیهای مختلف خود، در تجربه نمودن و فراگیری درس جدید استفاده کنند و از آنها تصویرسازی نمایند، برای مثال، اگر می‌خواهیم به شاگردان اشباع (حرکت) هاء ضمیر را آموزش دهیم لازم است سعی کنیم، آنها شکل «هاء ضمیر» را در حالات مکسور و مضمون و در قالب کلمات گوناگون ببینند، قرائت صحیح آن را توسط معلم خود بشنوند، مفهوم اشباع را درک کنند سپس خود آن را به طریقه صحیح بخوانند و نمونه‌هایی از آن را از قرآن بیابند و در دفتر تمرین خود، یادداشت نمایند. پس بهترین روش به یاد سپردن این گونه دروس برای قرآن‌آموز به ترتیب (۱- دیدن ۲- شنیدن ۳- تلفظ کردن ۴- نوشتن ۵- به یادسپاری کلیه مراحل فوق تحت عنوان خاص که در اینجا «اشباع حرکت هاء ضمیر» است می‌باشد.

#### (ب) پیوند ذهنی

به ایجاد ارتباط منطقی و محسوس ذهنی بین اجزاء مختلف مطالب درسی، پیوند ذهنی می‌گویند. حافظه متکی بر پیوند ذهنی شخص است. هرچه پیوند ذهنی مطالبی که مربوط به یک موضوع مشخص می‌باشد، قوی‌تر باشد، یادآوری آن مطالب راحت‌تر و سریع‌تر خواهد بود. ایجاد پیوند ذهنی به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- **قاعده مجاورت و تماس:** وقتی اشیاء در کنار هم مشاهده شوند، در بیننده برای ارتباط دادن آنها به هم و پیوند دادن آنها تمایلی به وجود می‌آید. لذا معلم باید از این قاعده به طرق مختلف استفاده نماید مثلاً بر روی تخته بنویسد: «رَسُولِهِ که خوانده می‌شود رَسُولِهی» و بخواند «رَسُولِهی» و از این قبیل. (البته این قاعده، نیازمند تکرار می‌باشد)

۲- **قاعده تشابه:** روانشناسان قاعده تشابه را دومین راه تشکیل پیوندهای ذهنی می‌دانند مثلاً برای یک قرآن‌آموز مبتدی ایرانی یادگیری و به خاطر سپردن اشکال و تلفظ صداهای کوتاه و کشیده عربی با استفاده از مشابهت دادن این صداها و صداهای فارسی راحت‌تر خواهد بود، هر چند در آموزش تلفظ صحیح صداهای (أ، آ) می‌بایست با ارائه توضیحات تکمیلی و مثال‌هایی چون «پیا» و «خُروس» یا «فتح + مقداری کشش» آنها را راهنمایی نمود. (قاعده تشابه و تباین)



معلم هر چه بتواند از راههایی برای مشابهت دادن بیشتر مطالب جدید، به دانسته‌های قبیل قرآن آموز، بهره‌گیرد، یادگیری و به خاطر سپردن آن مطالب سریع‌تر انجام خواهد شد.

۳- قاعده تباین و مقابله: سومین روش تشکیل دادن پیوندهای ذهنی، قاعدهٔ مقابله است. وقتی دو چیز را «متباین» گویند که تفاوت‌هایی (در عین تشابه) با هم داشته باشند مانند تفاوت‌های موجود در اداء «ص» عربی و فارسی و یا مشابهت و تفاوت‌های اداء کسره و ضمه فارسی با عربی (که در قسمت قبل اشاره شد).

۴- درک قرابت معنوی مطالب: مطالبی به سرعت یاد گرفته می‌شوند و برای مدّت نسبتاً زیادی در خاطر می‌مانند که به روش معنی‌داری در ذهن به یکدیگر پیوند داده شوند. به عبارت دیگر، هر قدر معلّم بتواند رابطه بین مسائل و مطالب را به متعلّم نشان دهد، او به همان نسبت مطالب را بهتر یاد خواهد گرفت. مثلاً معلّم برای آموزش تلفظ صحیح الف مدّی می‌تواند به قرآن آموز، بگوید که مصداق الف مدّی در عربی همان صدای فتحه است به اضافه مقداری کشش و یا عنوان نماید «مصداق کسره عربی» همان صدای «باء مدّی» است، البته بدون کشش و در مدت زمان یک ضربه.

#### ج) استفاده از کمکهای حافظه‌ای

به هر حال علیرغم موارد ذکر شده پیشین، حالت‌هایی پیش می‌آید که قرآن‌آموزان می‌بایستی مطالبی را یاد بگیرند که در ظاهر هیچ رابطه‌ای با هم ندارند مثل یادگیری حروف شمسی و قمری و یادگیری و بخاطر سپاری حروف قلقله (در تجوید)، که در چنین مواردی «کمکهای حافظه‌ای» می‌توانند مفید باشند.

این اصطلاح در واقع حيله‌ای است که به شخص کمک می‌کند تا مطالب نامرتبط و گسسته از هم را به هم مرتبط ساخته و به خاطر سپارد.

برای این کار روش‌های متعددی وجود دارد. یکی از این روش‌ها، مثلاً تبدیل حروف قلقله به عبارت «قطب جدّ» و یا تبدیل حروف قمری به عبارت «عجبا که خوف حق غمی» و یا تبدیل حروف مقطعه قرآن به عبارتی همچون «صراطُ علیّ حقُّ نُمسِکُهُ».

یکی دیگر از روش‌هایی که برای متصل کردن مطالب به یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، قافیه‌دار کردن این مطالب است، مثلاً برای آموزش حروف حلقی می‌توان از عبارت زیر استفاده نمود:

حرف حلقی شش بود ای با وفا      همزه، هاء و عین و حاء و غین و خا





#### د) تاثیر علاقه بر یادگیری

فهمیدن مطالب و علاقه به آنها ارزنده‌تر از کاربرد وسیله‌های تقویت حافظه است. متعلم هر چه بیشتر به آنچه به او تدریس می‌شود علاقه داشته باشد، به همان اندازه به آن توجه و آن را به خاطر می‌سپرد و معلم می‌بایست در افزایش این علاقه سعی نماید که در همین راستا، شاعری سروده است:

آب کم جوی، تشنگی‌آور به دست      تا بجوشد آبت از بالا و پست

#### هـ) تازگی و تکرار مطالب

بدیهی است همواره قرآن‌آموز درسی را که جدیداً فرا گرفته باشد، به نسبت درس‌های گذشته زودتر به یاد می‌آورد لذا معلم برای به یاد آوردن بهتر دروس باید وقت زیادی را به دوره کردن آنها اختصاص دهد تا همواره تمامی دروس در ذهن شاگرد تازه بماند و ملکه ذهن او شود. معلم برای انجام این مهم باید به چند نکته توجه داشته باشد:

- ۱- هر قدر میان یادگیری و دوره کردن دروس فاصله بیافتد، میزان فراموشی افزایش می‌یابد.
- ۲- دروسی که در ابتدای دوره تدریس شده است به تناسب دروس بعد، احتیاج به مرور بیشتری دارند.
- ۳- مرور دروس گذشته، همانند ارائه دروس جدید، نباید دارای حجم زیادی باشد و سریع و پشت سرهم انجام شود.

#### و) اهمیت به یادآوردن دوباره مطلب

معلم باید سعی کند قرآن‌آموزان را وادار به یادآوری مطالب کند و آنها را تشویق کند تا با تعاریف غیر کلیشه‌ای خود به تفکر بیشتر ترغیب شوند.

#### ز) حفظ کردن مطالب

گاهی نیز لازم است شاگردان کلمات دقیق یک مطلب را، مثل تعریف یک اصطلاح خاص، عیناً «حفظ» کنند. ولی ذکر این نکته لازم است که، معلم محترم علاوه بر تفهیم مطالب درس، باید از شاگردان خود بخواهد که معانی و پیام درس را در جان خود بنشانند و هضم کنند.



### ج) ارائه تصویر کلی موضوع تدریس، قبل از پرداختن به اجزاء

در برخی موارد برای کمک به دانش‌آموز در فراگیری یک مطلب، باید قبل از هر چیز، وی را تشویق به یادگیری کلی آن نمود. مثلاً در آموزش اکثر مخارج و اداء صحیح حروف، بجای آنکه از ابتدا، قدم به قدم اجزاء دستگاه تکلم دخیل در تلفظ حرف مورد نظر و طریقه اتصالات و مراحل اداء حرف مربوطه آموزش داده شود، می‌توان در ابتدا «تلفظ صحیح حرف را» به صورت «سماعی» به قرآن‌آموز عرضه نمود و پس از درک موضوع توسط متعلم، توضیحات دیگر را ارائه کرد. (هر چند در برخی موارد نیز ایجاب می‌کند تدریس از جزء به کل انجام شود). مانند تدریس ادغام ناقص در کلماتی مانند «أَخْطُتُ»، «فَرَّطْتُ» و ... که باید ابتدا خصوصیات حروف مدغم و مدغم فیه را ذکر کرده آنگاه نحوه ادغام صحیح را برای مخاطب تشریح نمود.



## خلاصه فصل

دانستن موضوع درس با دانستن آنچه که باید آموزش داد یکی نیست. تدریس هنگامی انجام می‌شود که دانش‌آموزان چیزی را یاد بگیرند، نه اینکه صرفاً معلم درس را ارائه نموده باشد. تمامی معلمان از آن چیزی که قصد تدریس آن را دارند، آگاهند ولی بسیاری از آنها کیفیت یادگیری دانش‌آموزان خود را نادیده گرفته و معلومات پایه، هوش و استعداد شاگردان خود را در نظر نمی‌گیرند. حالت شرطی شدن بر پایه تشکیل عادت‌ها است و به عبارتی دیگر این روش یادگیری، روش غیر مستقیم می‌باشد. مثلاً فردی به علت برخورد بد و نامناسب یک معلم، علاوه بر معلم، از درس مورد تدریس آن معلم نیز متنفر می‌شود و یا به واسطهٔ علاقه به یک معلم، به فراگیری درس مورد تدریس او نیز عشق می‌ورزد، و درس را بهتر می‌آموزد.

اگر خواهان نظر مساعد دانش‌آموزان نسبت به مطالبی که به آنها تدریس می‌کنیم باشیم، باید نهایت دقت را برای دسته‌بندی و ساده کردن مطالب، به ویژه در مراحل مقدماتی تعلیم داشته باشیم. این کار باعث می‌شود که اولین تجربه‌های یادگیری دانش‌آموزان توأم با موفقیت بوده و توجه و رغبت به درس و معلم بیشتر شده و با علاقه وافر به فراگیری و مرور درس ادامه دهند آنگاه به تدریج می‌توان دروس مشکل‌تر را ارائه نمود.

نظر یک دانش‌آموز نسبت به فراگیری درس، به صورت غیرمستقیم متأثر از علاقه یا تنفر او نسبت به کسی که آن را تدریس می‌کند نیز هست. مثلاً عدم علاقه یا تنفر او نسبت به درس حساب، ممکن است به خاطر عدم علاقه وی به معلم آن درس باشد.

معلم باید درس را متناسب با توانایی دانش‌آموزان خود طرح نماید. قدرت آموختن به سطح رشد و فهم بستگی دارد. شک نیست که هر چه بر سن شخص افزوده می‌شود، او پخته‌تر می‌شود، ولی رشد عقلی و سن تقویمی همواره با هم مطابقت ندارند و به علل گوناگون ممکن است مخاطبان نسبت به همسالان خود دارای رشد بیشتر و یا کمتری (از نظر فیزیکی یا روانی) باشند. توانایی فرا گرفتن در افراد مختلف، به زمینه معلومات آنها بستگی دارد.

معلم باید سعی نماید تا از دانسته‌های ملموس شاگردان برای رسیدن به مجهولات و تبیین و تدریس دروس جدید، به عنوان یک قاعده کلی بهره گیرد و مثلاً با استفاده از یادآوری حرکات



فارسی به آموزش حرکات عربی برسد و یا با یادآوری نمونه‌هایی از حروف ناخوانای فارسی به حروف ناخوانای قرآن برسد و آنها را تدریس نماید.

یکی از مهم‌ترین اموری که معلم باید در تدریس مورد نظر قرار دهد، ایجاد انگیزه در فراگیری است که می‌تواند به دو صورت مستقیم یا غیرمستقیم صورت پذیرد.

جهت ایجاد انگیزه به صورت مستقیم، معلم می‌تواند به عنوان مثال با ارائه پرسش یا تمرین در شروع درس، انگیزه دانش‌آموزان را جهت یافتن پاسخ آن، از طریق فراگیری موضوع درس، شکوفا نماید و یا با ایجاد رقابت بین افراد و در نظر گرفتن جایزه برای فراگیری درس، به صورت غیرمستقیم در ایشان ایجاد انگیزه نماید و این انگیزه را تا پایان کلاس تداوم بخشد.

معلم باید توجه داشته باشد تا با کار زیاد باعث دلسردی ایشان نشود و یا با ارائه کارها و تمرینات سهل و آسان که آنها را به سعی و کوشش جدی و انمی‌دارد نیز آنها را نسبت به موضوع درس بی‌تفاوت نکند.

با توجه به عوامل زیر می‌توان ادراک و توجه شاگردان را برانگیخت.

الف) «طبیعت محرک» ب) «انگیزه بیننده»

واژه «بینش» اشاره است به توانایی ما برای درک اینکه به چه نحو مسئله‌ای با مسئله دیگر ارتباط دارد. این «بینش» به یادآوری آنچه که می‌آموزیم کمک می‌کند. معلم می‌تواند از راههای زیر برای ایجاد و ارتقای «بینش» دانش‌آموزان جهت درک و فهم بیشتر مطالب درسی استفاده کند.

الف) نمودارها و مثالها د) دادن نشانه‌ها و اشاره‌ها

ب) سؤال ه) نمایش دادن

ج) فرصت آزمایش و خطا

تمرین مؤثر بستگی دارد به:

الف) راهنمایی در ابتدا د) طول زمان تمرین

ب) اطلاع از نتایج ه) تمرین سراسری و جامع

ج) منظم بودن تمرین و) تمرین در حالت واقعی

اگر برنامه‌ریزی و راهنمایی درسی مناسب برای دانش‌آموز تنظیم شده باشد، در ابتدا (به نسبت پایداری) می‌توانیم، انتظار پیشرفت بیشتری داشته باشیم، ولی بعد از مدتی احتمال قوی وجود دارد



که یادگیرنده به مرحله‌ای برسد که در آن مرحله یادگیری متوقف شود. این مرحله را فلات (رکود) یادگیری می‌گویند.

توانایی متعلمان در به‌خاطر سپاری و یادآوری موضوعات درسی که به آنها تدریس می‌شود متفاوت است باید توجه داشت گرچه هر اندازه متعلم باهوش‌تر باشد، نگهداری مطالبی که یاد می‌گیرد برای او راحت‌تر است ولی هوش یک متعلم تنها عامل مؤثر برای به‌خاطر سپردن درس‌هایش نیست، نوع و روش تدریس نیز تأثیر بسیاری در یادگیری و یا فراموشی او دارد.

### بهبود آزمای‌ی فصل دوازدهم

- ۱- «یاد دادن» را تعریف کنید.
- ۲- تسلط معلم بر علم روانشناسی پرورشی چه کمکی به او در تدریس خواهد نمود؟
- ۳- در روانشناسی پرورشی منظور از «آگاهی معلم از آنچه که یاد می‌دهد و آنچه که دانش‌آموز فرا می‌گیرد» چیست؟
- ۴- یادگیری به روش شرطی شدن را توضیح دهید؟
- ۵- توجه به توانایی مخاطبان و سطح رشد و معلومات ایشان چه تأثیری در بهره‌وری آموزش دارد؟
- ۶- از چه راه‌هایی می‌توان ادراک دانش‌آموزان در کلاس را برانگیخت؟
- ۷- اصل رسیدن به مجهولات از طریق معلومات و کاربرد آن در تدریس را بیان کنید.
- ۸- چگونگی ایجاد و حفظ انگیزه را شرح دهید.
- ۹- میزان کار کلاسی تعیین شده توسط معلم چه تأثیری بر فعالیت فراگیران دارد؟
- ۱۰- ادراک یعنی چه و چگونه برانگیخته می‌شود؟
- ۱۱- بینش را تعریف کرده و ۴ روش برای ایجاد و ارتقاء آن در کلاس بیان کنید؟
- ۱۲- پیوند ذهنی چیست و به چه عواملی بستگی دارد؟
- ۱۳- ویژگی‌های تمرین‌های مؤثر را بیان کنید.
- ۱۴- از چه اصولی برای افزایش به‌خاطر سپاری و یادآوری در تدریس می‌توان بهره برد؟
- ۱۵- فلات یا رکود فراگیری چیست؟



## نمونه فرم سنجش روش تدریس دوره های تربیت معلم قرآن کریم

ردیف	موارد کلی ارزیابی	موارد جزئی ارزیابی	امتیاز اصلی	امتیاز
۱	شروع مناسب و انگیزه سازی	الف) بسم الله/سلام و احوالپرسی/ارائه نکته تربیتی/حضور و غیاب	۱ امتیاز	
		ب) ارائه مقدمه مناسب/مهارت آماده سازی/معرفی درس جدید/ درج عنوان درس و دیگر سرفصلهای مهم	۱ امتیاز	
۲	استفاده از شاگردان در حین تدریس (ارزشیابی مرحله ای یا پرسش و پاسخ)	الف) حداقل ۴ پرسش و پاسخ فردی	۱ امتیاز	
		ب) حداقل ۴ پرسش و پاسخ جمعی	۱ امتیاز	
۳	توضیح کامل محورهای درسی با توجه به موضوع تعیین شده		۲/۵ امتیاز	
۴	ارائه مثالهای مناسب و مربوط به درس (در حد کفایت)	الف) ارائه حداقل ۴ مثال مکتوب	۱ امتیاز	
		ب) کتابت صحیح و اعراب گذاری صحیح	۱ امتیاز	
۵	قدرت بیان و تفهیم مطالب به فراگیران	الف) قدرت بیان و عدم تکلف در تکلم / تسلط بر موضوع و مطلب ارائه شده	۱ امتیاز	
		ب) قدرت سخنوری و جذب مخاطب	۰/۵ امتیاز	
		ج) ایجاد فرصت های مناسب برای تفکر و اندیشه فراگیران (مهارت ایجاد مسئله)	۰/۵ امتیاز	
		د) مهارت در تمرکز بخشی	۰/۷۵ امتیاز	
		ر) مهارت در برقراری ارتباط روحی و عاطفی	۰/۷۵ امتیاز	
		ز) مهارت در اجرای تدریس فعال و بهره گیری از الگوها و روشهای تدریس متنوع و متناسب	۱ امتیاز	
		و) مهارت در یکاگرایی اشارات (مهارت های غیر کلامی) حساب شده	۰/۵ امتیاز	
		ه) ایجاد فضای مناسب برای مباحثه های گروهی قرآن آموزان	۰/۷۵ امتیاز	
		ی) تلفظ و قرائت صحیح مثالها	۰/۵ امتیاز	
		برقراری ارتباط چهره به چهره با شاگردان و عدالت دیداری	۰/۷۵ امتیاز	
۶	استفاده از تنهیم و قرائت آهنگین تمرینها		۰/۵ امتیاز	
۷	عدم استفاده افراطی از کتاب و یادداشت		۰/۵ امتیاز	
۹	مدیریت و توانایی اداره کلاس	الف) مدیریت زمان تدریس هر یک از محورهای آموزشی	۰/۷۵ امتیاز	
		ب) مدیریت فراگیران امکانات و فضای کلاس	۰/۵ امتیاز	
۱۰	استفاده از وسایل آموزشی و کمک آموزشی	الف) استفاده از وسایل کمک آموزشی	۰/۷۵ امتیاز	
		ب) استفاده از خط خوش و خوانا	۰/۵ امتیاز	
۱۱	جمع بندی مطالب/ ذکر خلاصه درس/ ارائه تکلیف مناسب/ ارزیابی مستمر و پایانی از مطالب ارائه شده		۱ امتیاز	
*	جمع		۲۰ امتیاز	

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم  
نهج البلاغه  
بیان، حسام الدین؛ شکبیا مقدم، محمد (۱۳۷۵) - شیوه های نو در آموزش - انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.  
جویس، بروس؛ ویل، مارشا؛ کالهون، امیلی - ترجمه: بهرنگی، محمدرضا (۱۳۸۹) - الگوهای تدریس ۲۰۰۴ (ویرایش جدید) - انتشارات کمال تربیت.  
درویل، ام. تی - ترجمه: وصالی، ایرج (۱۳۶۴) - کاربرد روانشناسی در تدریس - انتشارات جهاد دانشگاهی.  
سیف، علی اکبر (۱۳۸۹) - روانشناسی پرورشی نوین، ویرایش ششم - انتشارات نشر دوران.  
شعبانی، حسن (۱۳۸۵) - مهارت‌های آموزشی و پرورشی، جلد اول - انتشارات سمت.  
صفوی، امان اله (۱۳۸۱) - کلیات روش‌ها و فنون تدریس، متن کوتاه - انتشارات نشر معاصر.  
کدیور، پروین (۱۳۸۷) - روانشناسی تربیتی - انتشارات سمت - چاپ دوازدهم.  
لشین، سینتیا؛ پولاک، جولین؛ رایگلوث، چارلز.ام - ترجمه: فردانش، هاشم (۱۳۷۴) - راهبردها و فنون طراحی آموزشی - انتشارات سمت.  
نلسون، آنابل - ترجمه: رضاپور، یوسف (۱۳۸۰) - طراحی برنامه درسی - انتشارات سمت.  
وسائل الشیعة، حر عاملی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.  
مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.